

# ازدوق



مجله ماهنامه وزارت دفاع ملی

حمل سال ۱۳۶۰

شماره (۱)





درس های سیاسی بد آگاهی سر بازان می افزاید.

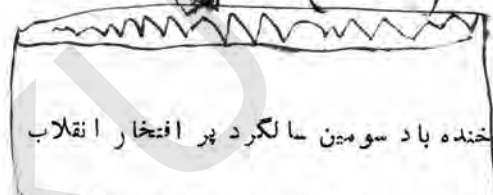
صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
(۴۲)	- فاشیزم در چهره نوین فضل احمد جگرن	(۱)	- ایما نیه ببرک کار مل در پنجمین پلنوم ...
(۴۷)	- خانواده و روش زندگی ثریا « فرمند »	(۵)	- جشن بهار ، جشن کار و صلح ...
(۵۰)	- انواع اسلحه جدید در ... انجنیر محمد اکبر سروری	(الف)	- شمار های کمیته مرکزی ...
(۵۵)	- موفقیت در عملیات جراحی دوهم بریدمن عبدالرسول	(ب)	- وجایب ، مساویتها ووظایف ما ...
(۵۸)	- دسپلین در حزب طراز نوین جگرن عبدالعظیم « استوار »	(۹)	- اوضاع نظامی مقارن ... دگروال نورالله تا اقامتی
(۶۱)	- دینی سواد پیرونده مبارزه ... تورن ثناء الله	(۱۲)	- تحکیم سمت گیری سوسیالیستی ... جگرن محمد ابراهیم رزمی
(۶۳)	- وحدت حزب و مردم تورن کیوان	(۱۷)	- اصول اساسی ج . د . ا ... بگرمین محمد نعیم نیواد
(۶۸)	- مردم ، انقلاب و جبهه ملی ... چکاوک	(۲۱)	- داتومی توغندیو دیپلوماسی جگرن امان الله تلاش
(۷۲)	- اشغال نقطه مرتفع و حاکم جگرن یاسین	(۲۶)	- پرنسیم های تکنیک ... بگرمین ارکا نجرب توریالی عثمانی
(۷۸)	- آنها هرگز نمرده اند	(۳۱)	- بنام انقلاب ، بنام وطن و ... عطا رادسرد
		(۳۴)	- د شوروی و سله والو پوچو ... امین الله محک
		(۳۹)	- پیمان نظامی تجاوزگر ناتو ... جگرن خالوق

ددی گنی مطالب

# شعارهای کمیته مرکزی ح. د. خ. ا.

## بمناسبت

## سومین سالگرد انقلاب ثور



از برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه تأسیس جبهه ملی پدر وطن که مرکز تجمع تمام نیروهای ملی و وطنپرست است پشتیبانی نموده و ازین طریق در راه حفظ و تطبیق دستاوردهای انقلاب مجدداً پیکار نماید.

— کارگران قهرمان کشور!

در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگر، یعنی تطبیق برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت اعمار یک جامعه پیشرفته، مترقی، شگوفان و فارغ از هر نوع ستم و استثمار برزمید.

آخرین سنگرهای دشمنان انقلاب را در شکستید.

— به صفوف حزب دموکراتیک خلق

بپیوندید.

— نیروهای وطنپرست و مترقی

صفوف خویش را بدور ح

ج. د. ا. بخاطر مجو کلی باند

اجیران فروخته شده به ام

رأس امپریالیزم امریکا، چپ

منطقه هرچه فشرده تر متحا

تمام نیروها، در امر نا

مردم به پیش!

— سر بازان دلیر اردوی

مهارت رزمی خویش را!

— فرخنده باد سومین سالگرد پر افتخار انقلاب ثور.

— افتخار به انقلاب ثور و مرحله نوین آن که راه درخشان ساختمان جامعه نوین و عادلانه را در افغانستان گشوده است.

— افتخار به مردم آزاده و قهرمان افغانستان که درفش مبارزه را بخاطر شگوفانی میهن محبوب ما برافراشته اند.

— زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور، این سازماندهنده انقلاب ثور و نیروی رهبری کننده جامعه ما.

— بگذار وحدت و یکپارچگی حزب و مردم تحکیم یابد.

— رزمندگان دلیر حزب قهرمان دموکراتیک خلق افغانستان!

صفوف خویش را بدور کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و نیروی سیاسی آن هر چه فشرده تر متحد سازید. نیروی شکست ناپذیری مادر وحدت پولادین ما است. — پیکار جوان سر سپرده حزب پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان!

در مبارزه بی امان علیه دشمنان انقلاب و در راه شگوفایی میهن آزاده ما پیشقدم باشید.

— نیروهای ملی و وطنپرست کشور!

تا ترا با مردم نیرومند تر سازید، تا سرزمین مقدس ما از وجود بقایای باندهای ضدانقلاب پاک گردد.  
زنده باد قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان.

— افتخار جاوید به شهدای قهرمان وطن که در مبارزه علیه دشمنان انقلاب ثور و مردم افغانستان جان های خود را فدا کرده اند.

— جوانان وطنپرست و دلیر وطن!

به صفوف رزمنده اردوی انقلابی و غارندوی بیدار بپیوندید و در ردیف مدافعین انقلاب دلاورانه قرار گیرید.

دفاع از پدر وطن، وظیفه مقدس هر باشنده سرزمین ماست.

— جوانان بیدار وطن!

در امر فراگیری دانش و فرهنگ و کسب مهارت مسلکی تان بکوشید.

تمام نیروی سازنده تا ترا در خدمت اعمار جامعه نوین، مترقی و شگوفان در کشور محبوب ما بکار بگمارید.

زنده باد سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان.

— کارگران، دهقانان، پیشه وران، تاجران!

در تحت رهبری ح.د.خ.ا. و دولت ج.د.ا. جهت محورچه زودتر باند های ضد انقلاب، انکشاف اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم افغانستان به کار و پیکار دلیرانه ادامه دهید.

— رزمندگان اتحادیه های صنفی جمهوری 'تیک افغانستان!

'ه تطبیق تصمیم اولین کنگره خویش نمائید.

را بصورت شایسته و مؤثر بکار برید سازنده سطح تولید را افزایش مهیود شرایط کار مساعی بخرچ

مادیه های صنفی جمهوری نستان.

و وطنپرست جمهوری دموکراتیک

ح.د.خ.ا. و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به دین پاک اسلام و معتقدات مذهبی مردم افغانستان حرمت و احترام می گذارد.

با تبلیغ و طنپورستانه خویش دولت را در مبارزه علیه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب و اجرای تحولات اقتصادی - اجتماعی به نفع مردم ماکمک نمائید.

زنان رزمنده وطن!

در زندگی اجتماعی - سیاسی و اقتصادی کشور فعالانه سهمیم شوید و دستاورد های انقلاب ثور را تحکیم بخشید.

افتخار بیکران به مادران قهرمان و زنان زحمتکش کشور.

- دهقانان زحمتکش افغانستان!

در اصلاحات دموکراتیک ارضی فعالانه سهم گیرید. در کوپراتیفها با هم متحد شوید، سطح تولیدات زراعتی را ارتقا بخشید.

زنده باد دهقانان زحمتکش و وطنپرست افغانستان.

- روشنفکران وطن!

همه نیروهای خویش را در جهت تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ثور بکار اندازید و دسایس و توطئه های دشمنان وطن و انقلاب را شجاعانه افشا سازید.

- روشنفکران آگاه و وطنپرست!

دانش و ابتکار خویش را در جهت اعمار افغانستان نوین، شگوفان و آزاد بکار برید. نقش اتحادیه های روشنفکران را در زندگی معنوی جامعه ارتقا بخشید.

کارمندان موسسات دولتی!

شیوه های سالم رهبری دولت را تکمیل بخشید در جهت بهبود ساز مازدهی امور، انجام دقیق تصمیم حزب و دولت و محو همه مظالم کراسی و کارشکنی صادقانه تلاش ورزید

به خواست های زحمتکشسان برخورد مسوولانه نمائید.

- کارمندان ادارات آموزشی!

# با بیانیه بېرك كارمل پنجمین پلینوم کمیته مرکزی ح. د. خ. افغانستان افتتاح گردید

بېرك كارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیانیه شان ضمن صحبت از اشتراک هیات حزبی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونست اتحاد شوروی اظهار داشتند:

اچازه بدهید بنام پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنام تمام حزب ما و مردم زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان به کشور همسایه و دوست مطمئن و صدیق خود اتحاد شوروی موفقیت های عظیمی را در تحقق فیصله های بیست و ششمین کنگره حزب آرزو نمائیم، موفقیت های کشور شوراها موفقیت امر صلح و ترقی اجتماعی است.

بېرك كارمل به سخنان خود چنین ادامه دادند:

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی موضع و موقف دولت شوروی در برابر خواست دول جوان در جهت تحکیم قدرت دفاعی شان، واضح و صریح ارائه شده است. مخصوصاً در مورد کشور ما این موضعگیری انترناسیونالیستی و برادرانه با صراحت کامل و بطور قناعت بخش بیان شده است.

بېرك كارمل در قسمت گزارش ارائه شده به کنگره بیست و ششمین حزب کمونست اتحاد شوروی که بیانگر نقطه نظر کنگره در مورد کشور ما میباشد چنین متذکر شد: امپریالیزم جنگ اعلام نشده واقعی را علیه انقلاب

پنجمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ساعت نه و سی دقیقه قبل از ظهر روز پنجشنبه ۲۸ حوت در تالار دلکش ارگ جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیانیه بېرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان افتتاح گردید.

در پلینوم اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همچنان به حیث مشاورین عده از اعضای شورای انقلابی رؤسا، معاونین و مربیون شعبات کمیته مرکزی، منشی های کمیته های حزبی ولایتی، اعضای کمیته های حزبی شهر کابل و ولایت کابل، منشی اول سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، رئیس شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان، رئیس کوپراتیف های زراعتی افغانستان و رؤسای سیاسی غارندوی و خدمات اطلاعات دولتی اشتراک ورزیده بودند.

حین ورود بېرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حاضرین به پاخاسته و با کف زدن های متحد و مملو از احساسات پرشور انقلابی از ایشان استقبال به عمل آوردند.

در آغاز کار پلینوم، بېرك كارمل گزارش مفصلی به پلینوم ارائه داشتند که در هر قسمت پاکف زدن های پرشور مورد تأیید و استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

افغانستان برافروخته است، چنین وضع ما را مجبور ساخت کمک نظامی را که یک کشور دوست تقاضا داشت، مبذول داریم.

پلان های دشمنان افغانستان نقش بر آب شد. سیاست منجمیده شده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت افغانستان تحت رهبری رفیق بېرک کارمل که مطابق به منافع ملی میباشد حکومت مردم را تحکیم بخشید.

آنچه که مربوط به قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی میشود ما حاضر خواهیم بود که بتأییر موافقت حکومت افغانستان آن را خارج سازیم. برای این کار باید اربابان سال باند های ضد انقلاب به افغانستان کاملاً قطع گردد. این امر باید به وسیله موافقت نامه ها میان افغانستان و همسایگان آن تحکیم یابد. ضمانت های مطمئن لازم است که مداخله از نوبه عمل نیاید چنین است موضوع اصولی ما و ما آنرا با انوار تعقیب خواهیم کرد، تمام نمایندگان و مہمانان کنگره این حرف های لیونیید ایلچ بریژنف را با کف زدن های گرم استقبال نمودند.

بېرک کارمل ضمن صحبت علاوه کردند:

این امر که بیانیته مادر کنگره با توجه عمیق استماع گردید و قاطعیت و مصمم بودن ما را در راه تحقق آرمان های انقلاب ثور بافهم و پشتیبانی گرم کنگره بیست و ششم حزب کمونسٹ اتحاد شوروی مواجه شد موجب احساس غرور و سر بلندی مردم ما، کشور ما و حزب ما میباشد.

مخصوصاً اینکه در جریان کار کنگره به تاریخ هشت حوت در کرملین ملاقات من با لیونیید ایلچ بریژنف صورت گرفت خاطرہ مطبوعی برای ما باقی گذاشت، در جریان مذاکره که در فضای گرم و برادرانه صورت گرفت مسایل مربوط به رشد بیشتر روابط میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب کمونسٹ اتحاد شوروی و تعمیق همه جانبه همکاری افغان - شوروی مورد بررسی قرار داده شده تبادل افکار در مورد بعضی مسایل بین المللی نیز صورت گرفت، تلاش ها و دسایس نیروهای امپریالیستی هژمونیستی و ارتجاع منطقه بر علیه انقلاب افغانستان قاطعانه تقبیح شد و عزم راسخ در راه دفاع از استقلال و حاکمیت افغانستان ابراز گردید. تمایل استوار برای مساعدت به حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان بر اساس اصول مطروحه در پیشنهادات بیست و چار ثور و اعلامیه مشترک افغان - شوروی مورخ بیست و چار میزان ۱۳۵۹ اظهار شد.

بېرک کارمل افزودند:

در اعلامیه تاریخی بیست و چار ثور ۱۳۵۹ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پروگرام مشخص



بېرک کارمل ——— ارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم، حین ارائه راپور به پلینوم پنجم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

اقدامات جهت عادی ساختن اوضاع در منطقه و بیش از همه در مناسبات میان افغانستان و کشورهای همسایه ایران و پاکستان پیشنهاد میگردد، ما یک سلسله پیشنهادات سازنده و تکمیل کننده اعلامیه بیست و چار ثور را در نشرات و مطبوعات و هم چنان در پیام رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در جلسه طایف اشتراک داشتند و بیانیته وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنفرانس وزیران ای خارجه دول غیر منسلک در دهلی مطرح ساختیم، هیچ کس نمیتواند ادعا کند که مبادر جهت عادی شدن وضع منطقه اربابان است. خوش استقاده نکرده ایم و یا کوشش های غیر کافی نموده ایم. هیچکس درین مورد بیشتر از ما معنی بیخروج نداده است.

در روشنی آنچه گفته شد می خواهیم با واقعه چند روز قبل طیاره بوئینگ هفتصد و بیست یا کستانی تماس بگیریم،

در رابطه افغانستان و پاکستان نسبت به این واقعه تأسف انگیز، دو برخورد کاملاً متضاد به مشاهده رسید. ما از همان آغاز موقف اصولی انسان دوستانه و سنجیده شده اتخاذ نمودیم که بیش از همه متوجه نجات جان افراد بیگناه بود. همواره با این موضوع جانب پاکستانی و منجمه ملاحظات مربوط به پرستیژ دولتی آنرا نیز مدنظر داشتیم ماهمه اقدامات ممکن را برای حل قضیه با وسایل سیاسی انجام دادیم. با اطمینان میتوان گفت که در نتیجه به برکت همین موقف درست ما، امکان جلوگیری از واقعه دلخراش یعنی از بین رفتن مسافران و طیاره در میدان هوایی کابل میسر گردید. اما در اسلام آباد اراده نیک و حسن تمایل ما را بدرستی و به طور لازم ارزیابی ننموده و بلا تفاوتی کامل نسبت به سر نوشت مسافران طیاره نشان داده و اعلام داشتند که در صورت به واقعیت پیوستن سانحه ممکن تمام مسوولیت بدوش افغانستان میباشد.

جانب پاکستانی با کنار رفتن از حل قضیه، مسوولیت سنگینی را بدوش گرفت.

اما هر چند رهبری اسلام آباد از ضرورت حل و فصل سیاسی مناسبات با جمهوری دموکراتیک افغانستان شانه خالی کند، باز هم ما و پاکستان همسایه باقی خواهیم ماند با ایران همیشه همسایه بوده ایم و خواهیم بود. هیچکس نمیتواند، به عوض ما و همسایگان ما پروبلمهای موجود بین ما را حل نماید و ما بالاخره باید با ترك ملاحظات ذهنی، سوء تفاهات و تلقینات نادرست و غیره اینکار را انجام دهیم، پیشنهادات ما به حکومت پاکستان و همچنان حکومت ایران در این زمینه بسیار واضح و روشن و به همه معلوم است، ما مانند سابق حاضریم مسایل مربوط به حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان را بر اساس دو جانبه مورد غور و رسیدگی قرار دهیم.

### بیرك كارمل چنین اضافه کردند:

چگونه جمهوری دموکراتیک افغانستان اظهارات چند روز قبل مقامات بلند پایه ایالات متحده امریکا و منجمه رئیس جمهور ریگن را که حاکی از تصمیم ایالات متحده برای تمهید به سلاح اجزای ضد انقلاب است، با شدت تقبیح نموده می نماید، مردم افغانستان و اردوی قهرمان کشور به این تحریکات با تشدید ضربات بر ضد انقلاب پاسخ می دهند هیچ کجایی از خارج امر محکوم به زوال آنان را نجات دانه نمی تواند، سیاست تحریک آمیز اداره امریکا فقط ممکن است موجب اختلال و ممانعت حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان گردد.

### بیرك كارمل خاطر نشان ساختند:

ما مصمم هستیم در آینده نیز در عرصه رشد مناسبات

کشورهای غیر منسلک و همچنان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که کشور ما یکی از بنیاد گذاران و عضو فعال آن بوده و باقی خواهد ماند کار پیگیر و دوام دار نماییم.

بگذار نزد هیچکس تردیدی باقی نماند که جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ ابتکار صلح جویانه و مثبت را از هر جانی که منشا گیرد بدون توجه و مساعدت نخواهد گذاشت.

ایشان افزودند:

خصوصیت معیزه سر حله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک عبارت از آنست که مشخصات دسر کراتیک ملی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی آن هر چه بیشتر و با قوت تبارز مینماید. در حال حاضر ما در آستانه اجرای مهمترین وظایف عمومی دموکراتیک یعنی تحقق اصلاحات ارضی، تحکیم و رشد اقتصاد ملی، مبارزه با بیسوادی و رشد معارف و فرهنگ رفقا باقی فئودالی در شعور و طرز زندگی مردم، تعمیل تدبیراتی عناصر اساسی دموکراتیک سیاسی در حیات روز مره و بالاخره ارتقای سطح زندگی مردم قرار داریم.

انقلاب ما حین اجرای تمام این وظایف متمیزات ملی خصوصیات زراعتی کشور پا بندی عمیق اهالی کشور را به دین اسلام، تفاوتها در سنن و طرق رشد اقوام و قبایل ساکن کشور را مد نظر دارد.

بالاخره ما در آستانه تشکیل جبهه ملی پدر و وطن این سازمان سیاسی جامعه که ضرورت آنرا ما همیشه و در تمام اسناد سیاسی، از همان لحظه انتشار مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ۱۳۴۴ خاطر نشان ساخته ایم، قرار داریم. عملا فعالیت عظیم در جهت ایجاد سازمانهای اجتماعی توده ای و اتحادیه های کارمندان مبتکر که باید عناصر اساسی جبهه ملی پدر و وطن را تشکیل دهند، به پایان رسیده است.

### بیرك كارمل اظهار داشتند:

در هر صورت ضمن صحبت از وضع اقتصادی کشور میخوایم یک چیز را خاطر نشان سازم. علی الرغم جنگ اعلام نشده که عملاً در جریان سه سال از طرف امریکا لیستهای امریکا و هژ مونیستهای چین در اتحاد با ارتجاع منطقه علیه نظام مردمی ما پیشبرده میشود باز هم در کشور ما گرسنگی و محدودیت بالای قر و ش مواد مورد ضرورت اولیه وجود ندارد و نیازمندیهای کشور از لحاظ مواد خوراکی و محصولات نفتی کاملاً تأمین است و نیروهای مسلح ما تمام وسایل لازم را برای پاسخ گفتن به دشمن در اختیار دارد.

در سال آینده در برابر ما ادامه اصلاحات ارضی دمو-  
کراتیک که محور اساسی تحولات اجتماعی اقتصادی را  
در کشور عمدتاً زراعتی ما تشکیل میدهد قرار دارد. اگر  
هدف عمده اصلاحات ارضی را بطور مختصر فورسول بندی  
نماییم باید بگوئیم که اصلاحات مذکور در گام اول  
عبارت از بذل کمک بزراعت و دهقانان محترم ما بخاطر  
افزایش حاصلدهی تولید زراعتی و ارتقای سطح زندگی  
دهقانان میباشد، بمنظور بهبود وضع زندگی طبقه کارگر  
حکومت تصمیم گرفت که از آغاز سال نو دست مزد آنان را  
بطور متوسط ۲۶٫۶ فیصد افزایش دهد که این از دبا  
برای کارگران کم درآمد تا چهل الی پنجاه فیصد میرسد  
تداوبرحمت ساختمان منازل مسکونی برای کارگران و  
بهبود خدمات صحی و تأمین آنان از لحاظ مواد خوراکی و  
دیگر اشیای مورد ضرورت اولیه اتخاذ میگردد.

**بیرك كارمل** در ارتباط به حیات حزبی اظهار  
داشتند :

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از لحاظ سازمانی  
تحکیم می یابد صفوف اعضای آن رشد میکند، ترکیب کیفی آن  
بمتر میشود، پایه اجتماعی آن توسعه می یابد، مهارت  
کارمندان حرفه ای آن ارتقا حاصل می نماید، صفوف  
فعالین آگاه از لحاظ سیاسی توسعه حاصل میکنند و اعتبار  
آن در بین توده های وسیع فزونی میگیرد، حزب به وارد  
نمودن تاثیر بالایی تعداد کثیر از مسایل رشد اقتصادی و  
اجتماعی کشور آغاز می نماید.

اهمیت استثنایی را این مساله دارد که پذیرش در ما  
های اخیر تغییرات معین کیفی را در ترکیب اجتماعی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان وارد می سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جریان سال  
های متعددی بنا بر خصوصیات جامعه افغانی حزب  
روشنفکران باقی مانده بود اما همین اکنون بیست و  
پنج الی سی فیصد اعضای جدید از میان کارگران و  
دهقانان پذیرفته شده اند آنچه که موجب خوشنودی  
بیشتر میگردد اینست که اعضای جدید در دوران دشوار

مبارزه با ضد انقلاب به حزب ما می پیوندند تا وفاداری  
خود را به وطن و امر انقلاب ثابت سازند برای آنان  
استیاز عمده عبارت از قرار گرفتن در صفوف مقدم  
مبارزه با ارتجاع میباشد.

**بیرك كارمل** در باره وظایف سازمانها و  
کمیته های حزبی و اعضای حزب در مرحله  
کنونی رشد پروسه انقلاب مطالب مبسوطی را  
اظهار داشته بیانیه خود را چنین خاتمه  
دادند .

در خاتمه اجازه دهید برای تمام رفقای حاضر در  
پلینوم کمیته مرکزی موفقیت های بزرگ را در امر  
فعالیت شان به خاطر آبادی و شگرفانی وطن محبوب ما  
افغانستان انقلابی آرزو نمایم .

گزارش **بیرك كارمل** منشی عمومی کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای  
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان  
مورد استقبال پرشور اشتراک کنندگان پلینوم قرار  
گرفته و به اتفاق آرا مورد تایید و پشتیبانی قرار گرفت.

بعداً جنرال عبدالقادر عضو کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شعبه دفاع و عدل  
کمیته مرکزی حزب و اسلام و طنجا ر عضو کمیته مرکزی  
حزب، عبدالرشید آرین عضو کمیته مرکزی حزب، محمود  
بربالی عضو کمیته مرکزی حزب و مسوول شعبه روابط  
بین المللی کمیته مرکزی حزب، داکتر نجیب

کمیته مرکزی حزب، برید جنرال محمد رفیع عضو کمیته  
مرکزی حزب، عالمی منشی کمیته ولایتی کندهار، و  
سید نسیم میمن پرست منشی کمیته ولایتی جوزجان به نمایندگی  
از بیانیه **بیرك كارمل** صحبت کردند و در آخر مصوبه

پنجمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک  
افغانستان توسط داکتر صالح محمد زید منشی  
سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب عضو هیئت  
شورای انقلابی قرائت شد و به اتفاق آرا مورد تصویب  
قرار گرفت. پلینوم ساعت سه بعد از ظهر خاتمه







# جشن بهار، جشن کار و صلح

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي ح . د خ . ا . ، رئيس شوراي انقلابي  
و صدر اعظم ج . د . ا . پيامي بمناسبت حلول سال نو خطاب به مردم د اير و غذا بدیده وطن،  
شب نوروز از طريق امواج راديو و تلويزيون ايراد نمود كه اينك بصورت مختصر  
بعضي از قسمت هاي آن تقديم مي گردد .

اميد خام احياي دوران گذشته  
وحشت و ننگ ، ظلم و بيعدالتي را  
تحقق بخشد . ديگر آن دوران به  
گذشته ها پيوستند و هرگز بر نخواهد  
گشت ...»

« . . . در سال گذشته مساعي  
گسترده اي در جهت تا سيس جبهه  
وسيع ملي پدر وطن بعمل آمد .  
کنفرانس نير و هاي ملي و وطنپرست  
كه در آن نمايندگان تمام طبقات  
اقتدار و گروه هاي اجتماعي ، نمايند-  
گان تمام مردم نجيب و آزاده ما  
اشترك داشتند د اير گرديد .  
در سال نو ما مصمم هستيم كنگره  
جبهه وسيع ملي پدر وطن را كه در

## هموطنان عزيز !

طی سالیکه گذشت ما تمام کوشش  
هاي خود را در جهت بسج همه نير و-  
هاي سالم و شريف وطن بخاطر  
تامين و تحکيم فضاي نو ، فضاي  
قانونيت دموکراتيک ، فضاي اعتماد  
و همکاري بين نير و هاي مختلف  
اجتماعي و ملي و فضاي کار صلح  
آمیز و اخلاق توسعه هاي زحمتکش  
کشور معطوف ساختيم ، ما پلان  
سجش شده دشمنان را كه سي خوا-  
ستند کشور ما را در سنجلاب بحران  
عميق اجتماعي ، اقتصادي و فرهنگي  
سقوط دهند ، خنثي ساختيم . ما به  
بيچكس اجازه نخواهيم داد كه

مال نو ، جشن باستاني و زيباي  
جشن دهقان را از صميم  
بستبر يك ميگويم .  
در سر زمين باستاني ما اين جشن  
كه مشحون از بهترين سنن تاريخي  
ماست ، بيشا به جشن بهار ، جشن کار  
سج آميز ، جشن آرزو هاي درخشان  
ملي مي گردد .

در اين روز  
گذشته از زيباي  
ووظايف سال آينده مشخص  
ن بايد ديد ارمان  
اي شاچه بود و انتظار  
در آستانه آن قرار  
؟

آن از لحاظ سازمانی و وحدت تمام نیرو-  
های ملی، مترقی و وطنپرست و همه  
اقوام ملیت‌ها و قبایل ساکن کشور  
تحت رهبری حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان تأمین خواهد شد، در  
تحت یک پلتفرم مشترک بخاطر اعمار  
جامعه نوین، مستقل، دموکراتیک  
شگوفان و نیرومند افغانستان دایر  
نمائیم.

ایجاد جبهه وسیع ملی پدر وطن  
امکان‌سهم‌گیری عملی و واقعی کلیه  
نیروهای مترقی، دموکراتیک  
و وطنپرست را در امر رهبری  
ساختن جامعه نوین میسر می‌سازد.  
منافع تمام طبقات، اقشار و گروه-  
های اجتماعی جامعه ما و همسپان منافع  
تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن  
در کشور محبوب ما افغانستان پر  
غرور و انقلابی را انعکاس می‌دهد  
بفضا برای کار صلح‌آمیز بنفع  
نوده‌های مردم را بوجود می‌آورد.

ما تمام مردم افغانستان اعم  
از کارگران، دهقانان، پیشه-  
وران، روشنفکران، علما و روحا-  
نیون کرام، سرما‌یداران و تاجران  
ملی و وطنپرست، تمام ملیت‌ها،  
اقوام و قبایل کشور را برای کار  
صلح‌آمیز و خلاق دعوت مینمائیم چه  
تنها کار صلح‌آمیز و خلاق است که ما  
را بسوی آینده‌آشنا و پناک ترقی و شگو-  
فانی، برادری، دوستی و برابری  
سوق می‌دهد.

ما از تمام کسانی که فریب  
تبلیغات تو طئه‌آمیز و شعارهای  
کاذب و عوام‌فریب دشمنان خوشبختی  
و سعادت مردم ما را خورده اند و  
به خارج از کشور رفته اند دعوت  
می‌نمائیم تا به وطن پر غرور  
انقلابی، مستقل و آزاده  
خویش باز گشته سهم شایسته  
خود را در راه اعمار جامعه  
خوشبخت، دموکراتیک و رشد‌یابنده  
خویش ادا نمایند.

برای ما جای مسرت بی پایان  
است که عده کثیری از هموطنان ما  
تا کنون به وطن محبوب خود  
عودت نموده و سال‌نور را بعد از  
تحمل رنج‌ها، آهانت‌ها و محنت  
های فراوان غربت در شرایط نامکین  
و ضد انسانی ای که مسئول آن تنها  
و تنها امپریالیزم و چاکران آن  
می‌باشند در حلقه مسرت بخش  
عزیزان و اقارب خویش در فضای  
آزادی کامل و اخوت استقبال  
می‌نمایند...

«هم میهنان عزیز، برادران  
و خواهران!»

از رژیم منفور گذشته یک  
اقتصاد عقب مانده و ناتوان برای  
ما بمراث مانده است. رفع عقب  
ماندگی اقتصادی افغانستان بدون  
رشد سریع نیروهای مولده کشور  
ارتقاء سطح زندگی مردم، تحقق  
بخشیدن به دگرگونی‌های عمیق  
اجتماعی، اقتصادی و بالاخره بدون  
ایجاد و تحکیم پایه‌های جامعه  
نوین فارغ از استثمار انسان از  
انسان که بر مبنای قانونیت و اصل  
عدالت اجتماعی متکی باشد امریست  
نا ممکن.

بعد از پیروزی انقلاب ثور و  
به خصوص مرحله نوین تکاملی آن  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
و حکومت ج. د. ا. تدا بپیر عاجل  
و با اهمیتی را جهت تکامل اقتصاد  
ملی و تسریع رشد اقتصادی کشور  
روی دست گرفتند.

ما اطمینان کامل داریم که  
امروز همه امکانات لازم جهت رشد  
اقتصاد ملی کشور بنفع زحمتکشان  
وجود دارد. ما تا کنون به پیروزی  
های معینی در زمینه رشد اقتصادی  
ناشن آمده ایم. هرگاه فعالیت‌های  
خرابکارانه امپریالیزم جهانی  
و ارتجاع، اجیران و باند‌های  
خائن بمردم افغانستان وجود نمی

داشت بدون شک این دست آوردها  
و پیروزی‌ها بشری می‌ود. ولی  
در هر حال دشمنان ما به این آرزوی  
ناپاک خود که مانع تکامل و ترقی  
کشور شوند، نائل نگردیدند. مؤید  
این گفته ما پیشرفت‌هایی است که  
در سال ۱۳۵۹ نصیب مردم ما  
گردیده است.

**رفیق کارمل بعد از ارائه  
مختصری ارقام در زمینه  
سطح رشد محصولات زراعتی  
و صنعتی چندین اظهار داشت:**  
درین سالروز نیک عنعنوی  
روی سخن ما بخصوص با دهقانان  
زحمتکش کشور است.

سنت دیرپایه ای است که سال  
نور، نوروز پر فروغ، جشن کشت  
و کار و روز دهقان نیز است و  
زراعت شالوده اقتصاد کشور ما  
را تشکیل می‌دهد.

حکومت ج. د. ا. کوشش‌های  
صادقانه و دائمی خویش را در  
زمینه حل واقعی دموکراتیک و  
عادلانه مسئله ارضی، کمک همه  
جانبه به دهقانان زحمتکش و تعمیق  
وحدت طبقات کارگر و دهقانان که  
پایه حاکمیت سیاسی ما را تشکیل  
میدهد، تعقیب نموده و خواهد نمود.

در سال ۱۳۵۹ بمنظور ارتقاء سطح  
تولیدات و رشد سطح زندگی دهقانان  
زحمتکش و وطن در قیمت خرید  
پنبه و بلبو تولید قابل ملاحظه‌ای  
بمعمل آمد و قیمت کود و آلات و ابزار  
زراعتی کاهش یافت. به دهقانان  
کم زمین و بی بضاعت از طریق  
توزیع رایگان کود و تخم بذری  
معاونت بعمل آمد.

ما در آینده نیز به دهقانان  
زحمتکش در زمینه تهیه تخم بذری  
کود، آلات و ابزار زراعتی و  
سازماندهی درست خریداری اقلام  
عمده تولیدی آنان بصورت عادلانه  
ارائه قرضه و غیره کمک‌های همه

جانیه و بیدریغ انجام خواهیم داد و به تحکیم وحدت دهقانان در چهار چوب کوپراتیف های زراعتی بمنظور انکشاف نیرو های مؤلده زراعتی و بهبود شرایط زندگی آنها با جدیت و پشت کار کمک خواهیم نمود.

ما اشتباهات گذشته را که در ساحه اجرای اصلاحات ارضی رو نما شده بود اصلاح نمی نمائیم و می خواهیم که دهقانان آزادانه برای خود و خانواده خود، نه به سود فئودال ها و اربابان کار نموده و با حاصل کار خود شرایط زندگی خود را بهبود بخشند.

قانونی در باره تقسیم آب تحت تدوین بوده و عنقریب به منظور توزیع و استفاده عادلانه از آب اقدام خواهد شد.

ما دهقانان زحمتکش را دعوت می نمائیم تا تمام زمین های خویش را زرع نموده و زمین را بدون کشت باقی نگذارند.

تولید محصولات زراعتی را به نفع خود، به نفع مردم، به نفع جامعه و دولت خویش افزایش بخشند.

### رفیق کارمل: در باره

اقتباسات جدید حزب و دولت انقلابی ما دو ادامه چنین گفت:

«به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج. د. ا. به پیشگاه شما هموطنان شرافتمند و زحمتکش اعلام می نمائیم که سزاوار فردا معاش کارگران و مستخدمین دولتی بطور اوسط ۲۱۶ فیصد و معاش کارگران و مستخدمین کم مزد تا ۴۰۰ الی ۵۰۰ فیصد افزایش می یابد. آنچه از هموطنان ما که از این ازدیاد مستفید میگردند به ۱۷۷ هزار نفر میرساند. با یاد علاوه نمودن ما کولات

کارگران مستخدمین و مساموران نیز به پیمان ۵۰ فیصد افزایش میابد بر طبق نورم جدید بیشتر از ۳۰۰ هزار نفر بصورت رایگان مواد غذایی دریافت خواهند نمود. ما متیقن هستیم که کارگران دهقانان و دیگر اقشار و طبقات ملی و وطنپرست کشور ما این تدابیر حکومت را با کار تولیدی بیشتر و مبارزه فعالتر در راه دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور استقبال خواهند کرد...»

«...مبارزه دشوار ولی پیگیر و دایرانه ما برای ایجاد جامعه نوین و اعمار افغانستان شکوفان، نیرومند، مستقل و دموکراتیک از چگونگی اوضاع بین المللی، تناسب نیروها در عرصه جهانی بین نیرو های امپریالیستی، ارتجاع سیاه و جنگ طلبان از یکسو و نیرو های دموکراتیک، ترقی خواه و طرفداران صدیق راه صلح از جانب دیگر جدایی ناپذیر است.

در اولین روز های پس از پیروزی انقلاب ثور و با لخصوص بعد از پیروزی مرحله نوین آن، نیرو های ارتجاع و امپریالیزم جهانی در راس امپریالیزم امریکا با پشتیبانی فعالانه رهبری هژمونستی چین جنگ اعلام نشده ای را علیه افغانستان بسط و توسعه دادند.

آنان اردو گاههای متعددی را ایجاد نموده و از آن طریق باندهای ضد انقلابی متشکل از خائنین را تربیه، تسلیح و تجهیز نموده بمنظور خرابکاری و آدمکشی به خاک مقدس ما می فرستند. دشمنان مردم و انقلاب ما بخاطر رسیدن به اهداف شوم خود با استفاده خائنه از دین مقدس اسلام و احساسات مذهبی و ملی مردم ما در حالیکه در واقعیت امر هیچگونه ایمانی به دین مقدس

اسلام و منافع واقعی مردم افغانستان ندارند، مردم ما را می فریبند. ولی مردم ما دیگر فریب این جنایت پیشگان را نخواهند خورد.

چندی پیش رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا ریگان با صراحت و بدون شرم اظهار داشت که از عناصر ضد انقلابی افغانستان حمایت و پشتیبانی می نماید و به آنها سلاح می دهد که این خود از دخالت مستقیم ایالات متحده امریکا در امور داخلی افغانستان مستقل و آزاد نمایندگی می نماید. همین اکنون در نزدیکی سرحدات ما یعنی در خلیج فارس امریکا حضور نظامی خویش را بیشتر از پیش تقویت بخشیده است.

ما با تکیه اراده مردم دلیر و زحمتکش خویش ایمان راسخ داریم که تمام کوشش ها، توطئه ها و دسایس دشمنان مردم افغانستان مواجه به شکست و ناکامی خواهند شد. آنها موفق نخواهند شد جریان خستگی ناپذیر تاریخ را از گردش و حرکت باز دارند و افغانستان انقلابی پشورورا در قید نظام های فرتوت و ظلمت بار گذشته در آورند و انقلاب ما را در خون غرق نمایند. زیرا توده های مردم بخاطر دفاع از دست آوردهای انقلاب و بمنظور حفظ استقلال و آزادی وطن خویش بپاخواسته اند. چنین خلقی را هیچگاه نمی توان تحت تسلط در آورد.

مادر کار دشوار اما شرافتمندانه اعمار جامعه عادلانه نوین تنها نیستیم. کمک و پشتیبانی تمام نیروهای مترقی، صلح دوست و دموکراتیک جهان و قبل از همه همسایه بزرگ و دوست دیرینه و صدیق خلق ما اتحاد شوروی ما را درین پیکار مقدس یاری می رساند.

در لحظات حساس و دشوار زندگی مردم ما، آنگاهیکه مسئله بود و نبود انقلاب و وطن عزیز ما، مسئله دفاع از آزادی و استقلال ملی کشور ما و دفع و طرد تجاوز جنایت کارانه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم مطرح بود، کشور بزرگ شوراها بصورت برادرانه و انترناسیونالیستی ما را یاری نمود. هنگامیکه کمک اتحاد شوروی که بر اساس معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری بین افغانستان و اتحاد شوروی و بر طبق تقاضای حکومت ج. د. ا جهت دفع و طرد تجاوز خارجی بشکل اعزام قطعات محدود نظامی به کشور ما صورت گرفت. دشمنان انقلاب و مردم ما صدها اتهامات خا بنانه و دروغین را بر علیه ما برآوردند. ما یکبار دیگر بصراحت اعلام می داریم که علت وجود قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در کشور ما در امر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ما در برابر تجاوز تدارک دیده شده امریالیزم، نمفته می باشد البته وقتیکه به توطئه و تجاوز خارجی علیه ج. د. ا. خاتمه داده شود و تضمین قابل اعتباری مبنی بر عدم تکرار آن ارائه گردد قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به کشور بزرگ صلح دوست خود عودت خواهند کرد.

بعداً رفیق کارمل، ضمن صحبت در باره اهمیت دوستی افغان- شوروی چنین علاوه نمود:

« کمک های همه جانبه برادرانه و بی غرضانه اتحاد شوروی عامل بسیار مهم در جهت دفاع از دست آوردهای انقلاب شور و تامین شرایط لازمه جهت رشد مزید بعدی

پروسه دگرگونی های انقلابی در کشور می باشد.

پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی از انقلاب شور از جانب منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد- شوروی رفیق گرامی لئونید ایلچ بریژنف در کنگره بیست و ششم حزب مذکور در حوت ۱۳۵۹ یکبار دیگر با صراحت و قاطعیت اعلام گردید.

افغانستان یک کشور غیر متعهد و دارای عنعنه صلح دوستی می باشد. کشور ما در عرصه جهانی از پروسه تشنج زدایی جداً دفاع میکنند و برای جلوگیری از بروز جنگ جدید جهانی. تشدید مسابقه تسلیحاتی و بخاطر حل مسالمت آمیز مناقشات از طریق مذاکرات صرف مساعی می نماید. ما می خواهیم با تمام کشورهای جهان مناسبات دوستانه داشته باشیم و موضوعات لاینحل را از طریق مسالمت آمیز و دموکراتیک حل و فصل نمائیم.

ما خواهان برقراری روابط نیک با همه کشورهای منطقه بخصوص کشورهای همسایه خود می باشیم. ما با جمهوری هند مناسبات عنعنوی دوستانه داریم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به پاکستان و ایران مکرراً دست دوستی دراز کرده و پیشنهاد نموده است تا بخاطر حل و فصل تمام مسائل حل نشده موجود بدون تحمیل شرایط قبلی با ما مذاکره را آغاز نمایند ولی متأسفانه تاکنون جواب دقیق و واضح در زمینه دریافت نه نموده ایم.

در آخر پیام رفیق کارمل

بمناسبت حلول سال نو چنین آمده است:

« هموطنان ارجمند!

آرزو دارم سال نو سال ۱۳۶۰ سال پیروزی های بزرگ نیروهای صلح، دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان و سال اعتبار بیشتر و بیشتر موفقیت افغانستان در عرصه بین المللی و سال خاتمه دادن به مناقشات نظامی باشد.

هموطنان عزیز، برادران و خواهران!

اکنون که شما مردم شریف وطن سال نو را استقبال می نمائید می توانید با افتخار و سر بلندی تمام به اقدامات دولت انقلابی تان در سالی که گذشت نظر بیندازید. ما اطمینان کامل داریم که در آینده نه چندان دور تمام مشکلات را از سر راه خود دور ساخته و در کشور باستانی خود جامعه شگوفان مبتنی بر عدالت اجتماعی و سعادت انسانها را اعمار خواهیم نمود. در سال جدید مادر راه انقلاب شور ما نند سالی که گذشت قاطعانه به پیش گام خواهیم گذاشت ما بخاطر رسیدن به اهداف انسانی انقلاب ملی و دموکراتیک کشور به انرژی، زحمات و اراده مردم نجیب و قهرمان ما اتکاء داریم. بیائید در سالی که پیش رو داریم طوری باید کار، فعالیت و مبارزه نمائیم که در تاریخ کشور پرغرور انقلابی خویش همواره به آن ببالیم.

در آخر یکبار دیگر رفیق کارمل حلول سال نو، نوروز باستانی و جشن دهقان را به هموطنان شاد باش گفت.

\*\*

# وجایب، مسؤولیتها

## ووظایف ما

### درمقدم

### سال

### نو

\*\*

با ورود سال نو و وظایف، مسؤولیتها و وجایب ما افسران، خوردهضابطان و سر بازان قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان نهایت سنگین و درخور توجه جدی است زیرا در این لحظات تاریخی و سازنده که مردم زحمت کش کشور ما بخاطر شگونانی و آبادانی و ایجاد جامعه نوین در کشور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تلاش دارند و سعی میکنند تا آرمان های والای انقلاب شکوهمند ثور به ویژه مرحله نوین و تکاملی آنرا در جامعه تحقق بخشند از ما منسوبین قوای مسلح این آرزورا دارند تا بخاطر محو فساد و پودی کامل ضد انقلاب در سنگر داغ مبارزه به پیکار انقلابی بیشتر از پیش سرعت دهیم و به دشمنان وطن، انقلاب و مردم اجازه ندهیم که بیش ازین زندگی صلح آمیز مردم زحمت کش کشور مارا سخیل سازند.

زیرا هر روز یکه از انقلاب شکوهمند ثور و مخصوصاً مرحله نوین

و تکاملی آن میگذرد به همان اندازه ضد انقلاب سرا سیمه میگردد و سعی میکنند تا بخاطر منافع از دست رفته شان و هم چنان بخاطر خشنودی با داران امپریالیستی خویش به انواع دسیسه، توطئه، دزدی، چپاول، قتل و غارتگری و ترور دست بزنند تا بدین گونه جلو تحقق ارمانهای والای انقلاب شکوهمند ثور را سد شوند.

از طرف دیگر امپریالیزم و در رأس امپریالیزم امریکا، ارتجاع بین المللی و هژمونیستهای پیکن به کمک حکومت نظامی گر پاکستان بمقابل افغانستان انقلابی جنگ اعلام ناشده را براه انداخته اند تلاشهای مذبوحانه می نمایند تا به نحوی از انجا جلوی پیروزی های درخشان حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را بگیرند و بخاطر این پلانهای شوم خویش انواع تخریبات و تحریکات را برضد

مردم کشور ما براه میندازند بطور مثال یگن این رسوا ترین نماینده امپریالیزم جهانی چندی پیش بصورت بپشر مانه اعلام داشت که دولت وی حاضر است برای ضد انقلاب افغانستان کمکهای نظامی و اقتصادی نماید.

آیا این اعتراف آشکار رئیس جمهور امریکا این حقیقت را به اثبات نمی رساند که کمک با عناصر ضد انقلاب افغانستان دفاع از تروریسم بین المللی است؟ اگر بصورت بسیار خلاص این موضوع را بررسی کنیم که ضد انقلاب افغانستان برهبری سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا (سازمان سیا) یکی از فعالیتهای تخریبی شان را ترور تشکیل میدهد؟ واضح است که چنین است. همچنان مسلح ساختن پاکستان به اسلحه امریکایی و چینایی فعالیتها خصمانه امپریالیزم امریکا و هژمونیستهای چینایی را به مقابل جمهوری دموکراتیک افغانستان

ونیم قاره و از جمله هندوستان نشان می دهد .

از آنچه گفته آمدیم بدین نتیجه میرسیم که وظایف انقلابی ما حکم میکند که باید ما منسوبین قوای مسلح قصد و نیات سوء و خایانه دشمنان انقلاب را بصورت آگاهانه و علمی درک و تشخیص نماییم و بر ضد و دفع آن برخورد قاطعانه کنیم .

برخورد - قاطعانه بخاطر محو کامل عناصر ضد انقلاب از طرف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در صدر وظایف انقلابی ما قرار دارد و باید لحظه آنرا از یاد نبریم بخاطر تحقق این مرام مقدس و وطنپرستانه بر ما ست تا بصورت یک پارچه واحد و بهم پیوسته با مشت پولادین چنان ضربات مرگباری بر پیکر ضد

انقلاب وارد آوریم که یارای مقاومت از حجره کثیف شان رخت بر بندد .

این مأمول زمانی بصورت بهتر و خوبتر بر آورده میشود که در صفوف قوای مسلح در بین اعضای اصلی و آزمایشی حزب وحدت سازمانی و اید یا لوژیک مانند مرد مک چشم حفظ شود و فیصله ها تصامیم و فتاوح پلینوم های دوم - سوم - چارم و پنجم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بصورت پیگیر و قاطعانه عملی شود . همچنان در این شرایط حساس و فیصله کن بر ما افسران خرد - ضابطان و سر بسازان قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان است تا مطابق به اساسات نظام مجار بوی سطح احضارات

مجار بوی خویش را بلند بپریم و استعمال سلاح خویش را بصورت بهتر تر یاد داشته باشیم و از آن مانند جان خویش مواظبت نماییم . اینست گوشه از وجایب ، مسئولیتها و وظایف مادر مقدم سال نو که باید آنرا بوجه احسن انجام داد و - ثمر رساندن اهداف والا و انسانی انقلاب شکوهمند ثور و بویزه مرحله نوین و تکاملی آن که خشونت و خصومت تمام محافل اجتماعی و امپریالیستی را برانگیخته بایست مجدداً سعی کرده و با خون خویش از دست آورد های انقلاب شکوهمند ثور دفاع و نگهداری نماییم پیروزی نهائی از آن ماست . به پیش به سوی تحقق آرمانهای والای انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین و تکاملی آن .

## شعار های ...

(بقیه صفحه ب)

خلق های افغانستان بخاطر صلح ، همکاری و مناسبات دوستانه با همه همسایه گان خود تلاش خستگی ناپذیر میکنند .

- خلق های افغانستان از مبارزه خلق های جهان در امر تبدیل بحر هند و منطقه خلیج فارس به منطقه صلح پشتیبانی قاطعانه مینمایند .  
- هموطنان نجیب !

دوستی برادرانه ، همبستگی انقلابی و همکاری همه جانبه را با خلق اتحاد شوروی تحکیم و تکامل بخشید .

خلق های افغانستان هیچگاه ، کمک برادرانه اتحاد شوروی را به افغانستان انقلابی فراموش نخواهند کرد .

- زنده باد دوستی یکپارچه همه خلق ها و اقوام ساکن در سرزمین واحدمان افغانستان انقلابی !  
دوستی و اتحاد خلل ناپذیر مردمان اقوام کشور - ما ضامن حفظ تمامیت ارضی ، شرف و آزادی میهن محبوب ماست .

- زنده باد وطن محبوب ما جمهوری دموکراتیک افغانستان که راه ترقی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی را در پیش گرفته است .

شیوه ها و برنامه های آموزشی را بهتر سازید ، نسل جوان را با روحیه آرمان های والای انقلاب ثور ، عشق به میهن محبوب مان و آشتی ناپذیر در مبارزه با دشمنان انقلاب آمادگی و دفاع مسلحانه از دست آورد های انقلاب ثور پرورش دهید .

کارمندان مؤسسات تعلیمات عالی و علمی ! برای پیشبرد امور اقتصاد ملی ، متخصصین ورزیده و کادر های وفادار به منافع مردم و انقلاب تربیه کنید .

- کارمندان امور صحت عامه !

سیستم بهداشتی را همه جانبه رشد و تکامل دهید ، امور حفظ الصحه را بهبود بخشید ، بخاطر صحت و سلامت انسانها برزمید .

- زحمتکشان افغانستان انقلابی !

وحدت خود را با خلقهای جهان بخاطر آزادی استقلال ملی و ترقی اجتماعی ، مبارزه علیه امپریالیزم ، شئونیزم ، استعمار و تبعیض نژادی نیرومندتر سازید .

(د)

# اوضاع نظامی مقارن احوال

امیر

علی شیر

نوایی

دیگروال نورالذله تالقانی

بیداد برای اعمال پست و خود سرانه‌ی خویش تعبیرها و تو جیها تی میتر اشید نده یها نه می آوردند و به دلایل پوشالی و بی بنیادی متوسل میگشتند. منصور حلاج دانشمند و مرد بیدار و آگاه زمانه اش بود، او بر ضد دستگاه بیداد بغداد شوریده اورا متهم به بی دینی و زندقه کردند؛ او حق پامال گشته‌ی توده‌ها را میخواست و این سخنان او بر اهل ثروت و بیداد، گران می‌آمد؛ وجود او را نمیتوانستند تحمل کنند برایش توطئه چیدند و به بیرحمانه ترین صورت نابودش کردند.

اما با وجود دستگاه‌های اختناق و وحشت و همه‌ی تلاش‌های دولت‌های پوسیده، ارتجاعی و ضد مردمی بسیاری از فرزندان این آب و خاک در تحت دشوارترین شرایط خود را به قله‌هایی از دانش و آگاهی رسانیده‌اند؛ درین راه دشواری‌ها و مشکلات فراوانی را پذیرفته‌اند و این میتواند سرمشقی باشد برای نسل امروز که دیگر به آزادی رسیده، طلسم بیداد و دیواره‌های سیاه دربارها فروریخته است. باری یکی از خصلت‌های جدایی ناپذیر نظام‌های طاغوتی و ضد مردمی این است که بادانش و اهل آن برخوردی خشن و بیدادگرانه

بر مین آزاده و افتخار آفرین مادر گذشته از طرف دولت‌های ارتجاعی، مستبد و خود کامه سهم‌هایی فراوان رفته است؛ حکمروایان بیدادگر به توده‌ها مجال آنرا نداده‌اند که بیاموزند، دنیای خود را گسترش دهند و به مرزی از روشنایی و دانش برسند در گذشته دانش، سواد و آگاهی در باری و انحصاری بوده مرتجعین و پاسداران بیداد و تاریکی نمیخواستند که دانش از کاخ‌های اراهی به سوی خانه‌های دود زده و چوبین بکشاید، چون دانستن سرچشمه‌ی توانستن است، و بیدادگران همیشه از دانستن توده‌ها در هراس بوده‌اند و هستند؛ دانش در سر زمین ماسرگذشت دردناکی دارد، دانش مندان و اهل خرد از طرف ناهنجاران و خود خواهان تحقیر شده‌اند توهین دیده‌اند و سخت‌ترین شکنجه‌ها را می‌حمل گشته‌اند و حتی در این راه جان‌های خود را از دست داده‌اند. اهل دربار تاجایی از شاعر، مؤرخ و نویسنده و دانشمند حمایت کرده‌اند که منافعشان ایجاب می‌کرده، وقتی شاعر، نویسنده و دانشمندی بر ضد خواست‌ها و امیال اهل دربار تراجعت می‌گرفت خون او چوبه‌ی دارها را رنگین میکرد و این فاجعه آرزو دردناک است. خود کامگان و اهل



دارند، اگر گاهی از حمایت اهل خرد و اندیشه دم میزنند برای تفنن و تظاهراست. و گرنه ایمانی به دانش، بینش، آگاهی و سواد ندارند و اصولاً در موضع خدان قرار دارند.

باید باین اوضاع و احوال خاتمه داده شود بنیاد های فرهنگی پدید آید و به شناسایی دوباره ی شخصیت های فرهنگی پرداخته شود آثار و کتب و رسالات شان چاپ شود. در گذشته این امکان نمیتوانست وجود داشته باشد زیرا آزادی فرهنگی بدون آزادی اقتصادی و اجتماعی میسر و ممکن نیست. پس از پیروزی انقلاب ثور و به ویژه مرحله نوین تکاملی آن که خط فاصلی میان غاصبان و زحمتکشانش کشید و میهن ما را برای همیشه از صف کشورهای بی که پاسدار جنگ، بیدادوار تجاع در سطح جهانی اند جدا نمود و ما اکنون برای استحکام پایه های یک افغانستان آزاد، سر بلند و شکوفان و نوین مبارزه مینمائیم و با اتحاد و تلاش میتوانیم بر همه دشواری ها و مشکلات چیره شویم و این امر قطعی و حتمی به نظر میرسد. همه ی تلاش ها، کوششها و طرحهای خاینانه ی دشمنان افغانستان نمیتواند به جایی برسد. آری، بابه پیروزی رسیدن انقلاب ثور و مرحله ی نوین تکاملی آن است که در میهن ما شرایط تجلیل از افتخارات فرهنگی به مفهوم راستین میسر گردیده است. در گذشته هم به وسیله ی دولت مرتجع، محافل و مجالس بزرگداشت و یادبودی برپا می گردید؛ اما همه ی آن سروصداها و محفل بازی ها برای آن بوده است که تظاهری برای « دانش پروری» شده باشد برای چند روزی چند تا به اصطلاح محقق و دانشمندی که وابستگی های عمیقی یا به در بار داشته اند بتوانند سرگرم گردند، به نام و نان بیشتری برسند؛ برای چاپ به اصطلاح تحقیقات علمی خویش زمینه را فراهم سازند، در زیر نام تجلیل از فلان شخصیت فرهنگی کتاب ها را به چاپ برسانند که با آن دانشمند و مورخ و شاعر و نویسنده هیچگونه رابطه ی نداشته است. و این می تواند بسیار غم انگیز و زیانبار باشد. باری همزمان ما به پیروزی رسیدن انقلاب ثور و به ویژه مرحله ی نوین تکاملی آن است که در کشور ما تجلیل از افتخارات فرهنگی و شخصیت های بزرگ

علمی جنبه ی تظاهر و تفنن ندارد. و اقلیت مسئله مطرح است و زنده ساختن نام آن هایی که افتخار را سزاوار اند و با کار و تلاش همیشگی و صادقانه ی شان بر غنا مندی دانش، فرهنگ و معنویت مان افزوده اند. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که به مثابه قانون اساسی افغانستان شناخته میشود اشاره های صریحی به پاسداری از افتخارات و فرهنگ گذشته و تکامل و شکوفایی فرهنگ معاصر وجود دارد. درین باره می توان سخن بسیار گفت اما در اینجا مجال آن میسر نیست. اکنون نگاهی هر چند کوتاه و فشرده به اوضاع و احوال نظامی در دوره ۵۰ امیر علی شیر نوایی دانشمند شهیر و افتخار شرق می اندازیم:

در دوره ی امیر علی شیر نوایی قواعد و آیین تازه ی نظامی پدید آمد و تشکیلات گذشته عسکری برهم خورد، آنچه در عهد علی شیر در ساحه ی عسکری بنیان نهاده شد تا چندین سال دیگر هم مورد پیروی قرار گرفت. در این دوره که می توان آن را دوره شکوفایی هنر و فرهنگ نامید، علاقه به داستان های رزی و حماسی زیاد بود و این علاقه مندی در ساحه ی نظامی هم کشیده شده بود. در عهد امیر علی شیر نوایی اردو دارای تشکیلات منظم و مستحکم بود. است؛ کوچکترین جز و تمام اردوی امیر علی شیر- نوایی یک قطعه ی ده نفری بوده است، که از جمله ی ده نفر بکتان آن بهادر، دلاور و شجاع قطعه به حساب می آمد که او را «اون باشی» خطاب می کردند و به همین ترتیب قوماندان قطعه ی صد نفری را «یوز باشی» می نامیدند و قوماندان «ده یوز باشی» را «سینگ» می گفتند.

در این دوره سلسله مراتب و رسیدن به مقامات بلند نظامی به اساس لیاقت، انضاط و شایستگی صورت می گرفته، هر افسر می کوشیده تا با سهم گیری در پیکارهای بی شمار لیاقت خود را تثبیت نماید (در آن هنگام آنچه به یک فرد نظامی مطرح بوده اشترک در پیکارها و میدان های جنگ بوده است) به همین ترتیب اهمال، سهل انگاری، بی کاری و خود سری به طرد مقامات و رتب می انجامید.



مقارن احوال امیرعلی شیرنوا بی اردو دوره تکاملی خود را می پیمود، در کنار سپاهیان رسمی سپاهیان اجیرهم خدمت می کردند و با گذشت ایام و ابراز لیاقت، کاردانی و شایستگی می توانست به حیث سپاهی رسمی دربخش نظامی به کار ادامه دهد. اشترک مستقیم درکارزارها و میدان های جنگ بهترین محک برای سربازان و افسران پنداشته می شد؛ آنکه ادعای وطنپرستی می کرد باید این ادعرا درعمل پیاده می نمود و به پیکار علیه دشمنان ادامه میداد.

درین وقت اندازه و میزان مقرری ها و معاشات افسران و سربازان بستگی به تعداد اسپ های آنها داشت هر فرد نظامی که می توانست اسپ زیاد داشته باشد و درجنگ های مختلف اشترک می کرد به همان پیمانانه معاش و علوفه ی بیشتری به دست می آورد. علوفه دران وقت شامل همه ی نیاز- مندی ها و ما یحتاج سپاهیان به حساب می آمد ترتیب توزیع معاش به وسیله شخص بنام دیوان بیگی انجام میشد. افسران شایسته، پیکارگر و عالیرتبه بر علاوه معاش مقرری صاحب زمین هایی می شدند که به وسیله ی دولت مصادره می گردید. وقتی افسران و سپاهیان به پیری می رسیدند، متقاعد می گردیدند. و اگر در صحنه های پیکار زخمی می شدند، معاش بنام «علوفه» دریافت می کردند. همچنان افسران لایق مورد تقدیر همیشه ی دولت قرار می گرفتند.

هر یک از امرای دوازده گانه یک «علم» و نقاره داشتند و امیرالامیر، «علم» و نقاره و تومان توغ «چرتوغ» با خود داشت که به مثابه ی علامت تجمل و عظمت آنها به حساب می آمد. کاردانی و لیاقت شخص متکی به داشتن تعداد زیاد «تومان توغ» ها و «چرتوغ» ها بوده است. مینگ باشی همیشه «توغ» و «ترم» با خود می داشت و اون باشی طبل داشت به این وسیله مسؤل های اردو در آن زمان عبارت بوده از بیرق های مختلف النوع «ترم» شاخ و «طبل» بوده است که به تناسب رتبه سربازان رادر میدان جنگ و یادروقت های مهم دیگر همراهی می کرد، در آن وقت حرکات اردو در میدان های محاربه به اساس چند قاعده ثابت صورت میگرفت:

اگر تعداد لشکر طرف مقابل از (۱۲۰۰۰) کم می بود دران صورت قوما نده لشکر را امیرالامیر به دست می گرفت؛ عده یی از یوزباشیان و سینگه باشیان و اون باشیان با وی همراهی می نمودند. درچنین حالت قوای مسلح را به «۹» فوج تقسیم می کردند از ان یک فوج درقبول «قلب و ساقه»، سه فوج دربر انغار «میمنه» سه فوج درجرانغار «میسره»، یک فوج «درهر اول» «بیشدار» و یک فوج درقراول «پیش قراول» موظف می ساختند. دران وقت میدان محاربه نظر به چهار فکتور انتخاب می شد؛ مناطقی که تحفظ را تأمین نماید، مناطقی که بالای دشمن حاکمیت داشته باشد و آفتاب رو برو نباشد تا شعاع آن چشم سپاه را خیره نکند و چهارم ساحه ی وسیعی که برای حرکات جزو تاسها مساعد باشد. هر دوره ی امیرعلی شیرنوا بی یکی از جمله تجهیزات بسیار عمده ی سپاهیان به حساب می آمده آن است که به طور عادی در یک خیمه «۱۸» نفر زندگی می کردند؛ قسمت بهیشتین تشکیلات اردوی این زمان را سواره نظام در بر می گرفته. بنا بر این اسپ مقام و اهمیت خاصی را برای سپاهیان داشته است و هر سپاهی چندین اسپ می توانست داشته باشد و حتی مقدار معاش و علوفه چنانکه اشاره شد در رابطه با تعداد اسپ های سپاهیان و افسران بوده است تجهیزات دیگر عبارت بودند از:

تبر، سوزن، تیشه، چرم عقب، کمان، ترکش، شمشیر، ازه، جوال و جوال دوز، فوج بها دران جوشن، خود، شمشیر هم داشته اند. و این بود مختصر نگاهی به اوضاع نظامی دوره امیرعلی شیرنوا بی که به فشرده گی کوتاهی بیان شد. تجلیل از پنجد و چهل مین سال تولد امیرعلی شیرنوا بی (۱) به مثابه ی بزرگداشت از دانش و حکمت و افتخارات تاریخی است که هم برای نسل ما و هم برای نسل های آینده اهمیت و ارزش شایسته ی دارد.

(۱) قرار معلوم در این اواخر از طرف مقام محترم وزارت اطلاعات و کلتور برگزار میگردد.

# تحکیم سمتگیری سوسیالیستی

## در کشورهای

## تازه به استقلال رسیده

آلدا بیریکه در زمـان استقرار دولت سمتگیر سوسیالیستی اتـخا ذ می گردد

ترجمه:

د پیلوم انجنیر محمد ابراهیم رزمی

بدوام گذشته

در سالهای اخیر در برخی کشورهای در حال رشد قیامهایی صورت گرفته که از طرف توده‌های مردم پشتیبانی نگردیده و به شکست مواجه شدند. امکان دارد که این قیامها بخوبی تنظیم و اجرا نشده بودند.

لینن در مورد میگوید که قیام عبارت از هنری است که طالب برخورد جدی از هر جهت میباشد. اما احتمال زیاد دارد که قیام‌های فوق‌الذکر در شرایط عدم موجودیت وضع انقلابی صورت گرفته باشد و این امر از ابتدا بدون ارتباط با سطح آمادگی و سازماندهی موجبات شکستشان را فراهم کرده است.

موضوعات بالا را در مثال‌های جمهوری مردم کنگو، عراق و حبشه توضیح میدهم.

طوریکه معلومست در کنگو (برازیل) بعد از اعلام استقلال رژیم نو استعماری مستقر گردید.

تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی در کشور تنفرو انزجار توده‌ها اوج میگرفت. در آغاز سال ۱۹۶۳ رهبران اتحادیه‌های اساسی کارگری کنگو-کنفدراسیون زحمتکشان ایماندار و کنفدراسیون افریقایی اتحادیه

در ارتباط با خاصیت تبارز وضع انقلابی و سایر عوامل اشکال مختلف فعالیت‌های انقلابی امکان پذیر است پختگی وضع انقلابی برای فعالیت انقلابی توده‌های وسیع مردم راه را باز میکند. بطور مثال هنگام انقلاب دموکراتیک ملی ۱۹۶۳ در کنگو (برازیل) که تحت عنوان «سه روز پرافتخار» مشهور بوده، توده‌های متفرد مردم برهبری اتحادیه‌های کارگران نسبتاً به آسانی رژیم ابات یولو را که بحران عمیقی را عقب گذاشته بود سرنگون ساخت. همچنین در زنجیر که وضع انقلابی ایجاد گردیده بود بوسیله دو قیام مردمی سرنگونی رژیم فیودالی طرفدار استعمار صورت پذیرفت. در آنده کشورها نیکه وضع انقلابی آنقدرها بوضاحت تبارز ننموده اما با زهم موجود بوده (سوریه، عراق، حبشه (ایتیوپی)، مدغاسکر و غیره) بر طرف نمودن عناصر بورژوازی، فیودالی از قدرت در نتیجه کودتا‌های نظامی که از طرف سازمانهای مترقی افسران مخفی اداره گردیده صورت پذیرفته است حمایت وسیع توده‌های مردم از حکومت جدید به کودتای مذکور خاصیت انقلابی داد.

های کارگری آزاد « کمیته ملی سازمانهای متحد کارگری »  
را سازمان دادند. بدینسان شرط مهم انقلاب دموکراتیک  
ملی ایجاد گردید که سازمان رهبری آن در نزد توده های  
وسیع مردم از نفوذ و اعتبار برخوردار بود.

کمیته مذکور بزودی از دولت برکناری فوری برخی  
از وزیران را مطالبه نموده و همچنین پروگرام اصلاحات  
عاجل را به دولت پیشنهاد کرد که موجب کاهش تشنج  
در کشور میگردد. حکومت در صدد سرکوب نمودن نهضت  
شدها برای تحقق آن نیروهای کافی نداشت. بتاریخ ۳۰  
اگست اعتصاب عمومی آغاز گردید. همزمان مظاهرات  
وسعی انجام یافت که قطعه محافظه محبس را درهم کوبیدند  
و چهار صد محبوس را آزاد ساختند.

قتل چند تن از مظاهره چیان صرف به اصطلاح روغن را  
در آتش انداخت. حکومت حالت نظامی را در کشور اعلام  
داشت و از گارنیزون فرانسوی در برابر یویل درخواست  
کمک نمود. اما انکشاف بعدی حوادث تا اندازه قابل  
ملاحظه ای مربوط به بحران « بالائیها » میشد. این امر در  
موضوعی گردوی کانگو، نیز منعکس گردید که  
با پشتیبانی از مظاهره چیان سلاح را بدست نمی گرفتند

علاوه از آن افسران شروع به وارد نمودن فشار بالای  
ابا تا یولو نمودند تا مطالبات اعتصاب کنندگان را بر-  
آورده سازد.

شاخص دیگر بحران « بالائی » عبارت از برخورد  
قدرت نو استعماری فرانسوی بود که با در نظر داشت  
موضوعی گردوی کانگو، عدم محبوبیت رژیم یولو و تغییر  
توازن قوا در عرصه بین المللی ریسک نکرد که گارنیزون  
دو هزار نفری خود را در برابر یویل به عملیات سوق دهد  
و با بوسیله جزو تا مه های خویش از جمهوری تفریق ای  
مرکزی و چاد از راه هوامداخله نماید. انقلاب دموکراتیک  
ملی در کشور پیروز گردید و کسانی قدرت را بدست  
گرفتند که از منافع مردم دفاع نموده و به اساس اراده  
مردم سمگیری سوسیالیستی را برگزیدند. حزب جنبش  
انقلابی ملی که بزودی بعد از انقلاب تأسیس گردید در  
کنگره نوبتی خویش اشاره نمود که کانگو « به اساس  
پرنسیپ های سوسیالیزم علمی » رشد و تکامل خواهد نمود.  
حزب کمونسو فرانسو در تشکیل نظریات انقلابیون  
کانگویی تأثیر قابل ملاحظه ای داشت.



تعلیمات محاربوی با سلاح پیاده در میان جنگلات، قدرت محاربوی سربازان را بلند میبرد.

ندرتاً مشاهده میسر شد که در برابر حوادث انقلابی اردو بی تفاوت ماند و در آن سهم مستقیم نگذرد.

در شرایط معاصر اردو (و یا بخشی از آن) اکثر آ بصفت سازماندهنده مستقیم کودتای انقلابی عمل میکند.

در عراق سازمان مخفی انقلابی «افسران آزاد» بوجود آمد (۱۹۵۶) که کودتا را سازمان داد اما در اینجا برخلاف کشورهای متذکره، موازی با تماس به این سازمان از سال ۱۹۵۷ جبهه متحد ملی مرکب از حزب کمونیست عراق، حزب سوسیالیستی عربی (بعث) و تعدادی دیگر احزاب عمل میکرد. در نتیجه حمایت توده های وسیع عمل انقلابی «افسران آزاد» از چهارده جولای ۱۹۵۸ راساً خاصیت انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فیودالی را کسب کرده نظام شاهی سقوط نمود و دولت جمهوری در کشور ایجاد گردید. در ترکیب اولین حکومت که در راس آن رهبر سازمان «افسران آزاد» عبدالکریم قاسم قرار داشت نمایندگان احزاب مختلف مربوط به جبهه وحدت ملی شامل بود (کمونیست ها در حکومت جا نداشتند) حکومت خروج کشور را از پکت بغداد اعلام داشت و تعدادی قرار داد های نامطلوب را فسخ نمود، تدابیر قاطع جهت امحای پایگاه های نظامی خارجی از کشور اتخاذ گردید، محبوسین سیاسی را آزاد نمود، به زنان حقوق مساوی با مردان قائل شد و سایر تغییرات مثبت را به میان آورد. حکومت جدید همچنین به تغییرات مترقی اجتماعی، اقتصادی دست زد (در سال ۱۹۵۸ قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رساند، شروع به تجدید فعالیت سرمایه خارجی نمود). انکشاف انقلاب دموکراتیک ملی می توانست کشور را مستغیری سوسیالیست بدهد لکن در آن زمان چنین چیزی بوقوع نه پیوست.

تحولات انقلابی موجب تشدید مبارزه طبقاتی گردید و عکس العمل شدید ارتجاع داخلی و خارجی را برانگیخت درین شرایط عبدالکریم قاسم و همکارانش در تزلزل قرار داشتند. عوض اینکه رشد و تکامل انقلاب را ادامه داده، بدین منظور از خوشبینی مردم و افزایش سریع نیروهای چپ استفاده کنند، رهبران کشور به سقوط انقلاب سعی ورزیدند. در آن زمان منشی عمومی حزب کمونیست عراق سلام عادل به نامه نگاران اتحاد شوروی چنین اظهار داشت. « شما از آنها چه می خواهید. کسانی که در ماه جولای قدرت را بدست گرفته اند

و ظنیرستان صادق می باشند، اما دانش کافی سیاسی ندارند حتی سطح تحصیلات عمومی شان نیز آنقدرها بلند نیست: عموماً لیسه عسکری را خوانده اند و از لحاظ اینکه اشتیاق سیاسی نکنند با یاد از توده ها فرابگیرند. بالای قله موج انقلابی اتکاء ورزند». اما قاسم و همکارانش نخواستند که از توده ها فرابگیرند و طبعاً بالای قله موج انقلابی اتکاء نکردند آنها جنگ علیه مردم را مشتمل ساختند و تعقیب سازمانهای چپ را اجازه دادند.

رژیم قاسم در حالیکه در تجرید عمیق قرار گرفت به تاریخ هشت فبروری ۱۹۶۳ قربانی کودتای سازمان داده شده بعثی های راست گردید. هنگام کودتا قاسم کشته شد. به کمک «گارد ملی» رهبران افراطی کودتا به ترور وسیع دست زدند که اعمال شان پیش از همه متوجه کمونیست ها و سایر نیروهای چپ بود. در جریان این وقایع بسیاری و ظنیرستان بشمول سلام عادل رهبر کمونیستها کشته شد. اعمال ارتجاع خشم توده ها را برانگیخت بعد از نه ماه گروهی از نظامیان به رهبری عبدالسلام عارف رژیم ای را که به تاریخ هشت فبروری استقرار یافته بود سرنگون ساخت و «گارد ملی» را متفرق نمود مبارزه سیاسی در کشور شدت یافت و تجسس برای یافتن راه رشد در آینده آغاز شد. قابل توجه است که در نتیجه این تجسس پروگرام تحولات از طرف نیروهای و ظنیرست کشور تنظیم گردید که با پروگرام مستغیری سوسیالیستی که سابق از طرف کمونیست ها طرح گردیده بود نزدیکی داشت. این پروگرام مورد تأیید هسته مترقی حزب سوسیالیست عرب که به تاریخ هفده جولای ۱۹۶۸ مشترکاً با سازمان مخفی نظامی «جنبش انقلابیون عربی» کودتای انقلابی را انجام داده قرار گرفت. ارگان عالی کشور عبارت شد از شورای اداره انقلابی که در راس آن جنرال احمد حسن البکر قرار داشت.

رژیم جدید محبوسین سیاسی را آزاد نمود، یک سلسله تدابیری بمنظور بهبودی وضع زحمتکشانش اتخاذ گردید (قانون جدید کار، اصلاحات ارضی، در قسمت حقوق تقاعد و تأمینات اجتماعی)، به کرد ها حق خود مختاری ملی را قائل گردید و عملیات محار بوی را علیه شان قطع نمود. بدینسان انقلاب دموکراتیک ملی که به تاریخ چهارده جولای ۱۹۵۸ آغاز گردیده بود، که بعدتر

نتوانست در راه تحقق کامل وظائف و اهداف خویش پیش برود» (پروگرام حزب کمونیست عراق فصل اول) ادامه یافت. قانون اساسی مؤقتی جدید (جولای ۱۹۷۰) کشور را بنام «جمهوریت دموکراتیک خلق» اعلام داشت و هدف عمده آنرا «ایجاد دولت واحد عربی و نظام سوسیالیستی» اعلان کرد. منشور فعالیت های ملی که به تاریخ پانزده نوامبر ۱۹۷۱ ایجاد گردید مطلب فوق الذکر را تایید نمود و انکشاف داد اردو در انکشاف انقلاب ضد فیودالی دموکراتیک ملی در حبشه نقش قاطع را بازی نمود. بحران «پایینی ها» عدم رضایت و انزجار عمیق توده ها از رژیم شاهی فیودالی، درین کشور از سابق وجود داشته. این مسئله در مساعی ناکام کودتای دولتی، جنبش های پارتیزانی در مناطق جداگانه کشور و اعتصابات زندانبانان منعکس میشد اما ماشین بی رحم دولتی ظالمانه هر عمل ایراکه در جهت آوردن تغییرات صورت میگرفت خنثی نموده و از این طریق تبارز این انزجار را محدود میساخت.

چندی پیش از انقلاب ما با گروهی از شامین کانگرس تحقیقات افریقائی توانستیم که از پوهنتون ادیسا با دیدن کنیم. مانند روزهای سابق ساحه پوهنتون پر از پولیس بود. اما تا اندازه بی و ارا خطا بنظر می رسیدند: در حضور تعداد زیاد مهملان خارجی آنها را از استعمال چوب منع نمودند. در تالار کنفرانس که پر از جمعیت بود داخل میشویم. محصلین که سخت تحریک شده بودند و علیه بیانیه ها عکس العمل نشان میدادند و طالب «آزادی های پوهنتون» بودند. بعد ها برای مان اظهار داشتند که بین محصلین بسیاری به فامیل های ثروتمند تعلق داشتند که آنها صرف به جهت ظاهری پروتست یعنی احتجاج دسته جمعی علاقه داشتند. البته بین شان کسان دیگری هم بود که هنگام ملاقات با دانشمندان شوروی در مرکز فرهنگی اتحاد شوروی سوال می کردند: «آیا در نظام شاهی، دموکراسی امکان پذیر می باشد؟» «آیامی توان در کشور شاهی سوسیالیزم را عمار نمود؟» و غیره. بعد تر نیروهای انقلابی محصلین و شاگردان صنوف بالای مکاتب را دسته، دسته به قراء فرستادند دسته های مذکور بشکل فعالانه اهداف انقلاب را توضیح میدادند و تغییرات در زندگی دهقانان را تشریح میکردند (بهبتر ساختن خدمات حفظ الصحه، سواد آموزی، ساختن راه ها و حفر چاه ها و غیره). اما طبعاً محصلین نمی توانستند که انقلاب را آغاز و رشد آنرا اداره کنند. درین قسمت

نقش اردو قاطع بود، و رژیم مستبد شاهی موجبات انجام توده ها را فراهم نمود.

رهبران نظامی در پخش شعارهای سوسیالیستی از عجله کار نگرفتند: در کشور شاهی ایکه تقریباً همه نفوس آن بیسواد بوده چنین شعارها را در مرحله اول درک نمی کردند. لاکن تدابیر اساسی ایکه از طرف شورای مؤقتی نظامی که کاملاً قدرت را بدست گرفته بود اتخاذ گردید بوضاحت خاصیت انقلابی - دموکراتیک رژیم جدید را منعکس ساخته و مستگیری سوسیالیستی آنرا آشکار مینمود. امحای مالکیت فیودالی بر زمین، توزیع میلیون ها هکتار زمین به دهقانان، ملی نمودن بانکها، موسسات بیمه، موسسات بزرگ صناعتی و تجارتنی، تدابیر در قسمت تجدید استثمار توده های مردم بوسیله سرمایه خصوصی - همه این تحولات به تنها خاصیت ضد فیودالی داشته بلکه خاصیت ضد سرمایه داری هم دارد و به توجیه رشد کشور در جهت سوسیالیزم مساعدت می ورزد.

در سال ۱۹۷۵ در حبشه قانون حقوق کارگران به تصویب رسید که که حق کار، کمکهای صحی، تقاعد و غیره حقوق را برایشان تضمین میکند. بدون شک و تردید این گام حکومت به سهم گرفتن فعال پرولتاریای حبشه که تعداد آن چندان زیاد نیست (یکصد هزار نفر) در انقلاب کمک می کند. در مقابل انقلاب وظایف سنگینی قرار داشته که انجام آن بدون سهمگیری پرولتاریا ناممکن است. در قسمت تغییر دادن مناسبات در قراه نیز تدابیر لازمه اتخاذ میگردد کمپنی های سرمایه داری در مالکیت دولت قرار گرفت. گروه های دهقانان بمقصد اداره امور اراضی دولتی ایجاد گردیده که طبق عقیده انقلابیون حبشه در آینده به کورپراتیف ها مبدل خواهند شد. دهقانان حق اشتراک در ارگانهای قدرت محلی را بدست آوردند.

سایر اموری را که دولت جدید انجام داده عبارت است از سازماندهی کمیته زنان، ایجاد وزارت امور جوانان و سپورت، آماده گی برای ایجاد جنبه ملی و غیره. حبشه عملی شدن پروگرام انقلاب دموکراتیک ملی را ادامه میدهد.

در برخی کشورها که انقلاب بیون امکانات استفاده از جزو تاسهای اردو را برای کودتای انقلابی در اختیار ندارند دسته های مسلح ایجاد میگردد که قیام را بر پا انداخته و یا جنگ دوامدار پارتیزانی را پیش می برند

و طنپرستان موزنبیق، گینی بیساو، انگولا، زنجبار  
کیوبا و یکتعداد کشورهای امریکای لاتین مجبور بودند  
که ازین راه عمل کنند.

تعمیم تجارب استقرار رژیم‌های ستمگیری سوسیالیستی  
حاکمی از آنست که در مرحله اول ایجاد شان تدابیر  
آتی اتخاذ میگردد:

— باید اهداف اساسی و وظائف انقلاب و یا کودتای  
انقلابی به نفوس اعلام و تفهیم گردد. بادر نظر داشت  
شرایط داخلی و بین‌المللی راجع به اهداف سوسیالیستی  
اکثراً به اندازه کافی حرف زده نمی‌شود و یا بکلی  
صحبت نمی‌شود. وظیفه حکومت نظامی، انقلابی بنین که  
در پروگرام تاریخی ۳۰ نوامبر ۱۹۷۲ یک ماه بعد از  
کودتای انقلابی درج گردیده عبارت است از «ساختمان  
اقتصادی، کلتوری و اجتماعی کشور را طوری باید  
تغیر داد که کاملاً از تسلط خارجی آزاد گردد و از  
رشوه و اختلاس جلوگیری بعمل آید».

توضیح دقیق‌تر پروگرام تحولات اجتماعی اکثر  
برای نمایندگان حکومت جدید امکان ناپذیر بوده  
و تنها علل تا کتیکی نه دارد. آنها یا هنوز راجع به گامهای  
مشخصی که باید برداشته شود تصور دقیق ندارند که  
کشور را در جهت سوسیالیزم توجیه نماید، و یا هیچ  
فکر نمی‌کنند که چنین قدمهایی بردارند.

اما شخصیت‌های دولتی اگر می‌خواهند که سر قدرت  
بمانند نباید اعمالی را انجام دهند که خودشان میخواهند  
بلکه روشی را اتخاذ نمایند که آنرا انقلاب و زندگی  
دیگته می‌کند. در مدغاسکر انکشاف و تکامل انقلاب ملی  
دموکراتیک سرانجام منتج به طرح پروگرام آینده  
جامعه سوسیالیستی گردید که در ماه نوامبر ۱۹۷۷ جهت  
غور به مجلس ملی مردم پیش شد.

انحلال پارلمان ارتجاعی، حکومت، برخی سائرشعبات  
دولت سابقه و تشکیل فوری ارگانهای اساسی حکومت  
انقلابی (شورای نظامی، انقلابی و یا حکومت نظامی  
انقلابی و نمایندگان شان در مجلات).

طور مثال بعد از کودتای انقلابی ۲۶ اکتوبر ۱۹۷۲  
در بنین شورای جمهوری، حکومت استعمار نو مجلس ملی  
مشورتی (پارلمان)، شوراهای مشورتی شهرها نماینده  
(ارگانهای نمایندگی محلی) منحل گردید و حکومت  
نظامی، انقلابی تشکیل شد و چندی بعد، شورای نظامی  
انقلاب ایجاد گردید که به شورای ملی انقلاب بعدها  
سازمان داده شد.

نقض انفاذ قانون اساسی و یا آن بخش‌های آن که

با اهداف انقلاب متباین می‌باشد. نافذ بودن سائرها  
کشور تا حدودی صورت می‌پذیرد که با روحیه انقلاب  
مغایرت نداشته باشد. چون رژیم‌های ارتجاعی طرفدار  
امپریالیزم همواره از رعایت قوانین تخطی نموده‌اند  
حکومت جدید باید از اولین روزها به رعایت قوانین  
و مقررات توجه زیادی بپذول دارد. در اولین فرمانهای  
حکومت جدید رویهمرفته ترتیب و اسلوب انجام وظیفه آن  
تعین گردیده و همچنین فعالیت سائرها ارگانهای مقامات  
دولتی توضیح میشود.

قابل تذکر است که رعایت سختگیرانه قانونیت از  
طرف خود نیروهای انقلابی و مطالبه رعایت آن از طرف  
سائرها و اوهمه اتباع نتایج مثبت را بار می‌آورد.

— بر طرف نمودن کادریهای سابقه از پست‌های  
حساس دولتی و تقرر شخصیت‌های وفادار به مسئله آزادی  
اجتماعی. کسانی که پست‌های بسیار مهم دولتی دارند  
ببخاطر حفظ انقلاب از اعمال خرابکارانه باید سنجوس گردند  
سائرها اشخاصیکه در پست‌های کم اهمیت تر قرار دارند  
بشکل تدریجی بر طرف میشوند.

— انحلال احزاب بورژوازی، فیودالی و گروپهای  
شان. بعضاً فیصله بعمل می‌آید تا همه احزاب و سازمانهای  
اجتماعی منحل گردد. تجربه نشان میدهد که چنین اقدام  
در قسمت احزاب و طنپرستانی که از طرف توده‌های وسیع  
مردم پشتیبانی میگردد غیر منطقی بوده، مؤثریت نداشته  
و حتی مضر تمام میشود. بطور مثال در سودان شورای  
انقلابی مجبور شد که در ابتدا با حزب کمونست سودان که  
فعالانه از کودتای ۲۵ می ۱۹۶۹ حمایت مینمود همکاری  
نماید. لاکن منع احزاب اولین خلای عمیق را بین حزب  
کمونست سودان و شورای انقلابی بوجود آورد که بعداً  
توسعه یافت که موجب حادثه غم انگیز برای کشور  
و انقلابیون سودان در سال ۱۹۷۱ گردید (سعی افسران  
چپ برای انجام کودتا علیه حکومت فمیری و عمل  
ارتجاعی ضد کودتا توأم با روش ظالمانه و شکنجه  
بعقاب کمونیست‌ها).

در بالا صرف برخی قدم‌های اول رژیم‌های مترقی  
ببخاطر استحکام قدرت شان و بهبودی وضع زحمتکشان  
تذکار یافت. خصوصیات فوق‌الذکر به تمام معنی خاصیت  
دولت ستمگیری سوسیالیستی را منعکس می‌سازد خصوصیات  
مذکور را باید بوسیله سائرها تغییرات و تحولات بین  
کشورها در مراحل بعدی تکمیل نمود.

ادامه دارد.

## ۱- انگیزه ای طرح قانون جدید مکلفیت عسکری

سیستم حقوقی در هر جامعه مربوط به نظام سیاسی حاکم بر آن جامعه است، در جوامعی که قدرت سیاسی بدست طبقات استثمارگر و از نظر اقتصاد مسلط بر جامعه قرار دارد، قوانین موجود هم منافع همان طبقه را انعکاس میدهند. در جوامعی که قدرت سیاسی بدست اکثریت مردم و زحمتکشان قرار دارد، قوانین مسلط بر جامعه هم انعکاس دهنده منافع اکثریت مردم و ماهیت مترقی دارد.

پس قوانین و مقررات در جوامع طبقاتی دارای خصصات طبقاتی بوده و منعکس دهنده زیر بنای مشخص و معین میباشد، که از شیوه تولید و صورت بندی اجتماعی اقتصادی در یک مرحله معین تاریخی ناشی شده است. قوای مسلح هر کشور قوانین و مقررات خاص خود را دارد که با قانون اساسی کشور پیوند ناگسستنی دارد و از آن نشئت گرفته است در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف کیفی جدید قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مشخص گردیده، که هدف آن حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب ثور، وحدت و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور می باشد.

برای آنکه قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف خود را که در برابر آن، اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار داده است به موفقیت انجام دهد، باید قوانین و مقررات که با خواسته های زمان مطابقت داشته باشد وضع و نافذ نماید، از جمله قوانین که ارتباط بین مردم و اردو را تأمین میکنند یکی هم قانون مکلفیت عسکری است.

اصولنامه مکلفیت عسکری سابقه که در ماه حوت سال ۱۳۴۳ یعنی هفده سال قبل از امروز تدوین شده بود از یک نظام فیودالی و ماقبل فیودالی حاکم بر جامعه مانشت کرده بود و به نفع اقلیت محدود و استثمارگر می چرخید و مدافع منافع آنها بود.

رفیق بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ. رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در یکی از بیانیتهای شان اظهار داشتند: (در طول تاریخ بشریت دولت های مختلف همیشه تحت دو نوع بیرق، اردو و یا لشکر و یا نظم قرار داشته اند، در یکطرف بیرق ظلم و ستم بیرق جباران، بیرق طبقات حاکم و استثمارگر، به طرف دیگر بیرق سرخ و انقلابی توده های بزرگ زحمتکشان).

# اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و وظایف کیفی جدید قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را مشخص ساخته است

قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری  
مطابق به نوره های حقوق بین المللی  
تدوین گشته و حقوق دموکراتیک  
اتباع کشور ما را تضمین میکند.

نویسنده:

دگرمن محمد نعیم «نیواد»

قوانین سابق مسلط بر اردو منسوبین قوای مسلح را از تمام حقوق دموکراتیک و مدنی محروم ساخته بود و قوای مسلح به حیث یک وسیله‌ای فشار علیه توده‌های ملیونی کشور استعمال میشد.

اما همین قوای مسلح بهرمان ما همان‌طوریکه برای اولین بار کاخ استعمار را در منطقہ از هم پاشید، به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان کشور را از نفوذ استثمارگران داخلی و خارجی بجات داد و حکومت زحمتکشانش را در کشور مستقر گردانید.

بعد از پیروزی انقلاب ثور، خصوصاً مرحله نوین و تکاملی آن تغییرات بنیادی در همه ساحات حیات جامعه ما به وقوع پیوست، حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بنا بر خصالت مترقی و مردمی خود توانست در جهت دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی زحمتکشانش و توده‌های ملیونی کشور گامهای استوار بردارد.

قوای مسلح بهرمان ما هم ازین تحولات عظیم به نفع توده‌های محروم کشور بی بهره قرار نگرفت طرح و تدوین قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری زمینہ را برای ساختمان یک اردوی تیمپ جدید، اردوی مردم زحمتکش و بلاخره اردوی انترناسیونالستها به خوبی آماده کرد است حالا دیگر قوای مسلح ما اردوی زحمتکشانش است و منافع آنها را تضمین می نماید، تا آنها بتوانند کار سازنده برای اعمار یک جامعه نوین و متکی بر اصول صلح و آزادی ترقی و عدالت، برادری و برابری را تسریع بخشند و انقلاب و وطن را از شر دسائیس امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی معاف نمایند.

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره نقش اردو در حیات اجتماعی و سیاسی کشور گفتند (خدمت در صفوف قوای مسلح مکتبی است که منسوبین اردوی ما را برای سهم گرفتن فعال در زندگی اجتماعی و سیاسی آماده می سازد.)

به تائید گفته فوق می توان ادعاء کرد که امروز قوای مسلح ما نه تنها خدمات ارزشمندی را برای ارتقای شعور سیاسی جوانان ما انجام میدهد، بلکه جوانان ما را به روشهای مبارزات مسلحانه و کسب مهارت های جنگی آماده می سازد

## ۱۱- قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری امتیازات و تسهیلات فراوانی را برای زحمتکشانش کشور فراهم کرده است

قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری امتیازات و تسهیلات فراوانی را برای هموطنان شریف و زحمتکشانش کشور به وجود آورده است.

این قانون جدید که مطابق به نورمهای حقوقی بین‌المللی تدوین گردیده، حقوق دموکراتیک اتباع کشور ما را تضمین میکند هرگاه قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری با قانون سابقه مکلفیت عسکری مقایسه شود امتیازات و تسهیلات آنرا می توان به دو کتبه گوری مشخص از هم فرق کرد:

### الف - امتیازات سیاسی و مدنی

#### ب- تسهیلات و امتیازات فردی

از جمله امتیازات سیاسی و مدنی قانون جدید یکی هم ماده ۱۹ این قانون است که میگوید (منسوبین عسکری دارای تمام حقوق و مکلفیت های اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد)

در حالیکه در قانون سابقه مواد در زمینہ وجود دارد که فشرده آن چنین است (هرگاه منسوبین عسکری در جمعیت های قانونی و یا غیر قانونی ظاهر گردند و یا در امور سیاسی و انتخابی شمولیت و رزند و مداخله نمایند از یک الی پنج سال به حبس محکوم میگردند.)

پس به وضاحت دیده می شود که قانون سابقه مکلفیت عسکری شمولیت در حزب، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق بیان و تبارز سیاسی و غیره حقوق مدنی و سیاسی را از منسوبین اردو سلب میکرد.

در قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری برعکس تعامل در دورا نهایی گذشته تمام اتباع ذکور جمهوری دموکراتیک افغانستان مکلف به سپری نمودن دوره خدمت عسکری میباشند و هیچ یک از اتباع نمی توانند به عوض خود شخص دیگری را به خدمت عسکری بفرستند و از خدمت در زیر بیرق شانه خالی نماید.

در حالیکه در گذشته ها افراد با استفاده از امکانات پولی و سایر امتیازات میتوانند به عوض خود شخص دیگری را در مقابل تادیبه پول ناچیز و وارد کردن فشار به خدمت عسکری بفرستند و خود از خدمت معاف گردند.



## ب- تسهیلات و امتیازات فردی :

تسهیلات و امتیازات فردی که در قانون جدید مکلفیت

عمومی عسکری وجود دارد می تواند به شرح آتی با مواد

مشابه خود در قانون گذشته مورد مقایسه قرار گیرد :

۱- نظر به قانون جدید مکلفیت عسکری تأسیس مراکز جلب و احضار در تمام ولسوالی ها و شهرها در نظر گرفته شده ، در مراکز جلب همه ساله جوانانیکه یکسال بعد سن بیست سالگی را تکمیل می نمایند ، ثبت نام میکنند در حالیکه در گذشته مجلو بین در همان سال جلب و برای تعیین سر نوشت به مرکز فرستاده می شدند .

۲- در قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری جهت تنظیم امور جلب به خدمت عسکری در ولسوالی ها و شهر کمیسیون خاصی به منظور جلب تحت ریاست امر شعبه عسکری تشکیل میگردد . اعضای کمیسیون عبارت اند از : نماینده ارگان محلی قدرت دولتی ولسوالی ( شهر ) نماینده کمیته حزبی ولسوالی یا شهر ، نماینده سازمان جوانان ولسوالی یا شهر یک نفر از روحانیون محل و یک نفر دو کتور طب .

کمیسیون راجع به تمام مسائل مربوط به جلب و احضار و تقسیم مجلو بین به مسلک ها و صفوف مختلف قوای مسلح معاف ساختن مجلو بین از خدمت عسکری و یا اعطای تاجیل به او شان مطابق به احکام قانون جدید تصمیم اخذ میکنند . تمام تصمیم این کمیسیون به اکثریت آراء اتخاذ میگردد . در حالیکه در گذشته مجلو بین بعد از جلب به مرکز فرستاده می شدند ، معاینات صحی ، تقسیم مجلو بین ، معاف ساختن و یا اعطای تاجیل همه و همه در مرکز باید انجام می شد و مجلو بین مجبور بودند ماه ها را برای معلوم شدن سر نوشت شان در کابل سپری نمایند و مصارف شان هم بدوش خود آنها بود .

۳- در قانون سابق سن احضار بخدمت عسکری ۲۲ سال تعیین شده بود ، ولی ماده ۱۲ قانون جدید سن مجلو بین را ۲۰ سال قبول نموده است .

باید متذکر شد که امروزه در اکثر کشورهای جهان سن مجلو بین بخدمت عسکری بین ( ۱۸-۲۰ ) میباشد ، که این سن مطابق به نورسهای بین المللی تعیین گردیده و سبب میشود که جوانان ما فارغ از هرگونه مسؤ و لیت های فامیلی و داشتن اولاد با خاطر آسوده دوره مکلفیت را سپری نمایند .

همچنان ختم تحصیلات متوسط بصورت عموم در سن بین ( ۱۸-۱۹ ) سالگی صورت میگردد و بعد از ختم تحصیلات متوسط هرگاه جوانان ما مایل نباشند تحصیلات خود را

دوام بدهند می توانند اول خدمت تحت بیرق راهپری کنند و بعد اشامل کار گردند .

در حالیکه در گذشته مجبور بودند دوالی سه سال را

بدون سر نوشت انتظار بکشند و بعد اشامل خدمت عسکری شوند .

۴- مدت خدمت دو سال در قانون جدید در نظر گرفته شده و صرف میتواند نظر به ایجاب شرایط و ضرورت برای شش ماه دیگر تجدید گردد که در مدت شش ماه اضافه خدمت از یکطرف سر بازان مستحق معاش میگرددند و از طرف دیگر دوچند مدت مذکور از دوره احتیاط آنان کاسته میشود .

بر علاوه از تادیه معاش در هنگام ترخیص سر باز تقدیر نامه خدمت اخذ میکنند و مستحق مکافات نقدی شناخته میشود در حالیکه در قانون سابقه این امتیازات وجود نداشت .

۵- در قانون جدید صنف بندی ها به اساس سویه تحصیل افراد صورت گرفته است که امری است معقول و منطقی قرار این صنف بندی سر بازان دارای تحصیلات عالی مدت شش ماه تحصیلات متوسط ( بکلور یا پاس ) مدت یکسال و دیگران مدت دو سال خدمت خواهند کرد .

اردوی ما یک اردوی عصری و دارای تجهیزات مدرن و مغلق است ، که کسب مهارت برای استعمال آنها ایجاب دانش و تحصیل راسی نماید ، پس برای کسب نیکه سویه تحصیل عالی دارند فرا گرفتن تعلیمات سهل تر از آنانی است که تحصیلات عالی ندارند .

۶- ماده هشتاد و سه قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری اورگانهای تحقیق و قضائی را مکلف می سازد ، اشخاصی را که تحت تحقیق و یا محاکمه قرار دارند و سن شان ایجاب میکند که بخدمت عسکری جلب شوند ، جریان قضیه را بشعبات عسکری ولسوالی و یا شهر مربوط بصورت تحریری اطلاع دهند . در قانون سابق در زمینه مکلفیتی برای اورگان های قضا و خار نوالی موجود نبود که در نتیجه اکثر مجلو بین بی جهت و بدون داشتن کدام قصور بشا قه های احضار محکوم می شدند .

۷- در قسمت معافیت و تاجیل هم در قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری تسهیلات فراوانی برای مجلو بین وجود دارد مانند تاجیل نظر به معاذیر فامیلی ، وضع صحی و یا تاجیل به علت ادامه تحصیل . در قانون سابق مستحقین معافیت را تابع وثیقه های شرعی ، تصادیق مؤسسات و شعبات نموده بود که مجلو بین را به سرگردانی های بی مورد و خسارات مادی و معنوی مواجه می ساخت .

۸- ماده هفتاد و شش مکلفیت سابقه ، مکاتیب و پارسل های مخا براتی سر بازان را صرف در زمان سفر مجانی قبول کرده بود اما ماده بیست و یکم قانون جدید ارسال پوسته سر بازان و خوردن بطان قطع را بدون اخذ

محصول در هنگام حضور هم مانند ایام سفر مجاز دانسته است .

۹- حمل و نقل مجلو بین بخدمت عسکری از محل اقامت آنها الی قطعه که در آن باید خدمت تحت بیرق را سپری نمایند، تأمین اعاشه آنان هنگام احضار و هم در وقت ترخیص از خدمت عسکری به مصرف دولت صورت میگرد در حالیکه در اصولنامه مکلفیت سابقه این تسهیلات وجود نداشت و مجلوبین مجبور بودند در وقت احضار تمام مصارف را خودشان متقبل گردند .

۱۰- در قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری علمای دینی و علمائیکه در مدارس دینی تدریس میکنند از خدمت تحت بیرق معاف میباشند، تا بتوانند با خاطر آرام مسئولیتهای مذهبی خود را در قبال مردم دیندار افغانستان به وجه احسن انجام دهند. همچنان در کمیسیون مخصوص جلب و احضار یک نفر از روحانیون محل عضویت دارد، که این خود نشانه احترام عمیق حزب و دولت به دین مقدس اسلام و روحانیون وطنپرست کشور است و به تبلیغات و پروپاگاندهای امپریالیسم و دستیاران داخلی آنها جواب متعین میباشد.

۱۱- نظر به قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری سر بازان و خورد ضابطان قطعه الی سن چهل سالگی در دوره احتیاط قوای مسلح باقی میمانند. در حالیکه ماده دوم اصولنامه مکلفیت سابقه مدت مکلفیت را الی سن چهل و شش تعیین کرده بود که از نظر قوای جسمانی سن مذکور مساعد برای خدمات و تمرینات عسکری نمیشد .

۱۲- ماده هجده قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری به آنده از سر بازان و خورد ضابطان قطعه که بخواهند به صورت دائمی در صفوف قوای مسلح خدمت نمایند، آنها را به حیث خورد ضابط مکتبی قبول و زمینه تحصیلات بعدی را برای آنها میسر میسازد. در حالیکه در اصولنامه مکلفیت عسکری سابقه این همه تسهیلات موجود نبود .

### III- مسئولیت جوانان ما در قبال

#### این قانون دموکراتیک و مترقی

مردم افغانستان همواره در راه حفظ نوامیس ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال خویش با شهامت رزمیده و مردانه و ارشاد داده اند و از هیچگونه ایثار و قربانی در این راه مقدس دریغ نکرده اند که فداکاریها و جانبازیهای شان مایه مباهات و افتخار ایشان و نسل های فردای کشور است .

تاریخ درخشان کشور ما مملو از مبارزات قهرمانانهای مردم ما اعم از پیران، جوانان، مردان و زنان این خطه باستانی و باشهامت است . کشورکشایان بزرگ چون اسکندر مقدونی، چنگیز و دولت استعمارگرانگلیس در این

سرزمین سلحشور و مرد خیز به مقاومت های شدید و بی مانندی رو بر داشته و خسارات بزرگی را متقبل شده اند .

جوانان ما به خوبی آگاهی دارند که صفوف قوای مسلح قهرمان و آزادی بخش ماکه در این مقطع حساس زمانی، رسالت تاریخی پاسداری از وطن، استقلال و دست آورد های انقلاب را به عهده دارد، شایسته ترین محل خدمتگذاری به وطن و مردم است .

با انفاذ قانون جدید مکلفیت عسکری صفوف نیرومند قوای مسلح ما مستحکمتر و خلل ناپذیر تر میشود، زیرا تسهیلات و امکانات قانون جدید برای سر بازان منسوبین اردو و آنده جوانان ماکه به سن قانونی گذشته اند خدمت زیر بیرق میرسند، سبب میگرد تا هر جوان با احساس وطن پرست و هر فردی که به میهن آزادی و مردم خود علاقه مند است، صادقانه و صمیمانه در صفوف قوای مسلح قهرمان خویش قرار گیرد و با عشق سرشار از وطندوستی و آزادیخواهی و جاب و مکلفیت های خود را در راه خدمتگذاری به مردم وطن و انقلاب ایفا کنند .

ماده دوم قانون جدید مکلفیت عمومی عسکری مسئولیت ها و وجایب جوانان ما را در راه حفظ وطن و دست آورد های انقلاب ثور این طور مشخص کرده است . (حسب حکم مندرج ماده سی و سوم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع از وطن و دست آوردهای انقلاب ثور، صداقت به اهداف و آرمانهای آن و خدمت به خلق و جبهه عالی و مقدس هر یک از اتباع میباشد .

خدمت در صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مکلفیت پرافتخار و وطنپرستانه عالی هر یک از اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد .

جوانان ما باید بدانند که با ایجاد شرایط جدید در اردو دیگر خدمت عسکری یک خدمت شاقه و مشکل گذار نه بلکه به صفت یک دوره تربیوی برای آموزش خدمات دفاعی کشور تبارز کرده است .

امروز در قطعات و موسسات عسکری ما کتابخانه ها، میادین سپورت، کلوپ های تفریحی، سینماها و غیره و سایر تفریح وجود دارد . پیش آمد و برخورداران، قوماندانان و سایر منسوبین اردو با سر بازان مانند برادر و رفیق است، که همه این تغییرات محیط مساعدی را برای جوانان و سر بازان بوجود آورده است، تا به خاطر جمع رسالت بزرگی را که در برابر وطن و مردم خود دارند با سرسپردگی فداکاری و ایثار ایفا نمایند .

در اخیر باید تذکر داد که در این مرحله حساس تاریخ کشور نباید دفاع از وطن و دفاع از انقلاب را فرد فرد هموطنان ما فراموش نمایند و بهترین شکل بر آورده شدن این آرمان ها نا پیوستن و جانبازی در صفوف اردوی قهرمان ج.د. افغانستان است و بس .

# د اتومی توغندیو دیپلوماسی



د دیپلوماسی هم د نورو ټولنو او په پدې و پشان د تولید په شکل او مضمون پورې اړه لري، په طبقاتي ټولنو کې دیپلوماسی یو شکن او په بلې طبقې ټولنو کې بل شکل لري، په مختلفو طبقاتي ټولنو کې هم د دیپلوماسی د یوه دولت څخه تر بلې دولت پورې توپیر کوي مثلاً د امپریالېستي هیوادو (هغه هیوادونه چې صنعتی تولیدی پر پر مخ تللی دی) د دیپلوماسی د وروسته پاته هیوادو د دیپلوماسی څخه فرق کوي. که څه هم د ټولنو تر ټولو لږه لږه لحاظ دواړه ټولني طبقاتي شکل لري خو د تخنیک او صنعت په لحاظ یو ډیر پر مخ تللی او بل ډیر وروسته پاتې دی. د امپریالېستي دولتونو دیپلوماسی عموماً د جگړې د دیپلوماسی په نامه یادېږي او تعرضی شکل لري. خو د وروسته پاته هیوادو د دیپلوماسی شکل کله تعرضی وی او کله مدافعوی (مثلاً د عراق دولت څو کلونه تر څخه د مدافعی د دیپلوماسی څخه کار اخیستی خو اوس نې تعرضی دیپلوماسی لمانځنه ټاکلې ده) (د ایران پخوانی دولت څو کلونه تر څخه د تعرضی د دیپلوماسی څخه کار اخیستی خو اوس نې وضعه بدله شوی ده). خو د بې طبقې ټولنو د دولتونو د دیپلوماسی یوازې یو شکل لري چې هغه د سولې د دیپلوماسی ده. په لنډه ډول دی نتیجه ته رسېږو چې د امپریالېستي هیوادو د دیپلوماسی

د جگړې د دیپلوماسی او د بې طبقې ټولنو د دیپلوماسی د سولې د دیپلوماسی ده، هر څه په او هر طبقه د خپلې د دیپلوماسی څخه دفاع کوي. زموږ په دوران کې د امپریالېستي دولتونو واکداران او د ماټویزم پیروان (د پراخې غوښتنې د سیاست پیروان) د هیگل او مالتوس د تیوري څخه ګټه اخلي (هیگل او مالتوس د جگړې د دیپلوماسی د بنسټ ایښودنکي دي) هیگل او مالتوس د خپلو تیوري څخه د دفاع په خاطر ډول ډول دلیلونه راوړي. مالتوس او د هغه د لارې پیروان (د مالتوس د نظر پیروان) دا دلیل راوړي چې د مخکې پر مخ خلک کال په کال ډیرېږي او دا ډیر بدل په دوسره ګرځند یو ب سره دی چې تولید په هغه پسې نشي رسیدلای نو ددی دپاره چې د بشر د ډیریدو مخه ونیسو باید په هرو څو کلونو کې د هیوادو تر مینځ جگړې وشي. هیگل او دهغه د لارې پیروان (لویديځي اروپا او امریکي واکداران) دا دلیل راوړي چې جگړه د انسانانو په خټه او خوی کې اخیل شوی ده موږ نشو کولای چې دا خوی د انسان څخه لیري کړو او بل دلیل نې دادی چې دوسلو تولید د یوې خزانې د بیکارۍ مخه نیسي او د بل پلوه څخه مدرن تخنیک مینځ ته راوړي نو په دې خاطر دوی د جگړې د دیپلوماسی دفاع کوي.

په بې طبقې ټولنو کې دولتونه د سولې د دیپلوماسی څخه د دفاع په خاطر دا دلیلونه وړاندې کړي چې بشر یو نې دیپلوماسی په دوران کې نیکه رغی نه رسیدلای شي دا یوازې د سولې په دوران کې دی چې مالتوس او ټیخالوژي پر مخ ځي یوازې د سولې په دوران کې راتلونکي نسل روزلای شو او په پای کې د یوازې د سولې په دوران کې دی چې د بیکارۍ، لوږې، فقر او ناروغیو مخه نیولای شو.

خو جگړې د ډیرو بدېځیو سبب ګرځي، جگړې فقر، بدبختی، لوږې او ډول ډول ناروغی زیروي او په پای کې مدرنی جگړې نه یوازې د انسانانو ژوند ته متوجه دی بلکې د انسانانو د تمایه تر څنګه د مخکې پر مخ حیوانان ځړندی، نباتات او پخپله طبیعت هم ضرورینی (د واقعیت د هیروشیما او ناګزاکي په اتوسې بعباریو کې ثبوت شو) موږ به په دی مضمون کې لوږې دا مطلب روښانه کړو چې د اتومی توغند بود دیپلوماسی چلوونکي څوک دی؟ دا دیپلوماسی د چا په ګټه ده؟ د پورته دیپلوماسی ضرورونه، او په پای کې به دنړۍ د یوې سوله خوښوونکو نظر د پورته دیپلوماسی په باب وځیرو.

الف - د اتومی توغند یو د دیپلوماسی چلوونکي څوک دی؟

زموږ په دوران کې د ناټو بلاك په عام او د پنتاگون (د امریکې دفاع وزارت) واکداران په خاص ډول د پورته د ډیپلوماسۍ غځه کار اخلې، همدا اوس د نړۍ په گوټ گوټ کې (خصوصاً په لویدمجه اروپا کې) د ناټو بلاك او د پنتاگون اتومي ترغندی درول شوی دی او په سټرو نوکې (خصوصاً د هند په سمندر او فارس په خلیج کې) د پنتاگون سمندري پوځ لاس وچې او تل د برید د پاره غار کوی داکوم پروپاگنډه دی چې د ناټو بلاك او پنتاگون په قواو پسې کېږي بلکې دا واقعیت اوس د پورته دولتونو سیاست پوهانو او سیاست چلوونکو له خولې نه هم اوریدل کېږي. مثال په ډول اېډموند موسکې د امریکې دوخت د بهرنیو چارو وزیر د ۱۹۸۰ کال د اکتبر پر ۲۶ نېټه داسې وویل «داوسنیو بحرانونو ترمنځه او ترډې نږدې وختونو پورې پنتاگون د فرس و خلیج ته دومره ډیرې سمندري قواوې نه دي لیږلي کوم چې اوس په دی خلیج کې په لاس بوختی دی» همدا اوس تقریباً د خلو ښتو بهرنيو (البته دلته مطلب لویې نظامي بهرني دی) په شاوخوا کې د فارس په خلیج کې په غار بوختی دی.

که د امریکې دمتحده ایالتونو او انتخاباتي مبارزوته نظر و اچوو نو داسې معلومیږي چې گواه د جمهوري ریاست د پاره کاندیدان (ریگن او کارتر) دسولې کورتې دی، او اصلاً جگړه نه پېژني، ریگن په یوه وینا کې داسې وائی «زما دولت به کویښ وکړي چې د تکس دلوړیدو مخد او حتماً هغه به راټیټ کوي، دده دولت به دلوړو کور پراسمتونو (لوړو کارخانو) کنترول په لاس کې ونیسي او د انفلاسیون سره به کلکه مبارزه وکړي، دده دولت به هڅه وکړي چې د بیکارانو شمیر راټیټ او د نورو

بیکارانو د پاره کار پیدا کړي» په بل ځای کې داسې وائی «زه د (سالت) (دسټراکټر بلکې وسلو دجدودولو پیمان) مخالف نه یم» داسې وعدې د امریکې په انتخاباتي مبارزو کې کوم نوي شی نه دی ترریگن دمخه هم داسې وعدې شوي وې او دده تر ریاست وروسته به هم ممکن داپول وعدې وشي، خوداچې هغه ته غومره د عمل حیا نه اغوستل کېږي دا بل سوال دی کله چې کارتر د جبرال فور په مقابل کې په انتخاباتي مبارزه لگي او دده په یوه وینا کې داسې ویلي وه «د امریکې دمتحده ایالتونو نه شي کولای چې هم دسولې قهرمان وي او هم د وسلو د تولید» کارتر دا هم ویلي وه چې د امریکې دمتحده ایالتونو دولت باید دسولې قهرمان وي نه د وسلو د تولید قهرمان، خو کله چې کارتر د واک پر څو کې کیناستی نو د خپلو وعدو پر خلاف ئې عمل وکړ او دسولې قهرمانی ئې د وسلو په قهرمانی بدله کړه، د کارتر په امر او لاسلیک سره دگر ندي عملیاتو په نامه یو پوځ جوړ شو چې په هغه کې یوسل اولس زره سرتیري او افسران په نظامي روزنه بوخت دي، د کارتر دولت په ملیار ډوله ډالره داتومي توغندیو په جوړولو ولگول، کارتر پنتاگون ته امر وکړ چې خپلې سمندري قواوې دی د فارس په خلیج کې نوري هم ډیري کوي، د کارتر دولت دجا پان پر دولت باندې زور و اچاوه چې خپل نظامي لگښت په سلوکې - ۱۲ ډیرکې، کارتر د لویدیځې اروپا پر هیوادو زور و اچاوه ترڅو د پنتاگون اتومي توغندیو ته پخپله خاوره کېځای وړکي. داوچې د امریکې دسولې کوتره په بیکارۍ یا زباندې بدله شوی وه، د کارتر د دولت نظامي بودجه دومره جگړه شوی وه چې گواه د امریکې دمتحده ایالتو دولت د

کوم بل دولت سره د جگړې په حال کې دی پنتاگون د غومړي راهیسې پدی هڅه کې دی چې په لویدیځه اروپا کې دخپلواتومي توغند بود پاره کوم ځای پیدا کوي ترڅو پدی ډول د شوروي اتحاد دخاورې دو یشتلو واکمن د دیارلسو دقیقو غځه خلور و دقیقو ته راټیټ کوي، پنتاگون هڅه کوي چې د هند سمندر، دمد یترا نی سمندري او د فارس خلیج تر خپل مستقیم کنترول لاندې راولي. دغه سیمو ته نږدې د پنتاگون اتومي توغندی او رته تیار دي، پنتاگون د ۱۹۷۸ کال راهې دی خواداتومي توغندیو په ډیپلوماسۍ لاس پوري کړي دي. د ناټو بلاك د پنتاگون لاس مشري لاندې د ۱۹۷۸ کال داسې په میاشت کې د بروسل په پار کې غونډه وکړه پدی غونډه کې د پنتاگون واکدارانو خپلوانه یوالانوته په ډاگه وویل چې دوی باید خپلې درني وسلې ډیري کړي، کومې درني وسلې چې ځینې د ناټو غړي هیوادونه ئې پخپلو هیوادو کې نشي تولیدولای باید د امریکې د دولت غځه ئې وپیري. د پنتاگون واکدارانو خپلوانه یوالانوته لاندې توصیه وکړه چې خپلې نظامي لگښتونه دی جگړه کړي.

ددې ترغځنگه پنتاگون په بله دسیسه کې هم جدې فعالیت کوي او هغه د چین د دولت نظامي کول دي. پنتاگون نه یوازی داچې د چین دولت ته نظامي مرستې ورکوي بلکې پر خپلوانه یوالانوانو ئې زور اچولی دی (خصوصاً دجا پان پر دولت) چې د چین دولت ته نظامي لگښتونه د پاره لویه پانگه د دغه دولت ته ورکوي، په دی هکله د سویت میلبیری ریویو میاشتنی مجله د ۱۹۸۰ کال په ۱۱ - گڼه کې داسې لیکي «د ځینو معلوما تو له مخې (البته چې مستند ندي) د ۱۹۷۹ کال تر پایه پوري امریالیستانو او دجا پان دولت د چین دولت ته ۳۹۵ ملیار ډه



ټالرو په اندازه کمر بندت (اعتبار) ورکړی دی، پدې پيسو کې ۲۹ مليار ډوله ډالره (د لويديځ امپرياليزم له خوا او-۱۰ - مليار ډوله ډالره د جاپان له خوا او ټوله ورکړل شوی ده) دچين د دولت ميليتا ريزه کول پدې مانا دی چې اوس اوس دچين واکداران دملی جنبشونو ملاتړ نه کوي اوختی دهنوی بر ضد هم دريږي (په چين کې دپنوجيت دخونړی دولت ملاتړ په عمدي مانا دی).

ب: پورته د پيلو ماسی دچا په گټه ده؟

د اد پيلو ماسی تر هر څه د مغه د نړی ديتانت ته ضرر روي او د نړی اوسنی حالت به نور هم پرکيچن کې پورته د پيلو ماسی د دوهم سالت پيمان ته هم سخت ضرر روي د پيمان چې د پيرو کونيشونو وروسته لاسليک شو د پورته د پيلو ماسی پر مخبيولو سره به بی اعتباره شی، وگوري ريگن ددی پيمان په هکله په انتخاباتی مبارزه کې څه وائی «زه د دوهم سالت مخالف یم» بيله دی چې کوم دليل راوړي چې دی ولی د دوهم سالت مخالف دی یوازی پدی خوشحاله دی چې گواه دايو نريست (اينکار) دی، خودمغه ضرر ووتو ته متوجه ندی.

د پورته د پيلو ماسی په پرمخ بيولو کې يوازی د لويديځ د وسلو جوړولو د کارخانو دواکدارانو گټی پرتی دی، دالحکه چې اوس دوسلی سوداگری، دبلې هری سوداگری ته ډيره گټه لری اوس د لويديځ کې ډيري لویي کارخانې (کريسلر، جنرال-موتور او نور) ولسی جوړوي دوسلو د پلورلو يوه گټه داهم ده چې پيريدونکی دولت مجبور دی په هر څومره ارزښت چې پلورونکی دولت ورته ووائی د اړتيا وړ ولسی وپيري.

امپرياليسنی د و لرتنه دخپلو

وسلو د پلورلو دپاره خپل سياسی او نظامی شيطانان په کار اچوي او پدی ډول هغوی ته وظيفه ورکوي چې د دولتونو ترمنځ دښمنی راوولی او پدی ډول اوبه خپری کړی او کيان ونيسي.

ددی ډول فعاليتونو ډير ښه مثال د عراق او ايران د دولتونو ترمنځ جگړه ده چې د لويديځ امپرياليزم او سي، آي، ای په لاسون پيل شوه. د ايران او عراق مدنيت دخاورو سره ولړل شو د تيلو لوی کارخانې اوزيرمی بمباری شوی د مليار ډونو ډالرو نو په ارزښت تيل و سولخل شول څو د امپرياليزم شيطانان دخپير پرغونهای ناست دی او خپل سيل، کوی اودی ته خوښی دی چې کله به دیوی خوانه دوسلو فرمایش ورته را ورسیري (فرانسی ته د عراق له خوا دميراث ډوله اوتکو فرمایش رسيدلی او د فرانسی دولت هم مغه قبول کړی دی) دنيوټا يمز او نيره مجله د ۱۹۸۰ کال په ۴۶ گټه کې د ايران او عراق د جگړې په هکله داسی ايکي «ايران به د درو او څلورو راتلر نکو کلونو دپاره ددی واک پيدا نکړی چې يوخل بيا بهر ته تيل صادر کي ددی کار دپاره څو مليار ډوله ډالره په کار دی ترڅو د ايران د تيلو کارخانې بيا پرېښو ودریږي» په منځنی ختيځ کې د عربو او اسرائيلو دکشالو او ډډول او په دغه سيمه کې جگړو ته لمن وهل هم ددغی د پيلو ماسی محصول بلای شړ څوکه داسی د طبيعي زبرمو (خصوصاً پترول) له امله ډيري شتمنی دی او په کال کې په لسونو مليار ډوله ډالره د تيلو له درکه دغه سيمی ته راځی نو ددی دپاره چې د اهلرونه پيرته ددی هيوادو څخه وايستل شی نو دوسلو په صادر و لړ پيل کوي دنړی د تيلو صادرشو ولسو څخه تقریباً په سلو کې ئی څلوېښت برخي

دغه سيمی ته صادر يږي (ددی وسلو لوی لوی پيريدونکی سعودي عربستان اسرائيل، مصر، عمان، اردن او بحرين نور دی).

د امپرياليسنی هيوادونو زيار کيان په دغوسوداگریو کې کومه گټه لری داسوداگری نشی کولای چې د امريکي د بیکارانو شمير را تپت کړی اونه هم کولای شی چې په بریتانيا کې د انفلاسيون مخه ونيسي خود لويديځ دوسلو جوړولو دکار خانو دواکداران ډير جيبونو ته د کولای شو.

ج - د پورته د پيلو ماسی ضررونه:

پورته سوداگری چې د جگړې د د پيلو ماسی محصول ده پر نورو سوداگریو سخت حقی اغيزه اچولی ده، کال په کال دوسلو سوداگری ډير بدل د نورو سوداگرانو دليريدو سبب گڼر لځی، دنيوټا يمز داو نيزی مجلی په ۴۸ گټه کې په دی هکله داسی ليکلی دی «د ۱۹۵۰ کال څخه تر ۱۹۷۰ کال پوری د امريکي متحده ايالتونو د صادراتو ټوله په سلو کې ۱۸ څخه ۱۲ ته راټټه شوه (دا په نړيوال ډگر کې د امريکي سوداگری وټه ده) مجله وړاندی ليکي په ۱۹۷۸ کال کې د امريکي متحده ايالتونو د صادراتو او وارداتو اندازه اندويشتينم ۲۸۰۵۰ مليار ډوله ډالرو ته رسيدل په داسی حال کې چې په ۱۹۷۹ کال کې دارنم ۲۳،۵۵ دودر بشت اعشاريه پنځه ته را تپت شو».

دوسلو جوړولو کار خانو دکارگرانو معاش تر نورو کارخانو نورو کارگرانو په پرتله (لوړ دی) په دی ډول ماغراو نکره انجيران اکثرأ ددغو کارخانو له حراوردیږی نو په دی ډول سويل کارخانې دکړه انجيرانو دکموالی سره مخامخ کېږي.

دوسلو دټوليدنې پر والي پر عمومي  
توليد باندې مستقيم اثر اچوي هر  
خوسره چې دوسلو توليد ډير شي نو په  
هغه اندازه عمومي توليد لږيږي،  
دعمومي توليد لږوالی دتوليد پر  
ارزښت مستقيم اثر اچوي او په دې  
ډول دتوليد ارزښت لوړې اوځلک  
دنوی توليد ډير بدلو توان دلاسه  
ورکوي او دژوند سطحه راټيټوي.

پورته د پېلوماسي دوسلو سيالي  
ته لاره هواره وي او په دې ډول  
هره ورځ په وسلو باندې ډيري اوسې  
لگيږي « همدا اوس هره ورځ داسلو  
په توليد باندې د ورځني يونيم مله رده  
ډالره لگيږي » دا هغه مطالب دي چې  
څو ورځې مخکې دنړۍ د ساينس پوهانو  
په بريالۍ غږونه کې اعلان شوي  
او د غونډه غوموده تر مخه په  
بنغلاريا کې جوړه شوي دي .

دوسلو سيالي د پېرو په څېر  
سرمېشه ده ، که دوسلو په توليد  
باندې پيسې بسه سورو ترڅو  
ولگيږي نو يقين دي چې دنړۍ  
دمخې به لوړې د فتر ، پاروغي او  
بي سواندي وړند شي خو دا يوازې  
هغه وخت امکان لري چې امپرياليزم  
د پورته د پيلو ماسي څخه لاس  
واخلي .

دپورته د پيلوماسي ضرورته په  
خاص ډول د نړۍ او وروسته  
پاتې خوا دوتنه مترجه دي ، دا په  
دې معنی چې ددريمې نړۍ ځينې هيواد  
دونه امپرياليزم په منگولو کې  
(مطلب دنوی استعمار څخه دي) ښکېل  
دي . هر کله چې په دغه ډول هيواد  
دوکې مترقي عناصر راوېښ شي نو  
دامپرياليزم نظامي شيطانان بيا په  
فعاليت لاس پورې کوي او په دې  
ډول د پورته هيواد گاونډي هيواد  
ونه دوسلو لږول ډيريږي (په اتري -  
پيا کې مترقي دولت په راتگ سره  
دسرمال جمهوريت ته وسلي ولېږل  
شوي ، زموږ گاونډي هيواد دوتنه

دثور د انقلاب وروسته دلويدنځ  
امپرياليزم دوسلي لږول پيل شوي او  
په دې ډول دپاکستان د هيواد څخه  
دوسلو گدام جوړشو) .

د- دپورته د پيلو ماسي په باب  
دځينو سياست پوهانو او سولي  
خوښوونکي نظرثي :

په هغه غونډه کې چې غوموده  
تر مخه داروپا په وچه کې دنړيوالو  
سوسياليسټانو له خوا وشوه د بریتا -  
نيا دکارگري گوند مشر ( الکس  
کيسون ) وويل : « داروپا دوچې خلك  
په لږسې انسانان وي چې دلويدو  
توتوتو داتومي جگړې قرباني به  
شي » دده ۵۹ لمر هدايت ( هغه  
هدايت چې د پتنگون واكدارانو  
او کارتر لاسليک كړي دي) په باب  
وويل « دمجذوبي اتومي جگړو  
دموجوديت امکان چې دکارتر له  
خوا لاسليک شي دي داروپا چې  
ته يو جدي اخطار دي » . دهالند  
دکارگري مشر مېکس وان داسې  
وويل « موږ بايد چپ ده کښينو  
او ددې انتظار ونه باسو چې  
دامريکي نوتی ليدل شوي ، موږ  
پاڼه يوچې داسې پکې اروپايي  
منگري به دامريکي دمتحده ايالتونو  
دواكدارانو سره هر اړخيزي  
مشورې وکړي . دا ه لويه بدبختي  
وي چې دسات SALT-2 جبري بندي  
شي . ريگن په انتخاباتي مبارزه کې  
ويلي وه چې زه ددوهم سات دڅېرو  
مخالف يم . ده په پای کې وويل  
« دسات خبرې بايد دوام وکړي » داف  
د مېکس وان نظر د بنغلاريا د مشر  
- پيس پير بهريل رانوف دنړۍ  
دساينس پوهانو په غونډه کې وويل  
« ددې دپاره چې دنړۍ څخه لوړې  
ورگه شي يوازې کافي ده چې دنوی  
وسلو موده وډول شي » .

دلويسخ آلمان دسوسمبال  
دمو کرا ټيک گوند مشر ويلی  
برازت دنړيوال سوسياليسټ و په

غونډه کې په ډېره حيرانتيا سره وويل  
« نه پوهيږم چې په چاري کال کې  
به دبشریت سرنوشت کومې خواته  
ولارشي » ويلی برانت په لويديځ  
المان کې داسريکاني اتومي تو -  
غنده يو ددرولو کلک مخالف دی .

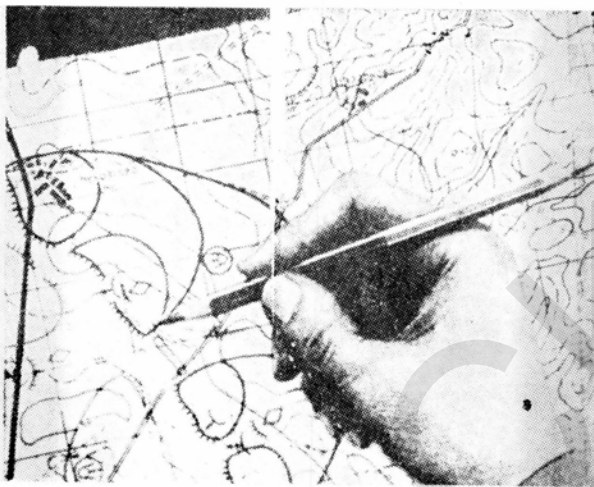
دنړۍ دزيارکښانو مشر و. ا. ل  
دامپرياليزم دپورته دپيلو ماسي  
په باب داسې نظر لري « دجگړو  
خطر دامپرياليزم په دوران کې  
ډير ږي . پانگه دامپرياليزم څخه  
وحشي ژوي جوړوي » دی اضافه  
کوي : دامپرياليزم دوسلو دتوليد  
او گدام څخه په ملاتړ پستي امپريا -  
لېزم باندې بدلېږي په دې وخت کې  
امپرياليزم په پکښه سره خطرناکه  
پټه محاسبه غوره کوي . مليناريزم  
ديانگوالي ټولني محصول دي .  
پانگوال چې په دې ټولنو کې واک  
په لاس کې لري دوسله وال پوځ  
څخه دنزيارکښانو دټکولو دپاره  
کار اخلي » داسې لارښود دنزيار  
کښانو په باب په دې محکله داسې نظر  
ورکوي « څنگه چې زيارکښان په  
جگړو کې هيڅ ډول گټه نه لري نو  
په دې ډول دوی دهرډول ملاتړ ريزم  
مخالف دي » په پای کې بايد داهم  
وواي چې داتومن توغنده يو جگړي  
هغه ضلعي جگړې نه دي دکوم چې يو  
نکساي کوباي به په يوازي سر  
په سلونه خلك وژني خوده ته به  
کوم تاوان نه رسېږي ، په اتومي  
جگړو کې ضلعي بري يوخيال دي .  
دقلم قهرمانان حتماً په سياست کې  
نه بريالي کېږي اوس امپرياليزم  
دنړۍ فاتح نه دي ، اوس په نړۍ کې  
مترقي قوتونه او دهغه په سر کې  
سوسياليسټ کپ دوسره قوی دي  
چې دامپرياليسټانو دهرډول خو  
دريو مخه نيولای شي . دا يوا -  
زي ممکن ده چې بشر په سوله کې  
ژوند وکړي بلکې دا ضرور هم ده .

پای

# پرنسیپ‌های تکتیک

## پرنسیپ‌های صنعت حرب :-

عبارت از وضعیت‌های اساسی حرب بوده که قانونمندی مبارزات مسلحانه را منعکس می‌سازند. آنها دارای خاصیت‌های تاریخی بوده، در طی مرور زمان یکی از این پرنسیپ‌ها مفهوم و اهمیت خود را از دست داده و جای آنرا پرنسیپ جدیدتری اتخاذ می‌نماید. و همچنین پرنسیپ‌های دیگر در جریان مدت زیادی مدار اعتبار بوده اما محتویات نوی را پیدا می‌نمایند. این مضمون در باره تکامل و تغییرات پرنسیپ‌های اساسی تکتیک سخن چند بیان می‌دارد.



پرنسیپ‌های تکتیک، سطح انکشاف علمی، تیوریتیکی این ساحه صنعت حربی را منعکس می‌سازند. در آنها تجارب مجادلات، محاربات و احضارات محاربوی قوتها در زمان صلح متمرکز می‌گردد. زنده بودن این پرنسیپ‌ها در اینست که آنها از قانون‌های عینی حربی سرچشمه گرفته و تمام نوآوری‌ها بیکه مربوط به انکشاف تکتیک، سلاح بلند رفتن، تعلیم و تربیه سربازان، تغییر شرایط، تغییر شرایط سربازان و خاصیت عملیات محاربوی باشد به خود جذب می‌نماید.

پرنسیپ‌های اساسی تکتیک، امروز هم مانند سال‌های جنگ میهنی فورمول بندی می‌گردند. مگر در عین حال پرنسیپ‌های اساسی صنعت حربی بصورت دوامدار تحول تدریجی نموده، توسط محتویات نوینی مکمل گردیده و عندالموقع تغییراتی به اساس تکتیک حربی در آنها وارد

می‌گردد. در مرحله کنونی در انکشاف پرنسیپ‌های تکتیک سلاح‌های راکتی ذروی، مدرن شدن وسایل عادی، امجا و همچنین وسایل سوق و اداره و تأمینات محاربوی تاثیر قاطع دارند.

قوماندان برای سوق و اداره قوتها در جنگ، پرنسیپ‌های صنعت حربی را رهنمای خویش قرار داده و به اساس آنها می‌تواند راه‌پروزی را به سهولت دریافت نماید.

## اکتیف بودن در محاربه

یکی از مهمترین پرنسیپ‌ها در تکتیک، اکتیف بودن در محاربه به شمار میرود. خاصیت آن در آن بوده: در شرایطی که قوای دو طرف در حالت مساوی قرار داشته باشند پیروزی به آنطرف تکیه



مینماید که قاطعانه تر، با اعتماد تر و مبتکرانه جهت بدست آوردن انسیبا تیف مبارزه کرده و با عملیات فعالانه شجاعانه مقاصد و پلان های دشمن را بدست آورده و وی را تحت اراده خویش قرار میدهد.

این پرنسیپ صنعت حربی بدرستی از طرف قوماندانان شوروی در سال های جنگ کبیر میهنی در شرایط خیلی سخت، محاربه و عملیات های دشوار تطبیق گردید.

قوماندانان شوروی در بن جنگ بسیاری اوقات تکنیک ها تیرا که برای دشمن غیر منتظره و با معلوم بوده تطبیق نموده از امکانات حربی سلاح و تخنیک استناده درست نموده، ضربه هائی در نقاط ضعیف نظام محاربه و دشمن وارد و تطعات دشمن را به پارچه ها تقسیم و بصورت گروپ وار آنها را در محاصره قرار داده، قوتها تیکه عقب نشینی می نمودند با تلاش بیشتر تعقب گردید، دشمن را در زیر آتش تحت فشار قرار داده و مانور را اجرا می نمودند.

در شرایط کنونی امکانات عالی تر محاربه و آتشی و مانور تطعات و جزو آنها نسبت به گذشته شرایط مقدماتی یعنی را ایجاد مینماید تا در وقت محاربه وضعیت وحل وظایف محاربه ی بصورت وسیعی از پرنسیپ **اکتیف بودن در محاربه** استفاده گردد. زیرا محاربه امروزی دارای عمق بیشتر بوده با تلاش زیاد قوتها مانور رانه تنها از زمین بلکه از هوا نیز باید اجرا نمود. و به سرعت زیاد از يك شکل محاربه ی به شکل دیگر آن گذشته، بدون اینکه از تاثیر آتش در بالای دشمن کاسته شود به عملیات سرعت بخشیده شده و کوشش می شود که به اشکال مختلف محاربه ی دشمن را به شکست قطعی مواجه سازد.

نظریاتی موجود است که شرایط برای تبارز دادن این پرنسیپ در محاربات تعرضی و تعرض متقابل برتری را ایجاد کرده اما در محاربه تدافعی این شرایط محدود تر می باشد. مدافعه واقعاً در بالای مواضع مستحکم و پایدار قوتها استوار می باشد. اما این معنی آنرا نمیدهد که معادل به پاسیف بودن باشد. قوتها تیکه مدافعه را اجرا میدارند امکانات وسیعی جهت استعمال اشکال فعال محاربه ی و طرق عملیات محاربه ی برایشان موجود است.

یکی از صحنه های تطبیقات تکنیکی را مثال می آوریم: کندک موثر ریزه وظیفه گرفت که حلقه شاها را که به گروپ ارتفاعات ارتباط پیدا می کرد بصورت مستحکم مدافعه نماید. جزو تام در یک مدت کوتاه توانست تاسیستم انکشاف یافته آتش را ایجاد کرده در موضع اشغال شده بصورت صحیح تأمینات انجنیری را

تاسیس نماید. ژمانیکه از قطعه شف اطعائی در لاک باره احضارات «دشمن» جهت تعرض بدست آمد، قوماندان کندک به قطعه توپچی حمایه کننده امر نمود تا محل تجمع را تحت آتش گیرد بعداً تأثیر آتش در بالای «دشمن» تعرض کننده شدت یافته و در وقت تعرض بدرجه اعظمی خود رسید. در حالیکه جنگ تدافعی را قوماندان کندک از پیش می برد توسط قوا و وسایط دست داشته ما نور تصبعی را اجرا کرده و بوقت و ژمانیکه ضربات قوتها ی تعرضی را خنثی ساخت و تیکه «دشمن» متوقف گردید، جزو تامهای کندک دسته جمعی با جزو تامهای خط دوم غنبد، تعرض متقابل را اجرا کرده به عمق مدافعه دشمن نفوذ نموده و ویرا مجبور بدان ساخت تا دوباره به منطقه اولی خویش عقب نشینی نماید.

درین صحنه اکتیف بودن قوتها ی مدافع در حصه ضربات وارده در بالای قوتها ی تعرض که بصورت متداوم قوه و شدت آن بیشتر می گردد و ما نور آتش، تبارز مینماید.

واضح است که پرنسیپ فوق الذکر در مدافعه ممکن به اشکال مختلف دیگر نیز تبارز نماید که از جمله میتوان وارد نمودن ضربات توسط طیارات، هلیکوپترها پیاده نمودن پارانوشوتیست ها مین گذاری اراضی و فریب دادن دشمن در حصه ترتیب ساختمان سیستم مدافعه را تذکر داد.

طبعی است که دشمن هم در محاربه تلاش می ورزد تا اکتیف باشد. بناءً در تمام انواع محاربه مهم است تا جزو تامها احضارات عالی محاربه ی را دارا بوده، بصورت دائمی کشف را اجرا کرده و همه جانبه فعالیت محاربه ی را تا مین نمایند. یا به عباره دیگر بمقابل ضربه وارده آمادگی کامل داشته تا ضربه متقابل را وارد کرده و بمقابل مانور، ما نور متقابل را اجرا نماید.

طوریکه ملاحظه شد یکی از پرنسیپ های مهم تکنیک زمان جنگ کبیر میهنی در ظاهر بدون کدام تغییر باقی مانده اما صورت تطبیق آن در میدان محاربه بصورت کلی تغییر نموده است.

## تجمع قوتها ی اساسی

**پرنسیپ تجمع قوتها ی اساسی** تحت تأثیر سلاح و تخنیک محاربه ی جدید تحولات زیادی را متقبل گردیده است. در زمان جنگ کبیر میهنی در استقامت شق مدافعه دشمن تعداد زیاد قوا و وسایط مثلاً ۲۵۰ - ۳۰۰ توپ و ۴۰ - ۶۰ تانک در یک کیلومتر جبهه جا بجا می گردید. در شرایط جدید پرنسیپ تجمع قوتها ی اساسی در لحظات



تایک در اثنای عملیات در ناسته های گوه دیده میشود.

و محلات فیصله کننده شکل دیگری را بخود اختیار نموده است. تمرکز قوا و وسایط از نقطه نظر اسلحه ذروی خطر بزرگی را دارای می باشد. برتری کیفی را در بالای دشمن از طریق آتش قوی، قوای ضربی و تحرک قوتها میتوان بدست آورد. تحرک روز افزون و عملیات سریع تکنیک مجار بوی بسیاری اوقات برتری تعداد را جبران مینماید.

پرنسپ جمع قوتهای اساسی در مجار به از فرماندان هنر و فهم عالی تکنیک را تقاضا مینماید. مهم این است تا بوقت و زمان اش هدف اساسی را تعیین کرده، و وسایط دست داشته را بصورت درست ارزیابی نموده و به استقامت ضربه اساسی سلاح و تکنیک نظامی مؤثرتری را بکار برده و جهت شکست دشمن طرق نوینی را انتخاب نماید.

بدیختانه، بعضی از فرماندانها در تطبیقاتهای تکنیکی همیشه نمی توانند که بصورت ماهرانه این پرنسپ را مورد استفاده قرار دهند، اشتباه زیادتر آنها عبارت از تقسیمات قوتها بصورت مساوی در تمام جبهه مخصوصاً در مدافعه می باشد و در حالیکه معلومات کافی در باره «دشمن» و در حصه اینکه از کدام استقامت ضربه به آنها وارد میشود بدسترس موجود نیست فرماندان جزو تاسمهای دافع تلاش می ورزد که در همه جا قوی باشد. بناءً به اساس پارچه پارچه نمودن قوتها در همه جا ضعیف تبارز مینماید.

## تشریک مساعی

تغییرات کیفی در بنیاد مادی جنگ، در اجزای پرنسپ تشریک مساعی تاثیر بارزی وارد نموده است. میدان جنگ کنونی زیادتر نظر به وظائف مختلفه

مجار بوی و خصوصیات تکتیکی مملو از سلاح های نظامی، تخنیک سوق و اداره، وسایط الکترونیکی، وسایط و تاسیسات تخنیک می باشد.

در عین زمان محتویات و کرکتر فعالیت مجار بوی تغییر خورده، در زمین و هوا شدت مبارزه جهت بدست آوردن انسیاتیف، برتری آتش، کمائی نمودن زمان افزایش می یابد، سرحدات مجار به توسعه یافته، مانور و دینامیک آن بیشتر می شود. بدین مناسبت اهمیت هم آهنگی دوامدار و دقیق فعالیت های مجار بوی قوتها و وسایط، حجم و محتویات کارهای قوماندانان و قرارگاه ها در حصه ترتیب و تنظیم و اجرای تشریک مساعی بلند می رود. وقت هم برای اجرای این کار هم خیلی ها کاسته شده است. از قوماندانان و قرارگاه در حصه تطبیق عملی پرنسیپ تشریک مساعی و سوق و اداره متحرک قوتها در مجار به تقاضا می رود تا صنعت عالی از خود بخرچ دهند. عمل نشان میدهد که هرگاه افسران عمیقانه امکانات مجار بوی وسایط نظامی، و پرنسیپ های استعمال آنها ندانند، ایشان نمی توانند بدرستی و همه جانبه فعالیت یکدیگر را باهم ارتباط داده و بسوقت و زمان معینه با فعالیت مجار بوی جزوتام ها عیار سازد.

## با صقین

سرحد فهم و انکشاف یک قوماندان را در باره پرنسیپ های اساسی تکتیکی میتوان در مثال عملی پرنسیپ با صقین مشاهده کرد.

دشمن را در حالت غافلگیر قرار دادن، استفاده کردن از عدم احضارات وی جهت وارد آوردن ضربه، پیش گیری نمودن در فعالیت مجار بوی، استعمال نمودن از میتود ها و عناصر جدید تکتیکی، کمائی نمودن زمان، ایجاد نمودن شرایط بهتر برای مانور، چیزها نیست که تمام قوماندانان برای بدست آوردن آنها تلاش می ورزند.

در شرایط کنونی افزایش سرعت عمل، بعد مسافه انداخت، تحرك وسایط و تخنیک نظامی امکانات گسترده و فوق العاده ایرا برای وارد نمودن ضربات با صقینی آماده ساخته است. در محاربات سابقه جهت تقرب به یک هدفی که به مسافه ۱۰-۸ کیلومتر قرار داشت قوای پیاده بیشتر از دو ساعت وقت را بمصرف می رسانیدند. امروز طوریکه مطبوعات خارجی تذکر می دهد قوای موتوریزه در بالای وسایط دست داشته قادر برانند که در مدت ۳۰-۲۰ دقیقه نه تنها مسافه فوق الذکر را طی کرده بلکه آماده به وارد کردن ضربه هم میشوند. سرعت فعالیت مجار بوی قوا در این حالت

الی ۶ مراتبه سریع تر گردیده که در اینصورت امکانات اتخاذ اقدامات متقابل را از طرف مقابل محدود می سازد. تا اندازه زیادی استعمال هیلیکوپتر ها در مجاربه، زمینه را برای بلند بردن رول با صقین مساعد می سازد. به کمک ارتقای درجه تحرك، قطعات و جزوتامها می توانند جهت وارد آوردن ضربه با صقینی بالای دشمن از هر استقامت ممکنه از زمین و هوا، از چپه، جناحین و عمق، به سرعت عبور کردن از موانع طبیعی، زون های آلوده شده به اسلحه کتلوی و تخریب شده، انتقال دادن فعالیت مجار بوی به کمترین وقت به عمق نظام مجار بوی دشمن و غیره را با حرکات سریع، تمرکز دادن قوا اجرا نمایند. مخصوصاً پیاده کردن مخفی چیز و تاسیسات تکتیکی پراشوتی و فعالیت مجار بوی برق آسای آنها تاثیر با صقینی تعرض جهوی را بیشتر و سمحتر ساخته است.

واضح است که برای حاصل کردن با صقین در جنگ دانستن عالی تکتیک دشمن، توانایی افشاء نمودن گروپمان قوتها و وسایط، نظام مجار بوی، تعیین نمودن نقاط ضعیف وی لازم است. از قوماندانان و قرارگاه ها تقاضا می رود که بصورت همه جانبه طرق تعرض، وارد نمودن ضربه آتش، اجرای مانور را مورد مطالعه قرار دهند. با صقین بدون رعایت دقیق سترو اخفا و استعمال وسیع و آگاهانه شرایط شب بدست آمده نمی تواند. هرگاه پرنسیپ های ستیاقی تکتیک را مورد مطالعه قرار دهیم ما متیقن بدان می شویم که در شکل کدام تغییر وارد نشده بلکه در محتویات بصورت دائمی در تغییر و تکامل می باشند. برای قوماندان مشکل اساسی در دانستن عمیقانه پرنسیپ های اساسی صنعت مجار بوی که به ذات خود هم دارای اهمیت خیلی ها بارزی باشد نبوده بلکه در آنست که بطور آگاهانه این پرنسیپ ها را در فعالیت عملی مورد تطبیق قرار دهد.



## بنام انقلاب، بنام وطن و در راه اعمار جامعه و تسریع آهنگ شتابنده تکامل

در مطالعه و بررسی علمی جهان و در جستجوی پرو سواس حقیقت، به فاکت‌های متنوع و گونه‌گونه و به پدیده‌های ماهیتاً از هم متفاوت و کمیتاً از هم متمایز برخورد و مواجه با انبوه وسیع پدیده‌ها، فاکت‌ها و حقایق میگردیم، چه جهان خود مجموعه ایست از پدیده‌های مختلف‌الشکل و مختلف‌النوع، متشکل از بی‌نهایت سیستم‌های بفرنج و پیچیده، پیچ‌اندر پیچ و غامض.

مسئله عدده مطالعه، شناخت کلیه پدیده‌ها از لحاظ کیفی و ماهوی است، چه با بررسی و مطالعه عمیق و همه‌جانبه‌سایه‌های پدیده‌ها و فاکت‌ها به‌کند و واقعیت هر کدام پی‌می‌بریم. موضوع تکامل جامعه یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین موضوعات مربوط به جامعه‌شناسی علمی و یگانه‌تئوری علمی تکامل جامعه است. با‌یست متذکر شد که قبل از همه و پیش از طرح مسایل مربوط به امر تکامل جامعه این پرسش‌ها را مطرح نمائیم که عامل تعیین‌کننده تکامل کدام است؟ با‌لاخره آن حلقه اصلی زنجیر تکامل اجتماعی در کجاست؟ علت و معلول این روند تاریخی بفرنج و شگرف که پیشرفت و ترقی جامعه نام دارد چیست؟ پاسخ علمی و منطقی به این پرسش این خواهد بود که اولاً پایه تکامل

جامعه تولیدمادی است. نقش اساسی و قاطع را در تکامل اجتماع شیوه تولید ایفا می‌کند. در حقیقت باید این واقعیت ساده و ناگزیر را در نظر گرفت که انسان‌ها بدون غذا و لباس و مسکن و سوخت و سایر نعمات مادی لازم برای ادامه زندگی، نمیتوانند زیست کنند و برای بدست آوردن این نعمات باید کار کنند. کار عبارت از فعالیت آگاهانه، ضرور و هدفمند انسان‌ها بخاطر تغییر اشیای طبیعت و آماده‌ساختن وسایل مصرفی. انسان چنان موجودی نیست که بتواند با آنچه طبیعت، حاضر و آماده در اختیارش میگذارد زندگی کند. کار وسیله ارتباط و پیوند انسان با طبیعت و تنها راه تأمین مصرف، تنها طریق ادامه بقاست. کار اساس و شالوده حیات اجتماعی و از ضروریات حتمی زندگی انسانی است بدون فعالیت تولید مادی، اصولاً زندگی انسان امکان پذیر و متصور نیست اینکه چگونه و با چه وسایلی کار می‌کنیم و شیوه تولید نعمات مادی کدامست و چه مناسباتی بین انسان و طبیعت و بین خود انسان‌ها در این جریان ایجاد میگردد، علت اساسی و تعیین‌کننده تکامل جامعه در لحظه معین تاریخی است. این خود یکی از مهم‌ترین قوانین علم پیشرو و مترقی جامعه است.

برای روشن شدن این قانون ماباید با مفاهیمی که ضمن بررسی آن مورد نیاز است عمیقاً و به نحوه علمی آشنا شویم.

نخستین این مفاهیم، مقوله بسیار مهم (شیوه تولید) است که قبلاً گفتیم نقش اساسی را در تکامل جامعه ایفا میکند. و اما از آنجا که خود این مقوله مرکب از دو جزء و دارای دو جنبه است، لازم است که با این دو جهت که خود دو مقوله اساسی علم تکامل جامعه است و «نیروهای مولده» و «مناسبات تولیدی» نام دارد آشنا گسردیم. اینها ستون‌های اصلی در درک مادی تاریخ و در برداشت علمی از تحول جامعه ایست و لذا باید با دقت کامل این مقولات را فرا گرفت تا بهتر درک این قانون مهم علمی موفق شد که تولید مادی پایه تکامل اجتماع و علت تعیین‌کننده آن است. در جریان کار، انسان اشیای موجود در طبیعت را تغییر میدهد تا نیازمند بهای زندگی خویش را تأمین کند و مواد مصرفی را فراهم آورد. مثلاً برای ساختن یک ماشین باید معدن سنگ آهن را استخراج کرد، آنرا با وسایل خاص ذوب و به فولاد تبدیل نمود، سپس در کارخانه‌جات با وسایل و بنا بر شیوه معین روی آن کار کرد و بکمک علم و فن، به نحوی که مورد

نیاز و نظرات اشیا لازم را ساخت  
بنابر این، جریان تولیدی، مادی  
و وابسته به اجزای ذیل است:

۱- موضوع کار، ۲- وسایل کار، ۳-  
علم و فن - انسانها و نیروی کار و  
تجربه و مهارت آنها. به مورد  
نخواهد بود تا به تشریح و توضیح  
هر کدام از موضوعات گفته آمده  
منحیث اجزای متشکله شیوه تولیدی  
بپردازیم:

درین مورد باید یاد آور شد که  
موضوع کار آن آشیائی هستند که  
کار انسانی متوجه آنهاست و روی  
آن عمل میشود. از زمین و رستیها  
و معادن و کلیه اشیا طبیعی وارد  
در حیطه تولید گرفته تا همه اشیا  
و پدیده هائی که خود ثمره کار قبلی  
بشراست و در مورد معین به موضوع  
تازه کار بدل میشود.

از میان وسایل کار مهمترین آنها  
افزار تولیدی است. افزار تولیدی  
افزازهائی هستند که به کمک آنها  
انسان روی موضوع کار، عمل میکند  
و بوسیله آن طبق نیاز و خواست  
خویش موضوع کار را تغییر میدهد،  
چه تولید بدون افزار تولیدی  
غیر ممکن است. تنها نیروی عضلاتی  
انسانها برای این تغییر کافی نیست  
بکمک افزار و آلات بشر نمیتوانند  
لوازم زندگی و وسایل مصرفی خود  
را تأمین کنند. واضح است که طی  
تاریخ این افزار از ساده ترین  
اشکال، به اشکال مرتباً کاملتر  
و غامضتری بدل شده تا جائی که  
افزار تولیدی کنونی به هیچ وجه  
قابل منایسه با افزار تولیدی بشر  
اویه نیست. هرچه این آلات تولیدی  
پشرفته تر باشد و کار انسانی با  
تکنیک مدرن تر و دستاورد های  
تازه تر علم مجهز گردد، جامعه مربوط  
جلو افتاده تر است اما واضح است  
که آلات تولیدی از چکش و سنگدان  
اده گر نه تا ماشین های غول پیکر

و اتوماتیک بخودی خود نعمات  
مادی را در دسترس انسان نمیکند  
خود اینها توسط بشر باید ساخته  
شوند و توسط بشر بکار آفتند.

در مورد علم نیز بعنوان یک عنصر دیگر  
از نیروهای مولده باید بگوئیم که دانش  
با ترقیات شگرف و کشفیات بزرگ  
انقلابی خود در همه زمینه ها، با تأثیر  
در شرایط اقلیمی و تسخیر کیهان و کشف  
صنایع جدید انرژی و تسلط بر  
طبیعت، با تدوین شیوه های دقیق  
اداره امور اقتصادی و رهبری جمعی  
و فنی مدیریت و غیره بیش از پیش  
بدریک عامل مهم و قاطع در زمینه  
افزایش نیروهای مولده تبدیل  
میگردد.

چنانچه قبلاً گفته آمدیم که دو مقوله  
«نیروهای مولده» و «مناسبات تولیدی»  
منحیث اجزای متشکله شیوه تولیدی  
در بخش زیر بنای مادی جامعه که  
آن اولی را مضمون و دومی را  
شکل میتوان نامید و در واقعیت امر  
نیز چنین است، آهنگ رشد شیوه  
تولیدی معین بسته به چگونگی  
مناسبات تولیدی و عمدتاً بست به رشد  
و ارتقای نیروهای تولیدی منحیث  
الجموع میباشد، در اینجا خالی از  
فایده نخواهد بود تا چگونگی آهنگ  
رشد دو مقوله نیروهای تولیدی و  
مناسبات تولید را مورد مطالعه و  
بررسی قرار دهیم.

نقش انسان بخصوص درین بخش  
و این مورد جداً قابل یاد آوری و  
قابل دقت و تأمل است، چه این  
انسان است که با استفاده از نیروی  
دماغی و عضلاتی خویش و اقییات  
و پدیده های نامساعد را مساعد نموده  
و چرخ تولید مادی را بحرکت  
واداشته و به سیر تکامل جامعه جهت  
آگاهانه میبخشد. انسان بخصوص در  
عصر حاضر با استفاده از تجارب علمی  
و دانش مترقی قادر گردید تا  
ماشین های بفرنج و عظیمی را بکار

انداخته سینته تاریک طبیعت را  
بشگافتد و در درون پدیده های طبیعی  
و اجتماعی نفوذ نماید، این نیروی  
انسان بود که طبیعت را بیش از پیش  
بخدمت گرفته و تحت اراده خویش  
قرار دهد.

انسان زحمتکش و وطن عزیز ما  
افغانستان نیز در طی قرون متعادی  
با عوامل نامساعد و خشن اجتماعی و  
طبیعی مصاف داده اند، در مقابل هم  
صف آرائی نمودند و با پیکار های  
قهرمانانه، شهکارهای بی همتایی  
در دل تاریخ کهنسال و وطن باقی  
گذاشته و ثبت اوراق زرین تاریخ  
سینن محبوب ما نمودند. همیشه با  
تجاوزات نیروهای قهار و جبار  
خارجی مواجه بوده و عمر طولانی و در  
پیکار و نبرد جانبا زانه با دشمنان  
مصروف بوده است. همینکه روزگاری  
فرصت تنفس حداقل هم اگر کسب نموده  
و به اعمار جامعه خویش پرداخته،  
باز هم چشمان حسود و کینه جو و  
حریص دشمن بطرف وطن ما متوجه  
شده، وطن محبوب ما را تحت حملات  
رهزانه قرار داده و هستی های  
مادی و معنوی زحمتکشان وطن را  
چور و چپاول نموده اند.

در هیچ مقطعی از تاریخ وطن  
عزیز ما دشمنان رنگارنگ نگذاشته اند  
تا آهنگ شتابنده تکامل جامعه ما  
حتی به رشد و تکامل طبیعی و نورمال  
خویش ادامه دهد، با استفاده از  
وسایل و شیوه های ساخت زرادخانه  
امپریالیسم انگریز و انواع رنگارنگ  
ارتجاع، مانع این رشد شتابنده گردیده  
و سیر تکاملی آن را به شیوه طرح خویش  
و به نفع خود ترتیب نموده و خلاف  
اراده مردم زحمتکش ما آن مسیر  
شتابنده را تغییر جهت داده اند، این  
تغییر جهت بیش از پیش در جهت کسب  
سود حداکثر عده معدود و قلیل العده  
بوده و به قیمت فقر و گرسنگی هزاران  
هزار و میلیونها میلیون یعنی کثیر-

اعده ترین طبقات مجرورم از وسایل تولید و بخاطر تعمیق استثمار و میکیدن آخرین شبره زحمتکشانشان انجام شده است چون هستی مادی جامعه تعیین کننده بوده و نقش قاطع و بس عمده ایرا در اجتماعات بشری ایفا مینماید ، پس اگر در جهت رشد و ارتقای جامعه طی طریق نمایم ، اگر خواستار رشد و ارتقای جامعه هستیم و در نهایت اگر خواهان تغییرات ارزنده و قابل قبول در جامعه هستیم شرایط زندگی و محیط مادی را باید انسانی ساخت ، ایست موضوع اولی و بس مهم ، چه همیشه و در کلیه شرایط تاریخی این زیربنای مادی جامعه است که منبع کلیه تغییرات در عرصه های مختلف زندگی بوده و نقش عمده و بس قاطعی در زندگی اجتماعی انسانها ایفا مینماید نباید فراموش کرد که ترقیات علم و تکنیک و بخصوص کشفیات علمی و تکنیکی خود باعث رشد نیروهای تولیدی میگردد ، و رشد نیروهای تولیدی ایجاب مینماید تا چو کات قبلی مناسبات تولیدی به ساحه وسیع تری مبدل گردد تا این نیروهای تولیدی در آن چهار چو کات جدید مناسبات تولیدی به رشد و تکامل خویش ادامه دهد و هر زمانیکه این چهار چو کات مناسبات تولیدی با نیروهای مولده در زمان معین تاریخی تعارض پیدا نمود ، این مبارزه به مبارزه عمده در زیر بنای مادی جامعه مبدل گردید ، و بقانون عینی رشد شیوه تولیدی و تبدیلی یک شیوه تولیدی معین به شیوه تولیدی معین دیگر مبدل میگردد و اما در مورد انسانها ، از توضیحات فوق چنین معلوم میشود

که تنها انسانها هستند که آلات تولیدی را بکار می اندازند ، تولید را سازمان می بخشند و برای خود کارترین ماشینهای میسر تکنیک و کامپیوترها نیز برنامه عمل تهیه میکنند و علم و فن را در تمام شئون به پیش می برند . به همین جهت نیز انسانها با تجربه و مهارت خود ، با نیروی کار خود ، نه تنها عنصر متشکله ای از جریان تولید بشمار می آیند بلکه در تمام مراحل تکامل جامعه ، تولید کننده گان ، توده های زحمتکش نیروی اساسی تولید بوده و هستند ، آنها نقش قاطع را در تکامل تولید ایفا میکنند و در درجه اول عبارتند از کارگران صنفی ، دهقانان ، تکنیشن ها ، مهندسان و دانشمندان که با بسط تکنیک تولید سروکار دارند ، افزار کار پایه مادی ، فنی جامعه است ولی از آنجا که افزار بدون انسان سرده و بی تاثیر است لذا عنصر تعیین کننده در نیروهای مولده و نیروی اساسی تولید خود انسان است .

درین جا قابل یاد آور است که هرچوقت نباید به نیروی کارگران و سایر زحمتکشانشان که چرخ عظیم زندگی را به جلوسوق میدهند کم بها قابل شد باید آنها را آنچنانکه هستند مورد ارزیابی و مطالعه قرار داد و بشکل واقعی به نقش آنها ارزش قابل شده ارج گذاشت . چنانچه در سطور قبلی گفتیم که نیروی اساسی ، عمده و تعیین کننده تکامل اجتماع همانا توده های زحمتکش جامعه است ، و از آنجا که در مجموع روند تکامل ملی جامعه و سیر حوادث به مفهوم وسیع کلمه

نقش عمده و مهم اساسی با وسیع ترین زحمتکش ترین و عمده ترین بخش جامعه است .

بررسی علمی جنبش ، جامعه و جهان از اهم مسائلی است که در برابر نیروهای مترقی قرار دارد چنانکه بیان این سه عرصه را مطالعه نموده و بر آنها اثر گذاشت ، به چه طرز و به چه شکلی میتوان عرصه های نا مساعد را مساعد و از آنها حداکثر استفاده را نمود ؟ سوال فوق از مدت بسبب زیادی در مقابل انسان مطرح است : موضوع عمده و اساسی در بخشهای مختلف زندگی یکی هم آنست که نیروی اساسی و تعیین کننده را در مجموع روند تکاملی جامعه به مفهوم محدود کلمه و نقش عمده را در امر تکامل به مفهوم وسیع کلمه انجام میدهد .

از آنجا نیکه توده های زحمتکش جامعه ، نیروی عمده و فعالی در امر تولید نعم مادی جامعه میباشد و از لحاظ نقش و خصوصیتی که در مجموعه نیروهای تولیدی و مقام شامخی در امر تولید اجتماعی دارند ، دارای اهمیت فوق العاده ای بوده و باید یاد آور شد که در بخش نامبرده نقش و اهمیت مطالب گفته آمده چنانکه شاید و باید مورد مطالعه علمی قرار گیرد .

بنام انقلاب و بنام تغییرات اجتماعی بود که ستاره رهنمائی بر تارک آسمان کشور درخشیدن گرفت ، با درخشیدن این ستاره رهنما بود که همه نابکاران اجتماع سوختند و راه نابودی و زوال پیشه کردند ، در تحت انوار پر درخشش این ستاره بود که درفش سر بلند و برافراشته ای

با هتزاز درآمد که در آن نقش شده بود که : حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان وطن) !

با دانش و پیدایش پدیده های نوین و مترقی همیشه ، پدیده ها و موجودیتهای کهن بر خود لرزیده اند ، جا خالی نموده اند و راه زوال پیموده اند ، اما این زوال پدیده های کهن و زایش پدیده های نوین و مترقی آنقدرها هم ساده بدست نیامده بلکه جاده صعب و دشواری پیموده شده تا پدیده های نوین و مترقی بر مکان قدرت رسیده اند . تکامل جامعه امر ساده ، بسیط نبوده بلکه مسیر است از حداقل ها

به حد اکثر ها ، سیر از تغییرات کمی به تغییرات کیفی عمده و بزرگ ، این تغییرات کمی است یعنی اینکه با تغییرات کمی در جهت تکوین تغییرات کیفی و انقلابی باید جدوجهد نمود ، اما باید خاطر نشان کرد که با پیروز مندی امر نودر عرصه معین و مشخص ، کهنه نیز به تلاش و تسکاپو افتاده و تلاشهای مذبحوحانه ای انجام میدهند ، چه تلاشها به سود عاملین آن و بزبان امر پیشرونده تکامل منجر نگردیده و برای ایشان سود مند نبوده و دردی را دوانمی نماید . در جامعه ما با پیروز مندی

انقلاب ثور و ظفر مندی قیام شش جدی راه تکاملی جامعه ما بسوی آینده های درخشان مشخص گردیده و افق های وسیعی برای انسانی زیستن و اعمار جامعه ما کشوده شده است ، مردم وطن ، مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان عزیز با کار و پیکار انقلابی و انسانی خویش مصروف اعمار زندگی نوین بوده و پیش از پیش در راه رفع عواقب شوم ارتجاع روه زوال و زایش پدیده های خوب و انسانی ، فعالیت های انسانی خویش را سازمان می بخشد و متیقین است که دشمنان وطن و انقلاب را با خاک یکسان مینماید .



درین صحنه فعالیت عده بی از محصلین حربی پوهنتون دیده میشود که شب و روز برای دفاع از انقلاب آماده اند .

# د شوروی

# دوسله والو

# پوځو

# کلتوری

# او

# سپورتي

# فعالیتونه

د شوروی اتحاد د پوځي ښوونې او روزنې په سیستم کې کلتوري، تفریحي او سپورتي فعالیتونه ستر رول لري. د نوموړي هیواد پوځ او سمندري قواوې د کلتوري او تربیوي انستیتونو او سوکالیو څخه بشپړه ګټه اخلي. په ملي مقیاس، د کلتوري او تربیوي فعالیتونو لوی مرکزونه د شوروی پوځ د مرکزي تیاره د شوروی پوځ د (قرونز) مرکزي کلب څخه عبارت دي. د پوځي قواوې د مرکزي موزیم او د (کریکوف) د مرکزي سټدیو په غیر یوولې نور تاسیسات هم وجود لري. په سیمه ایز لحاظ د افسرانو کاپونه او تیارونه شته دي چې د پوځ په ځانګړو سیمو، ګارنیزونونو، سمندري ساحو او اېو پورې اړه لري. پردې سربیره، د ځینو ټولنیزو موزیمونو، جنګي تاریخي کوټو، د خلکو کلتوري پوهنځیونو، د خلکو تیارونو او وړو فلمي سټدیو ګانو څخه هم یادونه کولای شو. په یونیتونو کې د افسرانو، سرتیرو او سمندري عسکرو د پاره کلپونه او کناپونونه پرانستی دي. ټول یونیتونه د رادیو او تلویزیون په سیټونو او د فلم په پروګرامونو وسایلو سره سمبال دي. سیاسي افسران، د ګوند او کومسول سازمانونه، د پرسونل د لارښوونې او خوښو د پراېرولو د پاره، د دغو سوکالیو څخه د پراخو کلتوري او فرهنگي فعالیتونو د تشکيل په مقصد ګټه اخلي. د پوځي پرسونل د کلتوري روزنې د بیلابیلو وسایلو په منځ کې سینما ډیره مهمه دنده په غاړه اخیستی ده. د سینما پر پردو باندې معمولاً مستند فلمونه، د عمومي ساېنس او روزنې په هکله فلمونه ښودل کېږي. په زیاتو یونیتونو کې قوماندانان، سیاسي افسران او مبلغین د ځینو فلمونو تر ښولو مخکې د فلم پر یولې مهمو مسئلو باندې رڼا اچوي. کله چې ممکن وي، د پوځ او سمندري قواوې د کلتوري فعالیتونو او فلم جوړوونکو ترمنځ میتینګونه د ایزیری ځینو عمومي رخصتیو او مهمو پېښو په مناسبت ځانګړي فلمي فیسټوالونه ترتیبیږي. د ښوول شویو فلمونو په هکله خبرې اترې، پوځیان دي چمتو کوي چې د سینمايي هنر بشپړه قدر دانی وکړي او د هغه د پراخ تربیوي ارزښت څخه په ژوره توګه ګټه واخلي.

د شوروی اتحاد د پوځي قواوې په کلتوري ژوند کې رادیو یو بل ستر عامل دی. د پوځي قواوې پوځیان د رادیو له لاری څخه د غوره مستندو پېښو او د شوروی اتحاد د کمونست ګوند او حکومت له پرېکړو څخه معلومات ترلاسه کوي. همدا راز رادیو، د نوی ټولني په جوړولو کې د شوروی په هکله د افسرانو او سرتیرو سره د معلومات په غونډولو کې مرسته کوي. څېړونکي مرکزونه هم د جګړه ایزو، غنمونو د عامولو او د پوځي قواوې د پوځیانو په منځ کې د سترو یونیتونو د افسرانو

م. روبان  
د ټولنیزو پوهنو ډاکټر  
د امین الله مجک ژباړه



اوسرتيرو د پير مختللو او زړه ورو تجربو د تیتولو د پاره پروگرامونه ترتیبوی. د عسکری دلگيو د حال او احوال د پوښتلو له پاره خاص فرصتونه برابرېږي چي معمولاً قوماندانان، سياسي افسران، گوندي منشيان او د کمسومول سازمانونه دغه راز غونډو ته تشکيل ورکوي.

باید وویل شي چي هر یونټ غاڼته بیل سیمه ایز خپرونکي اسانتیا وي او شبکي لري. دغه کار د سياسي افسرانو په لارښوونه د یوه ټاکلي گروپ له خوا سرته رسېږي. د نوموړي گروپ غړي او مسؤلین دغه کوي چي خپل نشراتي فعالیتونه تنظیم او ورځني خپروني، ورځپاڼي او مجلې د مینه والو لاس ته ورسوي. د جگړه ایزی او سياسي روزني د سطحې د لالوولو په مقصد، دولتو افسرانو اوسرتيرو تجربې او کار نامي په منظمه توگه نشر ته سپارل کيږي. سیمه ایزی راديو بي شبکي، دشوروي بوخ اوسمندري نواو پروپاگنډا جنکي معنا تو باندې رڼا اچوي معمولاً په ستره وطنپاله جگړه کي برخه وال او تجربه لرونکي کسان د بوخ اوسمندري نواو بوښيان ته راديو بي ویناوې کوي. د یو نوتو نومسؤل ارگانونه، پوځیان ته د ځيني اضافي معلوماتو دوراندې کولو د پاره د خپلو ځانگړو راديو بي شبکي ستیشنونو دغه کار اخلي، دغوي ته خبرور کوي چي د سیمه ایز کتا پتون د کتا بوڼو پر شمیر باندې زیاتوالي راغلي دي. همداراز د یو لږ ځانگړو کتا بوڼو، ادبي کره کتنې، ونورو علمي او اجتماعي مسایلو په باب په زړه پوري پروگرامونه نشروي. ددی سره په څنگ کي، د کلاسیکي، مجلې او پاپولر موسیقي د کانسر تونو په هکله لازم معلومات وړاندې کوي.

په دی لړ کي، تلویزیون هم یوه ډیره مهمه نشراتي دنده سرته رسوي. د تلویزیون او سني شبکي، د معاصر تلو یز یون په خپرونکو وسایلو سره سمبال او دنداره چپانو د پاره بی د ازمینه برابره کړیده چي د سیمه ایز تلویزیون پر پروگرامونو سر بیره، د مسکو د مرکزی تلویزیون له خپرونو دغه هم گټه واخلي. ځيني وختونه د تلویزیوني خپرونو، په تیره بیا دغه پروگرامونو په باب چي مخصوص د پوځي او سمندري نواو د پوځیان د پاره وي، د نظر د څرگندولو د پاره دنداره چپانو غونډي د ابرېږي.

د سرتيرو سره د کار کولو په برخه کي، د قوماندانانو اوسياسي افسرانو، د سياسي او تربیوي فعالیتونو تر منځ زیات تنوع اوسوي والی لیدنه شي. د افسرانو او سرتيرو کلو یوه، کلتوري پوهنتونونه او ښوونځي پرتو لنیز اساس باندې ولاړ دي او د ادبیاتو، نقاشي، موسیقي تیا تر اوسینما اوداسي نورو په هکله مضمونونه لري. سياسي ارگانونه د گوند او کمسومول سازمانونه خپل تشکيل او فعالیتونه زیات پام اړولي دي.

د ټولو مضمونو په برخه کي، په آزاد او انډیوالیزه روحیه سره معلومات وړاندې کيږي. افسران اوسرتيرو په خپلو فارغو وختونو کي، په دغه راز د لگيو کي گډون کوي. نوموړي کورسونه، له بیره دغه تر دوو کلونو پوري ادامه مومي. ډیر صنفونه، په میاشت کي بو یادوه ځلي دهفتي په پای او یا یکشنبې په ورځو کي د ابرېږي.

کلتوري پوهنتونونه او ښوونځي، د هنر، ښکلا پیژندنې او اخلاقو د مهمو مسؤل په هکله لکچرونه وړاندې کوي. پر لکچرونو سر بیره، دغه راز مباحثي غونډي او د خبرو اترو د محفلونو د ابرېږي چي د لوست د مضامینو سره په زړه پوري مرسته کوي. ددی سره په څنگ کي، د ځانگړو مضمونو په برخه کي کانسر تونه اجرا او فلمونه ښوول کيږي. ښوونځيو، پوهنتونو او موسوزیمونو ته تگ، دولتو هنري او ادبي شخصیتونو سره لیدني کتنې، د نندار تونونو ډله ایزی کتنې، د تیاتر او سینما گانوته تشکيل ورکوي. په عین وخت کي، پوځیان خپلي هغه روحی او اخلاقي ستونزي او اړوي چي له دوی سره د اجتماعی چال چلند او سلوک د سطحې په لوړولو کي مرسته کوي. د کلتوري او هنرونو په نړی کي، د شوروي افسرانو او سرتيرو د معنوي بیا ایتوب له پاره د شبې له خوراچو شوروي محفلونو یوه بله وسیله ده. په تیره بیا آماتور کانسرتونو او پروگرامونو د برخه والو سره د غوي د هنري استعدادونو اوتما یلاتو په هڅونه کي لو په مرسته کړیده. لکه چي تجربو ښوولي ده، د شبې له خوا دغه راز لنډ پروگرامونه، د ادبیاتو او هنرونو په گټه تما یلاتو ته زیاته وده او انکشاف ورکوي.

د کلتوري کورسونو بیلا بیل مضمونونه، تر زیاتي- اندازي پوري وطن پالونکي او پوځي عنعنوی احتوا کوي دغه راز کورسونه، د قوماندانانو، سياسي کارکوونکو او گوندي سازمانونو تر لارښوونې لاندې د کمسومول دغه سازمانونو له خوا اداره کيږي چي د یونټونو د کلب له غونډي سره نزدی اړیکي لري. د کمسومول غړي، د راتلونکي محفل د جوړیدو له پاره د مضمونو په ارتباط یو مشرح پلان ترتیبوي. د راپورونو او وینا وړون او نوبت تعیینول، د کنسرت د پروگرامونو، صحنو او کنسرت د سالون دنده ډکوریشن (تزیین) په نښه کوي. دغه ډول محفلونو ته په تیاري نیولو کي د مینه والو برخه ونه، په یونټونو کي یوه هڅو ونکي فضا را منځ ته کوي او په کلنو ری فعالیتونو کي د گډون له پاره د سرتيرو میقه اوسالم قضاوتونه تشویقوي.

پدی وروستیو وختونو کي، «د شوروي خلکو د قهرمانی سنا یغ» تر عنوان لاندې یو د شبې محفل جوړ شوه. لومړی د

(یونارول) له خوا د «وطن» تر سرلیک لاندې یوشعرو لوستل شو. ورپسې د یونانو وټلو پوځي شخصیتونو د قهرمانی په برخه کې، د کمسومول د بیرو د منشی، افسر (الف. سیمیا نوف) له خوا لیکل شوی راپور په نوموړي راپور کې د اتلا نوهغه بې پایه مینې ته اشاره شوی وه کوم چې نوموړو دهیواد، کمونست، گوند او شوروی خلکو په وړاندې لرل. همداراز د هغوی هغه کرکه او نفرت په گوته شوی و، چې دوی دخپل هیواد د آزادی او د خاوری تمامیت ته د تاوان اړونکي دینمن په باب لرله له هغه نه وروسته، (پیتریف) د (پوری سکیرنوف) د زړه ورتیا او سرښندنې په باب یوشعرو لوست. په آخیر کې محفل د جگړې په برخه کې د قلمونو په یوه سیریا ل سره پای ته ورسیدی .

په نورو یونیتونو کې دغه ډول غونډې د «یو رښتني ملگری او انډیوال باید څنگه وي» د ایدې یادو وړاندې کولو په هکله دیر په زړه پوري واقع شوی دی. اود پرسونل د کلتوري افقونو په پراخوالي کې یې زیاته مرسته کړې ده .

له مابینې پروگرامونو څخه چې راتیر سو، فلمي لکچرونه هم دیر عمومیت لري. د فلمي موضوعاتو په هکله سیاسي مبلغین د فلم د محتوا د انځورولو په مقصد بیا نوی. د فلمي لکچرونو وټلی سوژی چې د لینن د ژوند او کار سره اړه لري اود سره لښکر او سمندري قواو د پارو د «لینن» د لینن د ایمی ژوند»، «داولیا نوف کورنی» کمونست او داسې نور انتباهي اثرونه دي، په منظمه توگه وړاندې کیږي، د فلم په شاوخوا کې خبرې اتري، د محتوا نو افسرانو او سرټیرو د سمندستي گټې له ستونزو سره نژدې اړیکې لري، له همدې امله یې، د فلم په هکله د عمومی لکچرونو څخه څه ناڅه توپیر په گوته کیدای شي. د فلم په باب خبرې اتري په شعر ونو او د موسیقي په زړه وړونکو پارچوسره تودې ساتل شوی دی. ورپسې د هماغه شپې د اجنله سره ورته یو فلم ښوول کیږي. پدې وختو نو کې «د شوروی عسکرو میرانه او زغم» په نامه فلم په هکله د مباحثو او مناقشو له پاره یوه غونډه دایره شوی وه غونډې ته د تیاری نیولو دپاره د یونټ د کلب فعالیتو، د فوټوگاټو یوه ننداره وړاندې کړه چې دستری و طن پالی جگړې په جریان کې د شوروی پوځ او سمندري قواو د پوځیان د سرښندنو او دسولې په وختونو کې یې د هغوی وطنپالونکي فعالیتونه په برکې نیول. همدا راز هغوی د تصویرونو یوه په زړه پوري ننداره ترتیب کړې وه چې د فلم د محتوا «ستړه و وطنپسې له جگړه» سره یی اړه درلوده .

مابینې غونډه د یوه افسر په هغه وینا پیل شوه چې د تیږي

جگړې په جریان کې یې د شوروی عسکرو او ښې چلوونکو ثابت قدمی او قهرمانی په لنډه توگه انځوروله. لدی نه وروسته یو بل وینا کوونکی د تیږي جگړې د یوه اتل کیسه بیان کړه. دغه ډول ویناونه معمولاً د قلمونو سره په ارتباط ترتیب او وړاندې کیږي وروسته د شوروی عسکرو د دزورونیا او قهرمانی په باب په گڼو آوازونو کې سندري وریل شوی. غرنیو د ستا لښکران د سدا فعالیتو د قهرمانی په هکله د «ژوندی اوسر» په نوم د یوه فلم په ښوولو سره پای ته ورسیده. بالاخره، د یونټ د کمسومول سازمان په یونټ د سرټیرو د قهرمانی د سنا یوه برخه یې یونټی مفکوروی اساسات بیان کړه. له دغه ډول مابینې غونډو څخه وروسته، یو لړ مباحثې او سرکي صورت نیسي چې هغه هم په خپل وار سره، د پرسونل د سیاسي او سحرایوی پوځي د سطحې په لوړولو کې زیاته اغیزه لري اود هغو اتلانو په پیژندنه کې ورسره مرسته کوي کوم چې تر وروستني سلگي پوري یې له خپل هیواد څخه دفاع وکړه. په دې ترتیب، د قلم په باب مجلسونه په پوځیانو کې د لوړ مورال، سیاسي او جگړه ایز کیفیتونو په رامنځ ته کولو کې زیاته مرسته کوي .

له بلې خوا، اما توري تیاترونه هم د شوروی لښکرو او سمندري یونیتونو د پوځیان د تفریحې او کلتوري فعالیتونو مهم جز تشکیلوي. د یونټ قوماندان، سیاسي افسران، د گوند او کمسومول سازمانونه، له هرې سمکټې لاری، دغه ډول فعالیتونه تشویقوي. گڼ شمیر یونټونه لمانځنه بیلابیلې هنري ډلې لري چې په گډو آوازونو کې په غزلو ویلو، ډرامه، کلاسیک او پاپولر موسیقي کې مهارت لري. هرکال یونټونه او جزو تامونه د اما توري تیاترونو له پاره لمانځگړې پروگرامونه ترتیبوي. د داسې یوه پروگرام په جریان کې، د پروگرام په غاړه اخیستونکي یونټ لمانځگړي کانسرت وړکوي چې په هغه کې په گډو آوازو او لمانځگړي ډول غزلې، د شعرونو ویل، موسیقي پارچې او اکروباټیکي نندارې وړاندې کیږي .

دیر یونټونه، د کانسرتونو سباده لې سره کوي په دې توگه، په غټو یونټونو او جزو تامونو کې په زړه پوري اما توري استعدادونه تبارز کوي. د کانسرت د گروپونو تنوع د پوځي پرسونل دپاره د ډیرې علاقې وړ گرځیدلی ده. یونټونه د صنعتی موسسو او ډله ایز او دولتي فارمونو سره د کانسرتی پروگرامونو مبادله کوي. د شوروی پوځیان کلتوري چار پیریا ل، د دغه ډول فعالیتونو په نتیجه کې بهای شوی او د هغه له مخې د کلتوري ارزښتونو ډیرې بیه قدر دانی کولی شي .

شوروی افسران او افراد له مطالعی سره پای نه

منونگی مینه لری . د پوڅ او سمندری بونیټونوزیاتی  
کتابخانې په ملیونو داسی کتابونه او رسالې لری چی  
در لمر را لاندی هر ډول عنوان احتوا کوی . هر پوڅی  
بونت او سمندری پیری مخانته بیله کا بخانه لری . خو واره  
چر و تا مونه بیاله سیار و کتابخانو غځه گټه اخلی لاس  
ته راغلی احصایی بیټی چی هر عسکر او مانور ( پیری  
چلونکی ) په منځنی ډول په میاشت کی د کیسودوه  
کتابونه لولی .

د لوستونکو کانفرانسونه ، د شوروی پوڅ او  
سمندری قواو د پرسونل په منځ کی د مترقی افکارو د  
تیتواو ډیر فعال او پرمختللی شکل دی . دغه ډول  
کانفرانسونه ته د پرسونل له خوا د تعین شوو کتابونو  
دغه لست له مخی تیاری نیول کبیری چی د هغوی په  
باب آزاد تحلیل او کره کتنه شوی وی . د لوستونکو  
په کنفرانس کی د نظریاتو یوه توده میادله روانه وی  
دغه ډول کنفرانسونه ښایی ، د یو ټا کلی یا څو مؤلف مؤلیفو  
ټوله خوا د یوه ځانگړی کتاب یاد کت ، بونوله یوی سلسلی  
سره اړه ولری ، یا ښایی داسی مضمون احتوا کپری چی  
د بیلابیلو مؤلفینو اثرونه منعکس کپری .

د لوستونکو دغه راز کانفرانسونه ، د پوڅ د پرسونل  
سره مرسته کوی چی ادبی اثرونه له ایله یالوژیکي نظره  
او د لوستل شوی کتاب علمی او هنری ارزښت په ښه  
ډول ارزایی کپری . په عین حال کی ، سرتیری دی ته  
هڅول کبیری چه د لوستل شوی کتاب پرمختوا بانندی رټا  
اچوی او د خپل ژوند ، ارمانونه او ایدیا لونه د ناو لونیو  
او کیسو د قهرمانانو له ژوند او ارمانونو سره پرتله  
کپری . د کتابونو په هکله ، په خبرواترو کی فعاله ونډه  
اخیستل ، هغو پوڅی پرسونل ته په علمی او ادبی نړی  
کی د نفوذ کولو توان ورکوی .

د لوستونکو کانفرانسونه ، برخه وال دی ته هڅوی  
چی په خپل ورځنی ژوند کی خپل مطلوبو ادبی اتلانو  
ته ژوند وپڅیښی . د گڼ شمیر نظریاتو له ارزایی غځه  
څرگند پیری چی د شوروی پوڅی پرسونل وتلی ای اتلان  
له هغو خلکو غځه عبارت دی چی د لوړو اخلاقی  
پرنسیپونو او کلتوری معیارونو غځبتنان او په بشپړه توگه  
خپل هیواد او د اکتوبر سوسیالیستی انقلاب د گټو د  
ساتنې په لاره کی یسی خپل ژوند وقف  
کړیدی . د شوروی اتحاد د پوڅی قواو  
افسران او افراد مخانته ، د دغسی اتلانو په غیر  
جوړوی . دوی په خپل ورځنی ژوند او خدمت کی ، په  
ویار سره دخپلی وطنپالونکی او انترناسیونالیستی وظیفی  
په سرته رسولو کی هیڅ ډول توان نه سپموی .  
باید وویل شی چی د پوڅی پرسونل سیاسی ، جگړه ایز

مورال او کلتوری روزنه د هغوی د بدنی روزنی او  
فیزیکی ورتیا سره نه شلیدونکی اړیکی لری . له فیزیکی  
پلوه یو پیاوړی عسکر د جگړو په وختو توکی دخپل پوڅی  
خدمت زیاتی ناخوالی په آسانی سره زغملی شی او د  
جگړی په ډگر کی به یی پر دښمن بانندی د بریالیتوب  
چانسونه ډیروی . د فیزیکی ورتیا د سطحی لوړوالی ،  
یوه په زړه پوری سایکلرژمی اغیزه بندی اوله دی لاری  
څخه افراد دخپل رسالت د سرته رسولو د پاره ډیر ښه چمتووالی  
تر لاسه کوی . د شوروی اتحاد قوماندانان او سیاسی  
افسران د پوڅی قواو په ټولو بونیټونو کی د بدنی او  
سپورتنی فعالیتونو هڅولو ته زیات پام اړولی دی .  
پوڅی افسران او افراد دنورو شوروی وگړو په  
څیر دملی او بین المللی سپورت میتانونه بریالیتوبونو  
غځه په پوره اندازه گټه اخلی . لکچرونه ، راپورونه  
او بصری تبلیغاتی وسایل ، په سپورتنی فعالیتو کی ، د  
بریالیتوب د معیارونو په هکله دقیق معلومات په لاس  
راکوی . په تیره بیا دغسی مهمی بیټی لکه د هدف وپشتلو  
، بم غورځولو ، مخفایسته ، سکې . لمبووهل ، اوږده او  
لوړ جچونه وهل او داسی نور د پوڅی قطعاً ټوله پاره  
سیر اهمیت لری . فیزیکی روزنه ، د شوروی اتباعو د  
زړورتیا او جگړه ایزه مهارتونو د سکب یونه بیلیدونکی  
جز دی . هر یونت مخانته خپل سپورتنی تجهیزات لری .  
بدنی روزنه او سپورتنی فعالیتونه ، جگړی ته د روزنی  
د مجموعی وخت یوه دیادونی وړ برخه په بر کی نیسی .  
د بدنی روزنی مخنی ډولونه په تعلیم میدان کی د تمرینونو  
، مانورو او دغه شان ورته فعالیتونو دیوی برخی په  
توگه سرته رسیږی .

سپورتنی فعالیتونه ، په هر یونت کی په جلا ډول  
تنظیم او ټول پرسونل پکښی ونډه اخلی . په دی وختونو  
کی د قوماندانانو او آدوسره سم ، ځانگړی سپورتنی  
کمیټی جوړ پیری . سپورتنی لوبی او مسابقی ، دملی پوڅ  
د سپورتنی کمپلکس یوه مهمه برخه تشکیلوی . ډیری ونډونه  
دوالیبال ، ساکسر ، دپهلوانانو تیمونه او دوزن پورته  
کوونکو او داسی نور گروپونه لری . سپورتنی مسابقی  
په منظم ډول د نیلا بیلو یونټونو د سپورت میتانونه خرا  
سرته رسیږی . د کمسومول سازمانونه هڅه کوی چی  
سپورتنی فعالیتونه په ډیر ښه ډول تنظیم کپری . معمولاً  
دوی د سپورتنی میدانونو او لوبغاړو په تشکیل کی مخکښی  
رول لری . د کمسومول بیروگانی ، په خپلو غړانو کی  
د دغو سپورتنی فعالیتونو په هکله راپورونه اوری کوم  
چی ددوی په خپلو یونټونو کی ترتیب او تنظیمیږی . دغه  
ټولی چاری د قوماندانانو او سیاسی کارکوونکو سره  
د پوڅی فعالیتونو په لارښوونه کی په مشر ډول مرسته

کوی او په فیزیکی او سپورتي فعالیتونو کې د پرسونل دپاره دوتلو معیارونو بر بالیتوب باوری کوی .

سپورتي لوبې اومسابقی ، دنورو کلتوري فعالیتونو په غیر ، دهفتی په رخصتیو کې زیاتې تعقیب او داوختونه کابو ټول پرسونل ونډه پکښې اخلي . داسې مثالونه زیات شته چې دیکشمې سهار ، په مخنو بونجونو کې سپورتي لوبو او مسابقو ته اختصاص شوی وی . د یخې پرمخ باندي دهاکې لوبې دایرېری او دسکې مهارتونو دښوولو دپاره څه دپاسه لس کیلومتره واټنونه وهل کیږي . دورغی دوهمه نیمایي ، تفریحاتو او هوساینې ته اختصاص شوی وی . ځینې کسان ورځپانې او مجلې لولي . ځینې بیا دسطنج په څیر فعاله لوبې خوښوي .

خو نوریا خپلو کورونو ته خطرونه لیکي . دورغی په ورستیو وختونو کې ، په یونټونو کې دلنښ کونې «لوسټ غای» ته ځي او هلته د «ډسپلین او قهرمانی» په باب زده کړې کوي . دوینا کوونکو په مځ کې د کار او جگړې قهرمانان پیر داسې مثالونه په گوته کوي چې دډسپلین او سازمان په لوړ احساس سره ، دوطن پالنې له وظیفې سره اخلاص انسان ته دقهرمانی توان بخښي . له ماښامی غونډې څخه وروسته ، ځینې کسان هغو کلبونو ته ځي چیرې چې دوی ته قلمونه ښوول کیږي . خوچا چې بیا نوموړی قلمونه لیدلای وی نو د ماښام پاته برخه دا کوردین په رغولو ، دسندرو په ویلو او نڅاوسره تیروي .



دشوروی اتحاد دوسله والو قوتونو د کلتوري ژوند یوه څښاکه .

# پیمان نظامی تجاوز گر ناتو پیمان

## اتلانتیک شمالی

بعد از پایان جنگ جهانی دوم کشورهای امپریالیستی با طربرتی نظامی و فشار بالای کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های کارگری و جنبش‌های رهائی بخش ملی یکتعداد پیمان‌های نظامی و سیاسی تجاوزگر را پی ریزی نمودند تا به کمک این پیمان‌ها وضع نظامی و سیاسی جهان را به نفع خود چرخانده و بدین شکل به اهداف نامقدس خویش یعنی تجرید کشورهای سوسیالیستی در سیاست به مقیاس جهانی و حکمروایی ایدئولوژی بورژوازی بالای بخش اعظم کره زمین دست یابند.

امروز یکتعداد ممالک که دارای نظام‌های متفاوت اجتماعی و سیاسی میباشند ولی در پی آن هستند تا از تشنج در اوضاع بین‌المللی کاسته شده و این کشورها بتوانند در شرایط صلح و همزیستی مسالمت آمیز باهم زندگی کنند. اما از سوی دیگر پیمان‌های سیاسی و نظامی که از طرف کشورهای امپریالیستی بهمان آمده و آخرین بقایای تاریخ زده جنگ سرد که یگانه امید کشورهای امپریالیستی میباشد درین زمینه موانع ایجاد میکند تا از سقوط استراتژی امپریالیسم که محکوم

به زوال است مدتی چند جلوگیری کند. در میان این بلوک‌های نظامی و سیاسی پیمان تجاوزگر اتلانتیک شمالی (ناتو) جای بس مهم و عمده را اختیار نموده است زیرا درین پیمان پانزده کشور سرمایه داری باهم پیمان بسته و عضو آن میباشند. نفوس کشورهای عضو در حدود ۵۲ میلیون نفر و مساحت آنها بصورت جمعی ۲۲ میلیون کیلومتر مربع میباشد.

معاهده تأسیس پیمان ناتو در چهارم اپریل سال ۱۹۴۹ در واشنگتن به اشتراك نماینده گان ۱۲ کشور سرمایه داری به امضا رسید و اشتراك کنندگان مؤسس عبارت بودند از اضلاع متحده امریکا، انگلستان، فرانسه، کانادا، ایتالیا، بلجیم، نیدرلند، لوکسمبرگ، پرتگال، دنمارک، ناروی، آیسلند. در سال ۱۹۵۲ ترکیه و یونان در سال ۱۹۵۵ آلمان غرب به این پیمان کشا زیده شدند. ولی با درک ماهیت و مصارف هنگفت نظامی و خصالت تجاوز کارانه (بی‌موجبی) این پیمان فرانسه در سال ۱۹۶۶ و یونان در سال ۱۹۷۴ همکاری نظامی خویش را با این پیمان قطع نمودند. باید تذکر داد که ایجاد چنین پیمان‌های

نظامی و سیاسی یک بنیه قوی نظامی و سیاسی را ایجاد میکند، و کشورهای های شامل پیمان تقریباً ۳/۲ تمام تولیدات صنعتی کشورهای سرمایه داری جهان را به عهده دارند یا به عبارتی دیگر قسمت اعظم ذخایر مادی کره زمین در دست کشورهای عضو پیمان ناتو میباشد.

در ساحت مسئولیت ناتو علاوه از خاک ممالک عضو یک قسمت زیاد از ساحت بحار، بحیره ها، جزایر و دیگر کشورهای خورد و بزرگ از قبیل مالنا، قبرس را منجیح پایگا، نظامی در اختیار دارد.

از زمان بمیان آمدن این پیمان تاکنون بودجه مصارف نظامی آن متجاوز از ۲/۵ تریلیون دلار رسیده و تنها در سال ۱۹۷۹ کشورهای عضو بخاطر دامن زدن جنگ و مسابقات تسلیحاتی دوصد میلیارد دلار سرمایه گذاری نموده بودند که تنها امریکا یکصد و چهل و پنج میلیارد دلار مهم داشت.

در شرایط فعلی در چوکات دستگاه اداری پیمان در حدود ۱۴۰ مؤسسه و ارگانها جهت طرح و تولید سلاحهای مختلف النوع فعالیت

میکنند. عالی ترین مقام رهبری کننده پیمان ناتو شورای ناتو میباشد که وزرای خارجه کشورهای بنیان گذار ناتو عضو آن بوده و سال دو مرتبه در قرارگاه پیمان ناتو در بروسل جلسه دایر میکنند. در ارگانهای اداری نظامی پیمان ناتو حای خیلی حساس و مهم بدوش کمیته نظامی بوده که راجع بمسائل سلاهای اتومی بحث و مذاکره میکنند که درین کمیته یازده وزیر دفاع کشورهای عضو بدون ازوزرای دفاع فرانسه، اوکراین، ایسلند، یونان مشترک دارند.

نیروهای مسلح پیمان ناتو، با سلاح مدرن و پیشرفته ساخت ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان غرب مجهز بوده تعداد پرسونل نظامی ناتو اضافه تر از د میلیون نفر میباشد که اضافه از نصف آن نیروی قوای مسلح امریکا تشکیل میدهد. پرسونل نظامی ایالات متحده امریکا بر علاوه سلاحهای مدرن سلاهای اتومی نیز در اختیار دارد که از جمله دو نوع راکت اتومی ستراتژیکی و تکتیکی را میتوان مثل داد

۱- راکت ستراتژیکی (نیگان - ۲) که مقدار انرژی مواد انفلاقبه آن به ۱۰-۱۸ میگاتن میرسد.

۲- راکت تکتیکی (پرشنگ) که مقدار انرژی مواد انفلاقبه آن به در ۱۰ میگاتن میرسد در قسمت پرورش سیاسی و نظامی منسوبین پیمان ناتو باید گفت که آنها از نقطه نظر ایدئولوژیکی بروحیه براه انداختن جنگ های غیر عادلانه و تجاوزگر علیه دیگر کشورهای پرورش و تجهیز می یابند و آنها طوری آماده میگرددند که به مجردیکه جنبش های کارگری و مترقی در کشورهای عضو پیمان پدید آید بیرحمانه آنها را سرکوب

و خفه سازند. زیرا بعین آمدن جنبش های کارگری و بحران های پی در پی در خود سیستم سرمایه داری که سبب تشدید مبارزات طبقاتی درین کشورها میگردد حتی در نیروهای مسلح آن ها تأثیر بجا میگذارد و برای کشورهای امپریالیستی ارزش حیاتی کسب کرده است. زیرا وقیع اخیر پرتگال یعنی گونی رژیم دیکتاتوری سلازار عامل عمده و آشکار است در جهت مرزبندی پروسه مبارزه طبقاتی در میان نیروهای نظامی کشورهای شامل پیمان. ولی امپریالیست ها به این وضع هیچگاه سازگار نبوده و نخواهد بود. طرق و شیوه های بخصوص را بخاطر فشار و تهدید ایدئولوژیکی و روحی بر علیه منسوبین نظامی پیمان پی ریزی مینمایند. و با بکار بردن فشار و تهدید ترور و تعقیب و استفاده از سپاهین خشک آنها را طوری پرورش و تربیه مینمایند که روش خصمانه علیه اتحادیه روی سوسیالیزم و کمونیزم داشته باشند

در محتویات کار ایدئولوژیکی در میان منسوبین نظامی پیمان نا تو طرح های سیاسی ذیل بیان گردیده است :

— جنگ جهانی سوم حتمی ناگزیر است. سربازان کشته، مایه عضو هر چه بهتر احضارات و آماده گی نظامی داشته باشند.

در دوران جنگ جهانی جدید سلاح اتومی، سلاح ضربتی و کوبنده بوده و استعمال آن حتمی میباشد. سربازان باید بروحیه جنگ اتومی احضارات داشته باشند.

— دشمن عمده پیمان ناتو و کشورهای عضو آن اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان و ارسا بوده و سربازان طوری

تحت پرورش قرار گیرند که نفرت عمیق در برابر ایدئوسوسیالیزم و کمونیزم داشته باشند.

— در صورت احساس نا آرامی در میان مردم کشورهای عضو و براه انداختن جنگ های محلی سربازان آماده آن باشند تا هر لحظه و در هر جای که باشد آنها را حشی و خفه سازند.

از لابلای این تیزسعی پیمان ناتو دروغ بافی و تبلیغات آنها بخوبی راجح میشود که در عقب این سیاست چه خطراتی برای جهان بشریت نهفته است. زیرا اگر کسی مامیت و

خصیلت استثنائی کشورهای امپریالیستی را درک کرده باشد یتیناً می فهمد که کدام ممالک امروز در جهان طرفدار مسابقات تسلیحاتی و دامن زدن جنگ و کدام ممالک طرفدار رفع تشنج در سیاست جهان میباشد.

مسئله که کشورهای امپریالیستی مسئول این همه تشنجات در کره زمین هستند. اما منسوبین نظامی خاصاً سربازان پیمان ناتو این وضع را نمی فهمند و نمی توانند درک کنند زیرا آنها در شرایط دشوار و در یک چو کات محدود سیاسی و در یک فقر ایدئولوژیکی توسط آمرین و قوماندانان شان طوری تنظیم و پرورش مییابند تا هر لحظه آماده بوده و به بهانه دفاع از منافع طبقاتی شان و خطر کمونیزم فریب خورده روانه جنگ شوند. و به آنها طوری تلقین میشود که گویا آنها مدافع صدیق و سرسخت دموکراسی و نجات تمدن غرب از جمله اتحاد شوروی هستند.

کشورهای عضو پیمان ناتو تدابیر شدید و جدی را در مقابل نفوذ ایدئولوژی مترقی خاصاً تیموری مارکسیستی، لنینیستی و پیشرفت های اتحاد شوروی بخاطر ساختمان جامعه

کمونستی و سیاست صلحجو یا نه آن  
اتخاذ کرده و با توسل به دروغ  
پراگنی، تحریف حقایق سنسورین  
نظامی ناتو را طوری تزیین و تجهیز  
مینمایند که روش خصمانه علیه  
کشورهای مترقی داشته باشند.

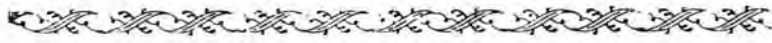
امپریالیست ها با اتخاذ این  
چنین سیاست های ضد مردمی و ضد  
ایده کونستی پرسونل نظامی  
خویش را از پرابلم عا و بیچاره  
از قبیل پرابلم بیکاری، شدت استعمار  
ز ستمکشان، جنایات و فسق و فساد

که بان دست و گریبان میباشند بدور  
نگهدارند. چنانچه شدت بخشیدن  
وروش خصمانه کشور های عضو  
پیمان ناتو در برابر ایجاد شوروی  
از خصمت و ماهیت خود سیستم  
تجاوزگر امپریالیستی منشا میگردد.

دوسله وال پوځ د بوی قطعی د سر بازانو پهلې دلگې کله چی غواری نظمی عملیات زده کړی.



# فاشیسم در چهره نوین



در طول مهالیان اخیر فاشیسم با دسته بندی های نوین و چهره نقاب کشیده در تپش و تلاطم عجیبی برای ایجاد پایگاه کوبیده شده خویشی سر برافراشته و با صراحت، در برابر نهضت مترقی، صلح و انسان دوستی صف آرایی میکند. به منظور آشنائی با آن سازماندهی بشری و افشاء صورت بندی های کثیف آن مضمون آئی را ترجمه و امید است اطلاعات متن مضمون در شناساندن ماهیت نیوفاشیسم و سیاست پیشروانه آن طرف علاقمندی خواننده گان ارجمند قرار گیرد.

( مترجم )

سی و پنج سال قبل آخرین غریبانه جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) با شکست فاشیسم خاموشی گرفت. مردم زحمتکش جهان بقایای ویرانی های را که بوسیله فاشیسم المان هیتلری و ملیتار یزم جاپان ایجاد شده بود با کار و بیکار طولانی از چهره کرده خاکسپاری و بیدند ولی خاطره انسانی که جاوشیرین شادتر ادر خدیت یا فاشیسم یا این عامل فلاکت و بی سرو سامانی از دست داده اند تا بنگ و جاویدان خواهد بود. تداعی خاطرات جنگ به هر انسان با احساس و به هراجماع با درك قدرت و حوصله مندی اینرا میبخشد تا با تمام نیرو از وقوع جنگ جهانی دیگر جلوگیری بعمل آورد.

ثقلت درگیری چنین حرب مدمش همین اکنون بردوش جهانیان محسوس است یگانه مرجع جنگ طلبی و مدد کننده جنگ را حلقه های ارتجاعی امپریالیستی که احزان بزرگ اقتصادی و سیاسی ایشان را یکبار دیگر بصوب فاشیسم میکشاند، تشکیل میدهد. بر طبق گزارش مطبوعات غرب همین اکنون بطور تقریبی در ایالات متحده امریکا (۱۰۰) - در جمهوری فدرالی المان اضافه از (۱۵۰) - در اسپانیا در حدود (۱۰۰) - در فرانسه (۳۰) و در انگلستان اضافه از (۱۰) سازمان های فاشیستی، نیوفاشیستی و فاشیسم افراطی مصروف فعالیت اند. این دسته بندی ها به حیث آله دست سیستم سرمایه داری انحصاری در جهت سرکوب نهضت های دموکراتیک ملی و جنبش های آزاد پیش مای مردم جهان فعالیت نموده و برای حفظ

مناخع اروپایان خویش و ادامه بهره کشی، ظلم و استعمار در تقلا و کوشش اند. امپریالیسم بر طبق خصلت از سده ده خود آرزو مند آنست تا با تزئید نقش فاشیسم در وجود ارتجاع محلی قدرت بدست گرفته و با سرکوبی نیروهای مترقی، توازن قوا را به نفع خویش تغییر بدهد. رهبران نو ظهور فاشیسم در شرایط معاصر حتی از اینکه قوای خویش را متمرکز ساخته و منتظر فرصت اند نیز انکار نکرده و نمیکنند. چنانچه روزنامه (اپوک) چاپ ایتالیا پرده از مصوبات مخفی جلسه هزار نفری نما بند گان سازمان های فاشیستی کشورهای سرمایه داری اروپائی در روشن برداشته و میتوبسد: در گردهم آئی مذکور فیصله گردید تا قوت های فاشیسم در شرایط موجوده به فعالیت های کوچک اکتفا و آنگاه به تعرض بگذرند که با اصطلاح دیگ اروپائی جوشیدن آغاز کند.

حالا باید پرسید در این فعالیت های کوچک چه مفهومی مضمون است؟ اجتماع نیو فاشیست ها در جمهوری فدرالی المان به تضاد و همگانی چیزی جز حرکت تروریستی در ایتالیا، تحمیل فشار بر دموکرات های پرتگال، فرانسه، بلجیم و تشدید تبعیض به نفع کمپنی های انحصارات و بر ضد جنبش کمونیستی، نیروهای مترقی، اتحادیه های کارگری ممالک کاپیتالیستی چیزی بارمغان نمی آورد.

ما مشاهده میکنیم که تحت حمایت سرمایه و آشکار ممالک بزرگ امپریالیستی رژیم های خونخوار ضد ملی



در چای، پاراگوای و چندین کشور دیگر سلطنت میکنند. این فعالیت‌ها بیشتر از همه در مورد آن کشورها صائب است که بهران سیستم سرمایه داری در آنها شدید گردیده و تضادهای حاد اجتماعی مردم را به فعالیت‌های انقلابی میکشاند.

مهمترین انتقادات کار و نقطه اتکا فاشیسم نوین در این است تا با پخش ایدئولوژی زهرناک فاشیستی افکار سیاسی قشر جوان را به منظور جذب در صفوف خویش مسموم ساخته و از ایشان به حیث متجاوزین آینده استفاده بدارد. روی این اصل مطبوعات فاشیستی جهان بازار کذب و نشرات مورد نظر را در تمام کشورهای سرمایه داری گشوده و کوشش بعمل می‌آورد تا نظرات و اندیشه‌های فاسد فاشیسم هیتلری را شکل قانونی بخشیده آنرا برای موفقیت‌های نسل آینده قابل استفاده و در خور کار، قلمداد بدارد. فاشیسم نوین در تلاش است تا مفکوره خویش را در چوکات شرایط موجوده گیتی، طوری توضیح نماید که ماهیت ارتجاعی آن در چوکات لفاقه مخفی باقی ماند، ولی واقعیت‌ها برده از چهره وی برداشته و آشکار میگردد آنکه نصب العین و خواسته‌های فاشیسم تابع همان انگیزه‌های قبلی است. یعنی هرگاه فاشیسم به هر لباس و چهره بی ظاهر

گردد در تحلیل نهائی همان بقایای فاشیسم دوره حرب جهانی دوم بوده، چه آن و چه این در ماهیت امر زاده امپریالیسم و بقول رهبر پرولناریای جهان از نظر خصایص در تمام جوانب متعادل به ارتجاع میباشد.

اساسی‌ترین سمت و مهم‌ترین نقطه عطف توجه فاشیسم را خصوصیت با کمونیسم تشکیل میدهد. تاریخ جهان معاصر این حقیقت را که شعار فاشیسم یا شعار برخورد قطعی علیه کمونیسم به منظور سرنگونی تمام نهضت‌های مترقی و نصب رژیم‌های دیکتاتوری و ضد دموکراسی بوده است ثابت مینماید امپریالیسم بین‌المللی در فعالیت‌های ضد کمونیستی مانند گذشته‌ها به مقتضای سیاست طبقاتی خویش مبارزه نادرست و غیر انسانی را بر ضد منافع ریشه‌ئی تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان بر می‌انگیزد.

عامل عمده و اساسی که فاشیسم در زمان ما از آن نیرو میگردد عبارت از سیاست امپریالیسم امریکا و یاران پیمان اتلانتیک شمالی آن میباشد. امریکا شرایط نهایت مساعدی را مخصوصاً برای رشد و تکامل فاشیسم در ایالات متحده امریکا و کشورهای فاشیست به امریکا و جهان سرمایه داری فراهم می‌آورد. به منظور تأمین و برآوردن آرزوهای دیرین استعماری



ستر و اخفای مکمل تانک قبل از اجرای فعالیت مجار بوی.



انحصارات غول بیکر، ایالات متحده امریکه در صدد آن است تا در کشورهای مختلفه جهان رژیم های پوشائی ودیت نشاندند را برار بکند قدرت استوار ساخته و بدینوسیله از یکطرف بصورت موثر در برابر انقلاب، جهش های انقلابی و یا هر شکل دیگر ضدیت با سرمایه داری مبارزه کرده و از جانب دیگر مصارف هنگفت نظامی را فراهم و شرایط سهل اقتصادی و بازاریابی را برای انحصارات استعماری تداوم نماید. از این جهت که خصصت تجاوز و تجاوزگرانه ارتجاعی و ماجراجویانه امپریالیزم امریکه را معتبران امر تصادفی پنداشت، مسؤولیت همه جانبه بدات با کمونیزم، تشویق تبعیض نژادی، قدرت نمائی های نظامی به نفع فاشیزم بصورت مشخص بردوش رهبران دولت امریکه تکیه مینماید.

تاریخ شاهد این مدعا است که هر گاه بنیادها و عوامل تأمین برتری و باداری سیستم بورژوازی امپریالیستی در اجتماع روبرو به ضعف نهاده است. اویش از همه بدف ستر بن نظام های ارتجاعی، ضد مردمی و فاشیستی روی آورده و بدان اتکا نمود دست و آن گاه بیکه فاشیزم با تمام قدرت به سلطه وادانته شده است. امپریالیزم این شکست را بزرگم شانه بد دیده اغماض نگریسته است. این عمل به نضات تمام کیو و های مترقی یسند در برابر تحولات اجتماعی جهان دلیل قدرت نه بلکه شانه ضعف و بی سوسامانی است.

نو فاشیزم در ارتباط و پیوست عمیق با ملت فاشیزم قرار داشته و یکی مدد دیگر است طوریکه در زمان فاشیزم هیترلی ایدولوژی تجاوز و وصف جنگ های خونین را در ملت آلمان به منظور اسیر ساختن مردمان دیگر، و به آرزوی تأمین قدرت نفوق تحت شعار بر آوازه «نژاد اصیل جرمن» تزیق میکردند، امروز نیز چنین ایده های با اصطلاح ارزشمند، توأم با روحیه تجاوز در مغز های سازنده پنتاگون و سایر حلقه های نظامیگر نانو طرح و تبلیغ میگردد. سازمان های نازیسم در ایالات متحده امریکه در حال حاضر با اساس دکتورین عملی نظامی خویش طرح جوپولیتیک را احضار میدارند که جهان پهناور را زیر اداره گرفته و بقول خود شان تمدن بشری را از خطر نابودی و «فشار کمونیزم» برهانند. فاشیست های کشورهای امریکای لاتین نیز به نوبه خویش بر مبنای این تئوری عملی جیو پولیتیک مداحی آغاز نموده اند که پنوچت را میتوان نویسنده و طراح یک اثر و یا برو شور بر جسته جیو پولیتیک نامید. حلقه های فاشیستی آلمان غرب در صدد تحلیل نتایج حرب جهانی دوم و انحلال دولت جمهوری دموکراتیک آلمان اند. فاشیزم در انگلستان با استفاده از شعارهای تبعیضی

برای تسریع پروسه مساویات تسلیحاتی و تأمین نفوق ناتو به منظور تحکیم مواضع امپریالیزم تلاش دارد. از یکسکه با عوامل فوق فاشیزم و با مطبوعات پروپاگاندی غربی مستقیماً و رسماً نمی توانند داخل میدان معرکه گردند، مگر ره تا درست «خطر تهدید نظامی شوروی» را رو یوش فجاج خویشن ساخته و با اصطلاح در پی حفظ تمدن اروپائی غربی پسای برهنه کرده اند که این بزبان خود شان موجب نا آرامی و جنگ علیه اتحاد شوروی و معالک کمپسوسیالیستی و تمام جنبش های آزادی بخش ملی است.

فاشیزم با فعالیت های تروریستی خویش دشمن شماره یک رف تشنجات بین المللی بوده و با بخش اقوا هت بی اساس ضد شوروی، شرایط مساعد انکشاف مساویات تسلیحاتی و اساسی مادی و معنوی احضارات ماجراجویانه نظامی امپریالیستی را مهیای سازد.

سازمان های فاشیستی عده های اساسی اند که ارگان های کشف امپریالیستی از صفر آنها در سر کوبی جنبش های آزادی بخش ملی و تحکیم سلطه استعماری و حفظ زعمای دست نشاند در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین استفاده میدارد.

در ساحه سیاست داخلی، ایدولوژی فاشیستی از تئوری باصلاح «جهت داخلی» در کشورهای امپریالیستی صحنه مینماید که در حقیقت هدف آن بر خوردن ظالمانه و ستایله سر سخت در برابر نهضت و ترقی است بطور مثال اسپینوز و اندگروال اردوی چان با اتکاء به تئوری فوق ادعا میکنند که صرف بدین سوال «میتوان آرامش و صلح اجتماعی را تأمین کرد».

صفت برجسته نظام های فاشیستی در یک سلسله تدابیر که در ساختن استات اتخا ذ میگردد تبارز مینماید؛ فاشیزم در قدم اول به تغییر و رد کنی تمام موارد تطبیق قانون اساسی اقدام وند تنها در ظاهر بلکه رسماً به تحریم سیستم پارلمانی و انتخاباتی دولت که حتی از اساسات دموکراسی بورژوازی، حقوق و آزادی های نسبی اهالی منشاء گرفته باشد می برد ازد. فعالیت احزاب سیاسی را شدیداً محدود و یا متوقف می سازد. بجای دموکراسی بورژوازی رژیم نظامی و یا مختلط نظامی - ملکی بوجود آورده سیستم پارلمانی را ملغاً، آزادی مطبوعات، را سلب، و ارگانهای انتخابی اداره مجلی را از بین میبرد تمام قدرت سیاسی در حیطه صلاحیت رهبران طبقه استشار گر و قوای مسلح که در حقیقت قوه خود اراده و دستبندی پیش نیست، تمرکز می یابد.

باساس تیموری و نقش عملی فاشیسم چلی، دموکراسی کهنه بورژوازی که بگفته آنها نمیتوان جوا بگویی مبارزات طبقاتی مردم آو کشور باشد باید به دموکراسی نوین مبدل گردد. در اساس این دموکراسی طبقی ادعای تیموریسن های فاشیستی بر نسبی اتوریته دولتی جای داده شده که در اصل به اطاعت کورکورانه و تا بعیت بدون قید و شرط مردم از تمام تصمیم رهبری اقلیت می انجامد.

در سر مقاله نشریه رسمی چلی بنام «مرکوریو» کلماتی چند از قول (برادی) وزیر دفاع آن کشور چنین نقش شده است «اردوستان استواری است که بران تمام ارزشمندی های ملت بناء نهاده شده و عموم موسسات دولت بدور آن انکشاف میابد» اینک روح مطلب در «تیب جدید دموکراسی» که فاشیسم روی آن با تمام اندیشه اتکاء میکند. لذا کسب قدرت بوسیله فاشیسم را میتوان به تاسیس حکومت مطلقه در جنگال متجاوز - ترین و ارتجاعی ترین عناصر شوونیسم و دست نشاندگی سیستم سرمایه داری تعبیر کرد.

بزرگترین طرز تحکیم قدرت دولتی در حیطه حکمفرمایی فاشیسم همانا خون ریزی و ترور نامحدود مردم است. فاشیسم به منظور حفاظه نیروی اهریمنی خویش از بیرحمانه ترین و با تشدد ترین میبود های تحت فشار گرفتن نهضت استفاده نموده و برآن نورم های معین تثبیت میدارد. کشتار و قساوت جزء سیاست قدرت دولتی ترار داده شده و در دستگاه دولت سازمان های کنترل و تعقیب ایدئولوژی بوجود آورده میشود، مثال زنده این ادعا اصطلاح طنزآمیز «شکار و بدام اندازی زنان شیر» است که امروز در دستگاه های جاسوسی چلی به منظور توقیف زحمتکشان و روشنفکران در یک مقیاس نهایت بزرگ طرف استفاده قرار دارد. در عصر فاشیسم مطالعه کتب، مجلات، جراید، روزنامه ها سایر نشرات، شنیدن ریکاردها و غیره که به محتوای نظم میان تهمی دولت تطابق نکند منع میگردد.

در ساحه اقتصاد اجتماعی فاشیسم سیاست حفظ انکشاف ساختمان جامعه بورژوازی را به پیش میگردد که وصف عمده این سیاست را رد تمام انواع کمک و ارائه جواب به خواسته های طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بوده تشکیل میدهد. فاشیسم فاصله بزرگ میان فقیر و غنی و میان الیگارشی و اکثریت عظیم توده ها ایجاد کرد. و بدینوسیله بر شدت پرابلم های اجتماعی می افزاید. مثال برجسته این حقیقت تراژیدی غم انگیز بی سرو سامانی زحمتکشان چلی است که بزعم رهبران خونخوار آن دیار باعث استحکام دولت و تحکیم قدرت

شده است. تراژیدی مذکور نتیجه حکومت دیکتاتوری پینوچت است که طی آن عاید سرانه مردم بشکل قابل ملاحظه پائین افتیده و بی کاری بر دوش اضافه از بیست فیصد ساکنین آن کشور جبراً تحمیل گردیده است.

فاشیسم از نگاه مجبوییت اجتماعی در مضیقته است زیرا صرف قوای مسلح، اشرافیت بورژوازی و نفرین شده گان سایر طبقات اجتماعی محور و ستون فقرات آنرا متشکل میسازد. فاشیسم برای جلب توده ها اگر چه نهایت کوچک هم باشد از تیموری دماغوژی و سیاست فریب مردم استفاده میکند. رهبران فاشیسم بین المللی دوست دارند همیشه کلماتی چون «آیة های انسان دوستی» «آزادی فرد» «حقوق بشر» و غیره را بر زبان بیاورند. آنها صرف به کشتار انسان اکتفاء نه ورزیده بلکه این خصلت خون آشامی را با صحبت های گرم در باره منافع توده ها، ملت، دموکراسی و غیره مخفی نموده و آتش ناسیونالیسم و نژاد پرستی را دامن میزنند. ایشان در تلاش اند تا با عناوین پر زرق و برق حزب فاشیستی خویش و یا سایر سازمان های مربوطه آن را با خواسته های مردم مطابق جنوه دهند یعنی مثلاً بگویند «..... ملی» «حزب سوسیالیست ملی امریکا» «حزب سوسیالیستی ملی کارگران سفید پوست» «جبهه ملی» و چون این صدها نام بی سیمی دیگر. فاشیسم از موضع ناسیونالیسم و نژاد پرستی به فعالیت آغاز نموده و توده های زحمتکشان را پراگنده و از مبارزه طبقاتی بدور نگه میدارد و میخواهد بدینوسیله آنها نیرا که به کرسی قدرت تسکین زده اند به سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» هر چه بیشتر نزدیک سازد.

در کشور های وابسته به معالک امپریالیستی جهان، نهادن مهر ناسیونالیستی فاشیستی بر صفحه سیاست منظوری جز ستر فعالیت های خصما نه نسبت به اقوام مختلفه پنهان نمودن بهره کشی سرمایه گذاری های خارجی در آن کشور چیز دیگری نمیتواند داشته باشد.

این یک حقیقت است که فاشیسم برای حصول اهداف خویش باید با عدم رضایت مردم مقابل شود. اما او با نیرنگ خاصی در برابر این موج اعتراض در صدد است تا بهر وسیله ممکنه اسباب راحت و امنیت امپریالیسم را فراهم آورد. مثلاً بعوض اینکه خرابی وضع زندگی زحمتکشان را به عدم استواری پایه های حکومت دول امپریالیستی تعبیر نماید استدلال میدارد که عقب نشینی در برابر خواسته های اتحادیه های کارگری خطر کمونیسم را تشدید میکند و آنها نمیتوانند به تظا هرات کارگری که بنیاد دولت راست و عامل بی نظمی میشود

نهایت خطرناک، ولی اینرا نیز نباید از نظر دور داشت که نیوفاشیزم به تنهایی در دایره قدرت قرار گرفته نتوانسته بلکه این کمک، تخریک و تلاش آن جناحین ذی‌بفیع است که فاشیزم را در حالت آماده باش نگه‌میدارند.

مبارزه با فاشیزم را باید به حث جزو مهم از مبارزه بی‌امان علیه امپریالیزم جهانی به پیش برد. این اصل یعنی پرنسیپ مبارزه منظم برضدامپریالیزم و فاشیزم بیشتر در سیاست صلحجویانه کشورهای سوسیالیستی به شکل ایجاد فضای نامساعد در برابر رژیم‌های فاشیستی مشهود است. با آنهم باید گفت که از بین بردن خطر انفجار فاشیزم و ناپودی آن بیش از همه به اتحاد آگاهانه، هوشیاری انقلابی طبقه کارگر و توانائی آن در جلب و بسیج کلیه نیروهای دموکراتیک و مترقی جوامع بشری مربوط می‌باشد. زیرا در شرایط موجوده مبارزه برضد فاشیزم وظیفه و قریضه اساسی تمام نیروهای انقلابی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک جهان را تشکیل می‌دهد.

اجازه دهند. فاشیست‌ها می‌گویند بما موقع بد هید تا با «دستان قوی» خویش اوضاع را بحال عادی برگردانیده و سرمایه‌داری را از بحران نجات بخشیم.

هر جائیکه فاشیزم حکمرانی دارد این دلایل گمراه کننده و عوام فریبانه را با گرمی تبلیغ می‌نمایند که گویا دولت ملی و رژیم بر سر اقتدار در ماورای طبقات قرار دارد. رهبران فاشیستی چلی کوشش دارند تا ثابت کنند که «مبارزه طبقاتی نتیجه نفوذ و رسوخ کلتوری خارجی در کشور است» و رسماً اعلان میدارند که هر نوع تلاش در جهت مبارزه طبقاتی بهر مضمونیکه باشد غیر قانونی است.

ترورها، گستاخی‌ها، و سایر اعمال ناشایسته که بوسیله نیروهای فاشیستی صورت می‌گیرد عده از کشورها را بر آن وامیدارد تا توجه جدی در مورد قوای مربوطه می‌ذول دارند. از این چنین برمی‌آید که فاشیزم عامل اساسی و واقعی رسا نیدن ضرر به جامعه انسانی است. اهمال در قیمت گذاری اعمال فاشیزم امری است



# خانواده

و

# روش

# زندگی

نوشته: ثریا (فرمند)

در جامعه زنان نقش مهمتری را ایفا نموده و هم رول بسزا و پیش قدم را ادعا مینمایند.

همچنان زنانیکه دارای احساس نیک هستند و مسایل زندگی را برای خود مهم می پندارند هیچگاه به مسایل زندگی خود دلولو که این مسایل جزوی و ناچیز باشد کم اهمیت فدا داده و از آن گذشت بی مورد نه کنند، زیرا کوچکترین عمل بی اعتنائی یک خانم در مسایل تربیتی، آیه شده طفل او را به خطر می اندازد. علاوه بر این مسایل خانوادگی باید یک خانم اقتصاد فامیل خویش را نیز در نظر داشته باشد. چه اگر یک خانم اقتصاد خانواده خویش را بی اهمیت تلقی نماید مثلاً اضافه خرجی کرده و یا اشیاء ولوازمی که مورد ضرورت خانه نباشد خریداری کند بالاخره این بی اعتنائی ها در اقتصاد روزمره زندگی لطمه بزرگی

چنان ساختمان یا تشکیلات است که در آن مناسبات اقتصادی روانی و اخلاقی به هم پیوسته است، اگر ما در یک خانواده با فامیل نظراً اندازهیم میبینیم که در یک فامیل مسایل بسیار وجود دارد و به اهمیت کار یک خانم در فامیل می افزاید مثلاً طرز حرکت یک خانم در یک خانواده نه تنها در انسجام امور منزل اثر مثبت یا منفی دارد، بلکه دارای اهمیت و اثر تربیوی نیز میباشد.

اگر یک خانم در یکی از خانواده ها مسوولیت های را که متوجه اوست سهواً اجرا نکند یا کدام علل موجب اجرا نشدن آن شود، نه تنها بخود و خانواده خود لطمه وارد کرده بلکه دو برابر جامعه خویش نیز گناه بزرگی را مرتکب شده است.

البته این گناه بزرگ زیادتر متوجه آن خانمهای است که از نعمت سواد و دانش بهره مند باشند چه ایشان

اگر خانواده ها به روش زندگی خود ملفت شده و غور عمیق نمایند، خواهند پنداشت که زندگی عصر کنونی با مفاهیم عمیق مساوات بین زن و مرد، جامعه و خانواده خود، خواهان تشریک مساعی و همکاری همه جانبه زن و مرد می باشد و آنها نیکه البته خانواده را تشکیل میدهند باروشن بینی واقعات روزمره زندگی چنان باهم رفیق، همکار و هم نو باشند تا تمام مشکلات و خستگی های کار و فعالیت در اداره، منزل و اجتماع را در چار دیوار منزل به لطف و صمیمیت حل نمایند و بالبخندی و سرور باهم مقابل شوند. البته شخصیکه علاقمند داشتن زندگی خوب در فامیل خویش میباشد، باید از همکاری نیک، گذشت، صمیمیت، تفاهم حسن نظر و بقیه خواص پسندیده برخوردار باشد.

پرواضح است که خانواده آن

## وجیزه ها

- \* هیچگاه در زندگی محبتی عمیق تر، بی پیرایه تر و واقعی تر از محبت مادر نمیتوانید بیابید .
- \* آن فرماندهی که سپاه خود را به جلو یا عقب میراند ، آن قاضی که در محکمه نشسته است ، آن نویسنده که با قلم سحر آمیز خود جادو میکند ، ساخته دست زن است .
- \* ترقی جامعه بسته به ترقی فکر ، اخلاق و روحیه مادر است .
- \* تنها زنی که آزار نمی رساند مادر است .
- \* عشق حقیقی ، عشقی که در بند حسن و جمال نیست ، عشقی که با فرا رسیدن پیری و زوال زیبایی منتهی نمی شود عشق مادر به فرزند است .
- \* هر کس تاج افتخار مادر شدن را در یافت دارد ، به بزرگترین سعادت زندگی نایل آمده است .

دوران بلوغ با افراد و اشخاص گوناگون سروکار دارند و میتوانند که مسایل و بعضی مشکلات زندگی خویش را نظر به سابق زود حل نمایند در نتیجه زود تر از خانواده و والدین خویش جدا میشوند و خود شخصاً بزندگی نو اقدام میکنند و از تحت تأثیر والدین دوری می گذارند یعنی خشت بنائی اولیه حیات اجتماعی را تشکیل میدهند .

حال و قتیکه فرزندان از والدین خویش جدا میشوند و ولتر از همه با بد هم نشین و هم صحبت خوب را برای خویش انتخاب کنند . زیرا هم نشین و همراز انسان اگر خوب باشد بالای کرکتر و شخصیت وی تأثیر و نفوذ مستقیم دارد

هر دو مسئولیت مشترک در خانواده خویش دارند مخصوصاً در تربیت فرزند آن خویش اما باید واضح ساخت که نظر به تحول عصر ، وضع خانواده ها از جهات مختلف تغییر پذیر است . زیرا در سابق این وظیفه تربیتی صرف به عهده خانواده ها بود در حالیکه امروز این امر به عهده کودک گسترانها واگذار شده است و هم باید متذکر شد که در اجتماعاتیکه علوم و تکنالوژی سبک زندگی خانواده را تغییر داده و فرصت آموزش حرفه های مختلف را برای دختران و پسران بوجود آورده است ، ارتباط اقتصادی فرزندان به والدین کمتر احساس میشود ، چون که در گذشته فرزندان بیشتر تحت تأثیر والدین قرار داشتند اما بعلمت اینکه فرزندان عصر امروز چه در دوران کودکی و چه در

وارد میکنند . همچنان یک خانم باید به تمام مسئولیت های منزل و خارج از منزل گرچه مسئولیت آن جزئی باشد باید به نظر اهمیت بنگرد و هرگز جزئیات را بیاد فراموشی نسپارد . زیرا مجموعه بی جزئیات است که کلیات را میسازد . هنر و مهارت یک فرد در جزئیات مهمتر است زیرا همین جزئیات است که فرد را در برابر مسئولیت های خانوادگی مؤفق میسازد . از این جاست که زن باید در برابر فامیل و خانواده خویش احساس مسئولیت نماید و به مسئولیت های خود عاقلانه و به پیشانی بازم عمل کند این موضوع خیلی ها پراهمیت وارزنده است . البته این مسوولیت ها را به قدم اول باشوهر و بعداً با تمام اعضای فامیل اجرا نماید . زیرا اگر این مسوولیت ها به همکاری پدر و دیگر اعضای فامیل برآورده شود نتیجه خوب تر خواهد داد .

بناب سبک زندگی یک خانواده ایجاب میکند که همه اعضای فامیل به همکاری ، برده باری و صمیمیت تمام مسئولیت های خانواده را درک و به رفع آن اقدام نمایند . یک خانم فامیل علاوه بر مسئولیت منزل مسوولیت های مهمتر وارزنده تری در برابر اجتماع مردم و وطن خویش نیز دارا میباشد . بدین ملحوظ باید تمام اعضای یک خانواده « اعم از مادر پدر » ، فرزندان و سایر وابستگان در امور منزل و خارج از منزل دوشادوش یکدیگر مساعدت نمایند . اینجاست که ایشان در تمام مسایل مربوط به خانواده و خارج از آن خود را مؤفق می بینند و رسالت بزرگ خانوادگی را که عبارت از حفظ صمیمیت فامیل است پیروز مندانه انجام داده و کانون گرم خانواده را همیشه شاد نگه میدارند . گرچه پیشتر ذکر گردید که زنان مردان

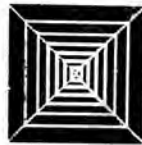
یا به عبارت دیگر تأثیر محیط اجتماعی و فامیلی در فرزندان یک خانواده از بحث اساس علمای اخلاق و تربیت بشمار میرود. همچنان انسان ها آنچیزی را که از اجتماع می آموزند و آن چیزی را که در عمل بچشم سر می بینند همه منشأ و اساس خانواده و اجتماع است که کسب نموده اند.

فلهذا برخانواده ها لازم است که تاروابط نیک و روشن زندگی نیکو و پسندیده را رعایت کرده صمیمیت و فضای پاک فامیل خویش را در نظر بگیرند.

وقتی در اداره و یا محل دیگری از وظایف کار شخص صحبت میشود اولتر از همه از شخصیت و کبرکتری

صحبت بعمل می آید اکثر تأکید روی تربیت فامیلی اش میشود و این نما یا نگر آنست تر بیه خانوادگی تا جائیکه شخصیت انسا نسها را میسازد، حال برای اینکه بتوانیم شخصیت پراهمیتی را برای خانواده و اجتماع خویش کمایی نمائیم اولتر از همه باید توجه جدی مبذول گردد تاروابط دوستی، صمیمیت، همکاری حسن نظر و اعتماد به نفس را در بین

فرزندان و دیگر اعضای فامیل تقویه و توسعه نمائیم چه مشکلات تربیت در خانواده ها معلوم گردیده است اما این مشکلات هرگز مانع پیشرفت دیگر امور مختلفه فامیل و خانواده گی شده نمی تواند، انسان میتواند به برده باری و حوصله این مشکلات و معضلات را بمرور زمان حل نمایند. با جمع آوری مطالب گفته شده قدردانی و منزلت ارزشمندی خانواده ها آرزو مندیم جوانان روشنفکر و صاحب علم و دانش و واندیشه های سالم چنان تشکیل خانواده دهند تاروابط حسنه و نیک ایشان نوید بیک زندگی سرفه و مسعود اجتماعی گردیده و این سلوک خوب و خط مشی پسندیده آنها سر مشق دیگران گردد.



یک صحنه از نمایشات هنری، گروه هنری سازمان زنان یکی از کشورهای دوست.

# انواع اسلحه جدید در دیپوهای پنتاگون

## کوه‌های جدید طلا در سیف‌های سرمایه داران

قسمت دوم

مترجم:

دپلوم انجینیر محمد اکبر سروری

توانست منظوری تخصیص ۱۱۳ میلیون دلار را از طرف کانگرس برای عملی کردن پروگرام ساختن ۱۲ فروند طیاره مذکور را بدون در نظر داشتن پلان پنتاگون حاصل کند. همچنین غرض دادن تخصیص جدید علاوه بر غرض تهیه طیاره بمباران ستراتژیکی B-1 که نظر به تأیید شان این طیاره می‌تواند مدافعه را کتی اتحاد شوروی را سوراخ کند کانگرس مین های ایالت مساجوست فعالیت زیاد می‌نمایند زیرا انجن این طیاره از طرف کمپنی واکویل انتر نیشنل ایالت مذکور تهیه می‌گردد (مبلغ مجموعی این فرمایش به ۶۰۰ میلیون دلار می‌رسد) و به همین اندازه کانگرس مین های ایالت جارجیا در حصه کمپنی لاک‌هید ایستادگی دارند. پیشنهاد پنتاگون درباره تقلیل اعظمی تخصیص در حصه خرید طیاره ترانسپورتی کمپنه ۱۳۰ C- بدیینی و شرارت تمام نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات ایالت جورجیا را با مدافعه کل بوجود آورد.

صاحبان کمپنی گلد می‌توانند آرام بخوابند زیرا وقتیکه ترپید ضد کشتی MK 48 شان در فهرست سیأ تقلیل تخصیصه نظر به پیشنهاد وزیر دفاع امریکا آقای پرون داخل شد آنها به جلب حمایت کانگرس رجوع کردند.

این بود معلومات بسیار مختصر در باره اسلحه جدید و تهیه آن باز هم غرض معلومات بهتر تر شما به جدول مراجعه کنید و حال آنکه بدینیم که این موضوعات در کانگرس امریکا کدام مقام راجا یزاست.

اگر کسی قصد کند که از سنا و یا نمایندگان کانگرس شخصی را طرفدار ستراتژی نظامی نیسک انسدیش جستجو کند لازم است بسا تشکییل و اهداف کانگرس آشنائی پیدا کند. زیرا در کانگرس آرزوهای ایالات جداگانه امریکا پیش کش می‌شود و هیچ یک از اعضای کانگرس پنهان نمی‌کند که آن طرفدار خواسته های ایالت مربوطه خود است. بدین صورت کمپنی های مختلف نظامی در هر کمسیون و حتی در هر گروپ کانگرس سنا تورها و اعضای شورای نمایندگان همان ایالت را بطرف خود جلب می‌کنند و این اعضای برجسته نمایندگان امریکا بدون شرم به نفع همان فابریکه و یا کمپنی فعالیت می‌نمایند. درین حصه مثالهای زیاد داریم. سنا تور دموکرات هنری جکسن لقب آقارا از بوینگ به نسبت حما به آتشین او از کمپنی بوینگ بدست آورده است. کمپنی بولک تکسان حما به هیأت ایالات خود و گارد ملی را غرض توقفندادن تهیه طیارات «A-V» بدست آورد. در نتیجه آن





مساعی قوتهای زره‌دار و هوایی در محاربه

در نتیجه آن سناتور دموکرات ژان هلن از ایالت اوهای به کارتر رئیس جمهور گذشته ( نامه‌ئی فرستاد که از خطر بیکار شدن ۱۷۰۰ کارگر در کلیولند در آن شکایت کرده بود. شش روز بعد از آن چهار سناتور متقدر - اعضای کمیسیون در امور قوای مسلح (جکسن، هارت، ترموند و ورنر) وزیر دفاع برون نامه فرستاده نظر به ژان هلن را تأیید کردند. در نتیجه پیشنهاد تقلیل تخصیصیه غرض رای گیری به کانگرس تقدیم شد.

لیکن عکس العمل کانگرس در مقابل ما نورهای مغلق براون به مقصد بدست آوردن تخصیصیه علاوه‌گی عادی بود. و همه آواز رئیس پنتاگون را تأیید کردند. دموکرات‌ها و جمهوری خواهان طرفداری قاطع خویش را نه تنها از حفظ پروگرام موجود بلکه از بدست آوردن تخصیصیه علاوه‌گی برای پروگرامهای دیگر ابراز داشته اند. چهار کمیسیون از جمله شش کمیسیون کانگرس نظریات خویش را با آن روحیه ابراز می داشته اند که ارقام متذکره شان از ارقام پیشنهادیه به آقای براون زیاد تر است.

در فهرست همکاریان وزارت دفاع امریکا کمپنی جنرال دینامیک مقام اولی را حایز شده است، در سالهای دهه شصت وزیر دفاع امریکا رابرت مکنامارا بحیث طرفدار سخت طیاره شکاری بمباردمان *F-111* (اولین طیاره با تغییر هدمی بالها) قرار گرفت و علی الرغم تمام اعتراضات این طیاره شکاری کمپنی «جنرال دینامیک» در دسترس قوای هوایی و قوای بحری امریکا قرار داده شد. حلقه اساسی اتحادیه در ایالت میسود قرار دارد به همین اساس کمپنی از حمایه سناتور دموکرات و عضو پر قدرت چندین کمیسیون کانگرس آقای ممتون برخوردار است. لیکن موفقیت کامل را کمپنی جنرال دینامیک قدری پس از ساختن طیاره *F-16* در فابریکه فورت ورت ایالت تکساس حاصل کرد. این طیاره شکاری دفع و طرد بلجیم، هالند و ناروی فروخته شده و برتری خویش به نسبت به طیارات چندین مقسودی «تورناد» که از طرف کمپنی مشترک انگلیسی و آلمان غرب ساخته شد، بود نشان داد. همچنان در زمانش ۱۶۰ فروند طیاره *F-16*

به قیمت مجموعی ۳/۴ میلیارد دلار بالای شاه ایران فروخته شده بود و این مبلغ تا به قدرت رسیدن آیت الله خمینی مکمل پرداخته شده بوه.

کمپنی جنرال دینامیک در بازار تجاری امریکا موفقانه عمل می کند. امید اینکه در آینده می تواند هم موفق خویش را به همین شکل نگهدارد از ساختن راکت های بالدار توماهک معلوم خواهد شد.

برای اینکه فرمایشات جدید نظامی داده شود، پنتاگون و سرمایه داران مربوط و تهیه کنندگان مسلحه در دستگاه هادولتی و در چوکات اطلاعات جمعی دروغهای افترا آمیز و غلط درباره مصارف نظامی اتحاد شوروی تبلیغ و نشر می نمایند و در اینجا از جمله و خطر نظامی اتحاد شوروی را سخن می زنند در حالیکه خوب میدانند که چنین خطری وجود ندارد اینک درین باره روشنی می اندازیم،

حکومت و وسایط اطلاعات جمعی امریکا توانستند که حمایه سیاست نظامیگر را تامین نموده و از کانگرس بودجه ضد مردمی را فقط با ساختن پروپاگند های ضد شوروی، بکمک امریکائیان و خاموشی مکمل درباره اهداف حقیقی

کامپلکس های صنایع نظامی و خواص تجاوز گر بودجه نظامی بگذرانند. برای اینکه زیاد شدن سود صنایع دادن نظامی امریکا تأمین گردد وزارت دفاع امریکا نورم آخری مفاد را با معامله گران خویش از ۶-۱۰ فیصد تا ۱۶-۲۰ فیصد بلند برده است (زیادتر از دوسر تبه). معامله گران امریکا امکانات زیاد بدست آوردن مفاد را را فعلاً دارند. و سرمایه داران انحصار گرامریکا مفاد بسیار زیاد را با وجود رکود صنایع بدست خواهند آورد. مخالفین رفع تشنج تأیید می نمایند که اتحاد شوروی در مسابقه تسلیحاتی بسیار پیش می رود و ایالات متحده امریکا باید خود را بان برساند. آنها اعلام میدارند که حما به اتحاد شوروی از نهضت های آزادی بخش ملی و نیروهای انقلابی که امپریالیست ها آن را تجاوز زمینمند به ایالات متحده امریکا خطر دارد.

غرض به هدف رساندن موضوع اول اداره جاسوسی مرکزی امریکا (CIA) ارقام احصائیوی را به نشر رسانده است. درین ارقام گفته شده است که در زمان موجوده اتحاد شوروی عملاً به مقاصد نظامی نسبت به ایالات متحده امریکا بودجه زیادتر تخصیص داده است و در عین زمان اتحاد شوروی به سرعت مصارف نظامی خویش را بلندی برد و ایالات متحده امریکا برعکس مصارف نظامی خویش را تقابل داده است و مجموع مصارف نظامی اتحاد شوروی در سالهای هفتاد نسبت به مصارف امریکا از روی محاسبه دالری تقریباً ۳۰ فیصد زیادتر است.

واشنگتن همیشه کوشش میکند که ازین قسم محاسبات بسیار زیاد استفاده کند. اعلام میدارد که «بادر نظر- داشت انفلاسیون مصارف نظامی اتحاد شوروی از سال ۱۹۶۰ دوچند گردیده است در حالیکه بودجه نظامی ما (امریکا) نسبت به سال ۱۹۶۰ کمتر گردیده است» در نتیجه مصارف نظامی اتحاد شوروی همه ساله چندین فیصد فوق اندازه زیاد شده و انفلاسیون را بهار می آورد. این قسم تأیید را مطبوعات غربی مانند فکت و عوامل حقیقی نمایان می سازند. درین جا مرکز استخباراتی امریکا یعنی CIA هر سال فیصدی را که تخصیصه نظامی اتحاد شوروی را نسبت به مصارف نظامی امریکا زیادتر نشان بدهد به نشر می رساند. کاملاً واضح است که بالاخره ملیونها انسان آن ارقامیکه هر روزه در مغز شان ترزیق مینماید بحیث واقعیت قبول خواهند کرد.

حقیقت در اینجا است که تخصیصه مصارف نظامی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۰ به ۱۷،۶۱ میلیارد روبل رسیده و در حدود ۶ فیصد بودجه دولت را تشکیل میدهد و در سال ۱۹۸۱ این مصارف تا ۱۷،۰۵۵ میلیارد روبل تقلیل داده میشود. و این رقم نسبت به رقم مصارف نظامی اتحاد شوروی در ده سال قبل به اندازه ۰،۸ میلیارد روبل کمتر میباشد. از طرف دیگر در ده سال اخیر مصارف نظامی ایالات متحده امریکا از ۷۵،۸ میلیارد دالر به زیادتر از ۱۵۰ میلیارد دالر تزئید یافته است.

باید بخاطر داشته باشیم که ساختمان قیم در هر دو کشور شوروی و امریکا بسیار از همدیگر فرق دارد. در اتحاد شوروی انفلاسیون وجود نداشته و غرض بدست آوردن سود و فایده تلاش نمی شود که مانند امریکا قیم مواد بلند برود. بدین لحاظ مقایسه عادی ارقام تخصیصه نظامی واقعی نخواهد بود. و یک موضوع را باید به صراحت گفت که اتحاد شوروی نسبت به ایالات متحده امریکا در مسابقه تسلیحاتی پیش نمی باشد و ارقام انتشاری CIA نشان میدهد که تمام گفته های فوق برعکس است مگر چیزیکه واضح است همانا «پروپاگاندا های سیاه» است که از دروغ قریب و پروپاگانداها بوجود می آید.

مرکز جاسوسی امریکا آن معلوماتی را خبر نمیدهد که بحیث اساس محاسبه قبول گردد و بدون این ارقام باید هیچ یک تحقیقات مهم صورت نگیرد.

ثانیاً اینکه تمام زیرنگ های ستاتیکی کشف امریکائی در ضد و نقیض اند و باین اساس می توان تیزس اساسی (سی، ای) را رد کرد. بدین لحاظ شخصیت های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا و خصوصاً عضو سنا انس سپین (دموکرات از ایالت وسکونزین) که در تشکیل کمیسیون مربوط به قوای مسلح شامل میباشد انتقاد خویش را نظر به ارقام ستاتیکی مرکز استخباراتی جاسوسی چندین مرتبه ابراز داشته است.

انستیتوت تحقیقاتی بین المللی پروبلیم جهانی در استوکهولم وحیثیت و اعتبار بین المللی دارد بسالای کارکنان CIA انتقاد کرده است که مورد تأیید اکثریت قرار گرفته است. در سالنامه انستوت مذکور در سال ۱۹۷۹ آمده است که مادر سرحد زیاد شدن قرار داریم و با وجود مصارف زیاد نظامی در اروپا با انهم موضوع

مناشئه ويحث در اروپا موجود نيست . اين انستيتوت گناه اين رشد و پيشرفت را بدوش پروپاگنده هاي موفقتابنده كميته هاي كه بااساس مواد مركز استخباراتي جاسوسي امريكا انتشار داده اند انداخته است . متخصصين انستيتوت تصديق بلامتصور را در تأييد مصارف نظامي اتحاد شوروي در يافته اند .

و در اينجا كشور هاي اتري و خصوصاً ايالات متحده امريكا داراي اساسياتي است كه در باره « خطر اتحاد شوروي » سخن مي زنند و بحرين نظامي در كشور هاي NATO بحيث فكت هاي مشهور تاثير CIA را در حصره مصارف نظامي اتحاد شوروي و امريكا اساس قرار ميدهند . در سالنامه مذكور گفته شده است : كه اين ارقام به حقيقت نزديك نيست ما باز هم در محاسبات طبق ميدهد . لئوژي CIA بعضي اختصارات صورت ميگيرد باز هم ارقام انستيتوت تحقيقاتي ستكهولم چنين نگاه شده است كه در سال ۱۹۷۷ مصارف عمومي نظامي ايالات متحده امريكا نظريه كورس دالر در عمان وقت به ۱۰۱ - ۱۰۰ ميليارد دالر مي رسيد و كشور هاي عضو پيمان نظامي ناتو مجموعاً بيقاصد نظامي ۱۶۹ مليار دالر مصرف کرده

است كه اين رقم از مصارف نظامي پيمان تدافعي وارسا به مراتب زياد تر است .

سرعت حقيقي زياد شدن قواي مسلح ايالات متحده امريكا كيه مقامات رسمي امريكا ازان ياد آوري مينمايند بلندتر است موضح از اين قرار است كه عمليات محاربي فاعلاً پيشبرده شده و تعداد پرسونل و حجم مجهز ساختن اردو به شكل ثابت باقي مانده است . تمام تزئيد تخصيصه نظامي در زياد ساختن ذخيره وسايل جنگ هاي آييده در ساختن تحت البحري هاي اتري مي چديد « ترايدنت » راکت هاي بالدار و راکت هاي بالستيكي قاره پيما « MX » در طرح و تهيه سريع اسلحه جديد و در آن حمله اسلحه لايزر مصرف ميگردد و وزير دفاع امريكا آفای بودن اعتراف کرده است كه تمام تزئيد حقيقي مصارف نظامي فقط در ساحات فوق الذکر صورت ميگيرد . اين مصارف بالاي انفلاسيون تاثير وارد کرده و اندازه آن از ۵۵ مليار دالر در سال ۱۹۸۰ تا ۸۰ - ۱۰۰ مليار دالر در سال ۱۹۸۵ بشمار خواهد رفت . يا به عباره ديگر در جريان پنج سال اين رقم بايد دو چندان شود و تخصيصه علاوه گي كه در جريان اين مدت پتاگين از كابلگرس تنها حواحد كرد وحتي فاعلاً ياد ساختن آن مي باشد در اين ارقام شامل نمي باشد .

**جدول تخصيصه تهيه سلاح طبق بودجه نظامي سال ۱۹۸۱ ايالات متحده امريكا**

شماره	پروگرام	مجموع تخصيصه به مليون - دالر	تهيه کننده اصلي
۱	قوت هاي عمل سريع		
۱	مبارزه ترايدنت - سي « CX » و بودزن ساختن طياره ( - ۲ )	۲۵۹/۳	لاک هلد
۲	تعير شكلي دادن طياره B-10 ( عصري ساختن )	۳۸۸/۶	ملاك دو قبل - دو گلاسن
۳	كشتي ديسانتي LSD ۴۱	۳۰۲/۳	سكورسن
۴	خلنگه پتتر CH ۵۳	۱۹۹/۴	"
قوت هاي استراتيژيكي ذروي			
۵	تحت البحري « ترايدنت »	۱۲۴۰	جنرال ديناميك
۶	راکت هاي « ترايدنت - ۱ » و « ترايدنت - ۲ »	۹۳۶/۲	" "
۷	راکت MX با سرگولوله محاربي چند بين چارچي	۱۱۷۰	رالك و بيل انترنشنل
۸	۸۰ فروند راکت هاي بالدار با پيگانه هوايي راکت هاي بالدار سريع تر	۷۸۴/۶	بو پيگن
۹	دنگه رادار كشف راکت هاي بالدار	۳۲۳/۱	
۱۰	عصري ساختن طياره B ۵۲ غرض رساندن راکت هاي بالدار	۲۰۵/۶	جنرال ديناميك
۱۱	راکت بالدار تو ماوك پرتاب شونده از كشتي تحت البحري	۱۷۹/۲	بو پيگن
۱۲	عصري ساختن عاجل راکت ذروي « ميدمن - ۳ »	۱۵۶/۶	بو پيگن
۱۳	عصري ساختن « بو نيگن - ۷۷ » بحيث محل فرمانده هوايي	۲۹۳/۷	
۱۴	اقمار مصنوعي كشف	۱۸۷/۸	جنرال ديناميك

مجموع تخصیصیه تهیه کننده  
به میلیون دالر اصلی

جنرال دینامیکه	۱۸۷/۸
ماتین مارتیا	۱۴۶
	۲۱۰۰
بات	۱۳۰۰
	۶۰۲/۳
	۱۶۳۰
	۵۳۰/۶
	۴۶۱/۹
مسکورس	۲۲۰/۸
لاک هید	۲۷۶/۸
مک دونیل دوگلاسی	۱۸۰
	۱۸۴/۳
کرد سلر	۱۱۶۰
«FMK»	۵۳۸/۴
بوینگ باو	۱۸۱/۲
سکورس	۳۳۸/۶
»	۲۲۲
فایر چالید	۵۰۸/۶
رایتون	۵۳۹/۹
هاوس	۴۲۴/۶
	۲۶۰
هرومن	۸۰۴
مک دونیل دوگلاسی	۸۶۹/۷
جنرال دینامیکه	۱۹۰۰
مک دونیل وفارت روپ	۱۷۵۰
بوینگ و غیره	۳۶۲/۲
بوینگ و غیره	۳۷۷/۷
هرومن	۲۵۹/۵
هرومن	۹۴۸/۳
جنرال دینامیکه	۲۷۶/۹
تکراس افستر دمنت	۱۵۰/۸
هاوس و تراس	۶۸۰/۷
دیتون جنرال دینامیکه	۲۴۶

پروگرام

شماره

قوت های ذروی تکنیکی

۱۵ راکت های بالدار یا پایگاه زمینی  
۱۶ راکت «پرشنگ» - ۲»

قوای بحری نظامی

۱۷ هواپیما بر ذروی جدید  
۱۸ فریبات برنده راکت «پیری»  
۱۹ تحت البحری ذروی ضربوی  
۲۰ ۲ ناوشکن «آیس»  
۲۱ تغییر دادن ساختمان طیاره «یرتسرات»  
۲۲ تحت البحری نوع «لاس انجس»  
۲۳ هلیکوپت «لامپس-۲»  
۲۴ طیاره «P-3» برای کشف بحری  
۲۵ راکت ضد کشتی هار پون  
۲۶ هیدرولو کاتور برای تحت البحری تا هوس  
قوای زمینی

۲۷ ۵۶۹ تا تک XM-1

۲۸ ۴۰۰ موتور زره دار برای انتقال قوا

۲۹ سرگلوله بحاری بوی چندین چارجه «DSRS»

۳۰ ۸۰ فروند هلیکوپتر «بلک هاک»

۳۱ هلیکوپتر جدید ضد تا تک

۳۲ طیاره ضد تا تک «A10»

راکت های دافع هوا

۳۳ ۱۸۴ فروند پاتر پوت

۳۴ ۶۰۰ لارند

۳۵ مودرن ساختن توپ ۳ یوید

قوای هوایی

۳۶ ۲۴ فروند شکاری بمباردمان F-14 برای قوای هوایی

۳۷ ۳۰ فروند شکاری بمباردمان F-15

۳۸ ۱۸۰ فروند شکاری دفع و طرد F-16

۳۹ ۴۸ فروند شکاری دفع و طرد F-18

جنگ الکترونی

۴۰ ۲ طیاره ABAKC برای کشف و اداره

۴۱ سهیمه امریکادرساختن ۱۸ طیاره ABAKC برای کشورهای پیمان نظامی ناتو

۴۲ ۶ فروند طیاره کشف و اداره E2-C

۴۳ ۳ فروند طیاره برای جنگ الکترونی EA6B

۴۴ ۱۲ فروند طیاره برای جنگ الکترونی EF-111A

۴۵ راکت هارم برای وارد کردن ضربات بالای دستگاه های رادیویی دشمن

۴۶ سیستم الکترونی ترام فلیر برای طیاره A-6 و A-7

راکت های دارنده پایگاه هوایی

۳۷ عصری ساختن و پرتاب سپیرو

خاطره: درین اواخر بودجه نسبت به پلان طرح شده زیاد گردیده است. بدین لحاظ تخصیصیه یک عدد انواع اسلحه نیز زیاد گردیده است.

# موفقیت در عملیات جراحی

تهیه کننده:  
دوهم بریدمن عبدالرسول

( *Cerebellum* ) بوده براساس ش. ق ۲۰ ساله، چندسال قبل ترخیص و خیم جحفی را گ اشتانده و در طی سال های بعدی تحت مداوی دوامدار مری بود نسبت شکر یا تش در معایناتیکه بالای مریض اج ا گرفته شده با موجودیت یک وتیره مریضی تمورال تحت نیمه مخیخی ( دماغ چه ) *Tentureum CEREBELLI M* ) را و امود ساخت .

واضح است که در ترخیصات بسته جحفی بعضاً خون ریزی های ایی دورال - سو بدرال و حتی داخل تیج دماغی میان می آید در صورتیکه حج آن از ۵۰-۶۰ سی سی زیاد باشد . با عدم مداخلات جراحی سبب مرگ می شود . به همین ترتیب اگر حجم آن کمتر و یا موقعیت آن در جایی باشد که سبب سلو کشن نگردد .

مریض تا یک مدت آنرا تحمل و اختلاطات بعدی میدهد ، اگر توضع آن در قسمت های تحت نیمه مخیخی باشد در نتیجه سبب تشوشات جریان مانع دماغی شوکی گرفته و بلاخره فرط فشار جحفی که متوافق با علایم سردردی ، تشوش رویت بشکل دو بینی ، تنقبض قوه رویت و حتی تا کوری نام میباشد ؛ نزد مریض ظهور میکند . همه علایم فوق الذکر نزد مریضیکه عملیات نمودم موجود بودند . ترخیصات جحفی ایجاب معاینه و مداوی دقیق تحت نظر جراح عصبی نموده خصوصاً واقعاتی که باضیاع شعور و بعضی علایم دیگری کلینیکی متوافق باشد یک الی سه هفته استراحت مطلق را ایجاب میکند . در غیر آن نزد آنعده مریضا تیکه خون ریزی های تحت اور کتر تید ( *Sub arachnoid* ) دارند ، اگر مداوی درست و استراحت مطلق را تعقیب نکند ، در مراحل بعدی توجه های کلینیکی مخفف ار کوسکریت نزد شان تا بیس نموده و نظر بموقعیت پتانوژی مذکور علائم سریری ، بشکل تشوشات حسیت ، بعضاً حملات احتلاجی که نزد اکثریت مردم ما بنام سیرگی یاد می شوند .

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و خصوصاً در پرتو مرحله نوین و کاملی آن یک سلسله پیشرفتها و انکشافات بهی خواهانه در امور اجتماعی و اقتصادی رونما گردیده است که همه در حصه پیروزی زحمتکشان نقش مهم و ارزنده بی را دارا میباشد که از آنجمله توجه جدی دولت در امور صحت و سلامتی مردم ما قابل یادآوری است که داکتران و متخصصین طبی کشور ما همیشه در صدد آن اند تا بتوانند در حصه وقایه و علاج امراض گوناگون مصدر خدمات ارزنده گردند .

بنابراین همیشه تلاش میورزند تا راه های علاج و مداوی بهتر امراض را جستجو نمایند و مادر اینجاییکی از عملیات بفرنج و پیچیده ای را که در مباحثه جراحی عصبی صورت گرفته است یاد آور میشویم که نتیجه آن عالی و مثبت بوده است .

این عملیه مغلق و مهم جراحی که برای اولین بار توسط یکی از دوکتوران ، دکتر من عبدالنیم طوطاخیل سر جراح اکادمی علوم طبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان بالای یک مریض بیست ساله موفقانه انجامید قابل یادآوری است . برای اینکه خوانندگان محترم با این عملیات و نوع مرض آن آگاهی یابند جریان مفصل آنرا از زبان داکتر دکتر من طوطاخیل تقدیم میداریم .

داکتر طوطاخیل ابتدا در مورد نوع این عملیات و عامل اصلی این مرض و طرق مختلف معالجه آن چنین توضیحات ارائه نمود :

عملیات سیستم عصبی مرکزی که طور موفقانه انجام داده ام البته زیاد است ولی تقریباً چندی قبل عملیاتی را اجرا نموده ام که عبارت از تخلیه و برداشت یک کیست داخلی نصف کره چپ مخیخ ( دماغ چه )



داکتور طوطا خیل در حال مصاحبه

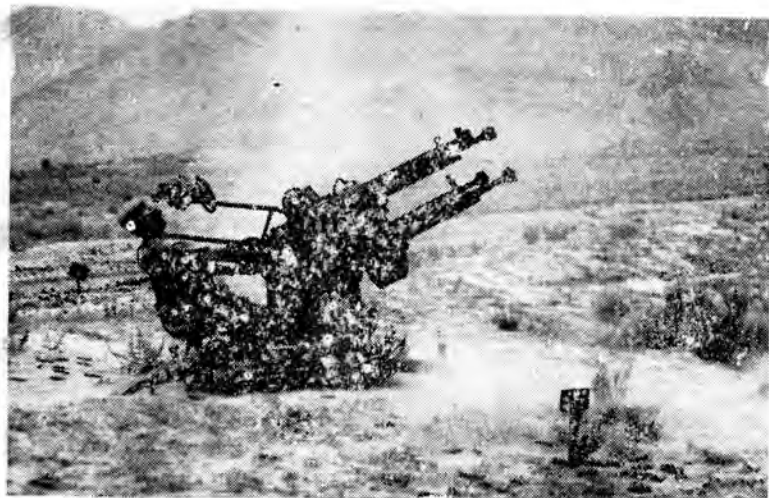
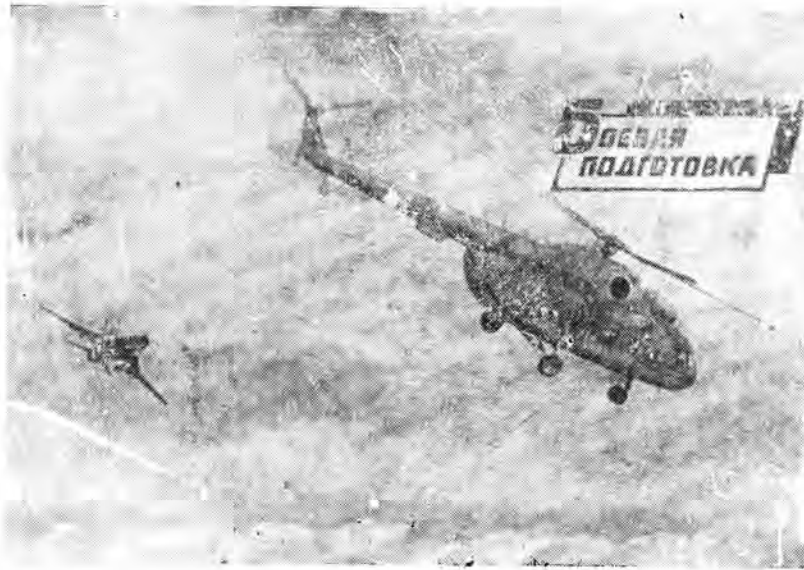
عملیات مشکلات احساس نمیکنیم زیرا قبل از عملیات سریشان را از هر نقطه نظر تدقیق و بعد از عملیات سرویس ریانسون (اح یا بی مجدد) ما با وسایل مدرن مجهز بوده دکتوران ویر - قبل ورزشیده در پیروید بعد از عملیات این وظیفه سنگین را بعهده میگیرند و به کمک هم مسکنان عزیز سرویس تستی و ریانسون توانیم و سترایم سریشان خیلی مغلق و وخیم را کنترل و تدوی نمایم.

باید علاوه کرد که کنترل و مراقبت چند همچو سریشان کار بست سر مشکل ، اما وقت نای دکتوران و پرسونل سرویس استیزی و یاریا نهمین ما قابل قراست . فیلا یاد آور شدم که سریشان ترضیصات فحفی معنده دقیق جراح عصبی - تدوی لارم و کنترل جی را ایجاب میکند با عدم سراغات آن عده از مصدر سن تلف و یا زیاد تر آن در مراحل بعدی نسبت جری بریزی های سوب ار کنوئید *Subarachnoio* مصاب سریشی که با کلینک و علام سریری مختلف نزدشان موجود بوده ظهور میکنند از قبیل فیرط فشار قحفی - تشوشات رویت حتی تا کدوری تمام - علائم اختلا لیکه به اصطلاح عوام امروز مرگی بگویند کسالت تشوشات حفظه و غیره نسبت فوق ایجاب مینمایند که در تدوی همچو سریشان داکتر مواج باید محتاط باشد .

تشوش رویت حتی تا وری تمام ظاهر می شود . همچو مریض های فوق الذکر بعضاً به تدوی طبی معند بوده و ایجاب عملیه جراحی را میکند .

۲- در گذشته نیز عملیات مغلق دماغی را انجام داده ام ولی از نظر ایته لوژ - نوع مریضی باشکل و موثعت آن البته پاراول است که ملاحظه نمود عملیات آن مؤفمانه انجام و وضع مریض بکنی اطمینان بخش است .  
۳- از یک و نیم سال به اطف عملیات - ستم عصبی مرکزی را انجام میدهم . قرار معلوم نسبت مشکن کدرهای مساکمی ، عدم موحودیت وسایل لازمه همچو عملیات ها در روغون های دیگر صورت میگرد . امید است در آینده قریب کدرهای ورزشیده در قسمت جراحی عصبی ترییه و مشکلات سریشان و طن عزیزه ازین نگاه رفع گردند .  
هر عمایات بذات حد بعضی مشکلات دارند که جراح در وقت عملیات آنرا احساس میکند بعقیده من مشکلات وهر اس جراح عصبی در وقت میبشد که از طرف استیز یلوگ بگن زنگ خطر در وقت عملیات داده می شود ( به اساس تفاوت فشار خون و نبض و غیره) در حالیکه جراح بالای مراکز حیاتی و یا فردیک به آن کار میکنند .

از نظر وسایل در عملیات هائیکه انجام داده شده کدام مشکن احساس کرده ام . چه عهد وسایل عصری که در تشخیص و عملیات ضروری میباشد بدسترس ماموجود است بهین ترتیب در قسمت کنترل و مراقبت مریضان بعد از



۶- مشکل است با یک چند سطر و با چند صحنه ساختمان سیستم عصبی مرکزی اعصاب محیطی و فیزیولوژی آن را توضیح کنیم با بد ذکر نمود که تمام اعمال شعوری از اثر تأثیرات محیط عینی در سیستم عصبی مرکزی که ساختمان آنهایت مغلق دارد تحلیل و تجزیه می‌گیرد.

در سیستم عصبی مراکز شناخته شده جداگانه که هر کدام آن وظیفه جداگانه را اجرا می‌نماید، موجود است. مثلاً مرکز تکلم مرکز نوشتن، مرکز ترکیب حروف و جملات، مراکز دید، شنوایی، ذایقوی حسیت، تحرکیت توازن و مراکز اداری اتوماتیک وظایف و حرکات اعضای داخلی.

به اثر تنبیه سیال‌های عصبی توسط الیاف عصبی به سیستم عصبی مرکزی نقل بعد از تحلیل و تجزیه بالای اورگان مربوطه امر و هدایت لازم از طریق لسیف عصبی که از مرکز محیطی می‌آید صادر می‌شود.

۷- در سال ۱۹۷۶ در کنگره دوم جراحان عصبی منعقد مسکو که در عین زمان به افتخار صدسالگی سر جراح و جراح عصبی مشهور اردوی قهرمان اتحاد شوروی ن. ن. بوردینکو دایر گردیده بود اشتراک نموده بودم.

پروگرام تحقیقاتی در قسمت جراحی عصبی برای فعال در جریان نیست.

۸- در قسمت مدرنیزه ساختن طبابت اعم از وسایل فنی و تکنیکی و تربیه کادرهای فنی و مسلکی مملکت دوست ما اتحاد جماهیر شوروی کمک‌های قابل قدری می‌نماید. و سائلیکه مادر وقت عمایات و تعقیب بعدی مرخصان از آن استفاده می‌کنیم همه آنها به کمک کشور دوست و برادر ما اتحاد شوروی بدسترس ما گذاشته شده است.

# دسپلین در حزب طراز نوین

مترجم :

دیلوم انجینر جگرن عبدالعظیم «استوار»

بالای خود تطبیقی تم بند. قبول عضویت بک شخص به حزب به هیچوجه معنی امتیازات را برایش نداشته، بلکه برعکس شخصی حزب باید وظایف بیشتر از دیگران را با پشت کار زیادتر از دیگران اجرا نماید.

منظور از دسپلین - بی وحدت و یکپارچگی هر چه فشرده اعضای حزب که خود بک شرط حتمی رشد قدرت و ظرفیت مبارزه وی حزب برای انجام وظایف سترگ که در قبال توده های زحمتکش کشور خود دارد میباشد.

لینن میگوید : مقصد از وحدت عمل اعضای حزب یکپارچگی ایدیا لوزیکی و تشکیلاتی آنها میباشد .

وحدت ایدیا لوزیکی اساس تطبیق آگاهانه دسپلین حزبی در عمل بوده و عامل موثر بک مبارزه اصولی علیه ایدیا لوزی بورژوازی میباشد .

لینن حزب را بک مجموعه عددی از انقلابیون ندانسته بلکه در قدم اول آنرا بک سازمانی میدانند که توده های مفکر به شکل آگاهانه و داوطلبانه در آن جمع شده و قادر باشند که طرز تفکر مشابه در اجرای وظایف حزبی داشته و مبارزات بی امان علیه دشمنان طبقاتی خود براه انداخته بتوانند رهبر پروتاریای کشور شوراها و جهان به نقش فعالیت های د.تجمع انقلابیون به خاطر تأمین وحدت ایدیا لوزیکی طبقه کارگر ارزش بسزائی قایل است .

حزب طبقه کارگر متضمن وحدت نظر و عمل بوده از بیرون نوع حزب برای هیچ نوع گروپ و یا فرکسیون که وحدت تشکیلاتی حزب ، تمامیت حزب و وظایف خلاق حزب را خدشه دار نماید چائی نمیتواند موجود باشد .

دموکراسی حزبی خواسته ها و قدرت اکثریت اعضای حزب را تشکیل میکند . رهبر انقلاب کبیر درین

حزب کمونیست اتحاد شوروی پیروزمندانه رول خود را به حیث بک قدرت رهبری کننده و هدای در جامعه شوروی ایفا نموده و رکن اساسی این قدرت رهبری را که عبارت از ایجاد بک انضباط آگاهانه و محکم در حزب و جامعه میباشد، به شکل عالی آن در جامعه کثیر المله شوراها قایل نموده است .

بنیان گذار دولت شوروی در باره رول دسپلین در حزب مینویسد که : « بدون بک دسپلین آئین بک حزب طراز نوین برای دو نیم سال چه که برای دو نیم ماه نمیتواند به زندگی عادی خود دوام بدهد » .

دسپلین حزبی در بک حزب انقلابی بیش از همه مربوط به ایمان اعضای حزب به ایدیا لوزی شان، به درجه سطح آگاهی انقلابی شان و بک قولی داوطلبانه آنها از دسپلین حزب منجبت بک شرط اساسی در عضویت شان به حزب میباشد .

دسپلین حزبی بدموکراسی داخلی حزبی بک ارتباط ارگانیکی دارد . لینن درین مورد مینویسد : « ما در باره اهمیت دسپلین حزبی و اینکه حزب طبقه کارگر چگونه با این پدیده برخورد نماید بارها تاکید نموده و نظریات خویش را ابراز نموده ایم . باز هم ما این پدیده را ایطور تعریف میکنیم : ( وحدت عمل ، آزادی بیان و انتقاد ) . چنین است دسپلین که در خور بک حزب طراز نوین میباشد .

دموکراسی بک بودن دسپلین حزبی از این حقیقت سر چشمه میگردد که بالای همه اعضای حزب به شکل یکسان تطبیق میشود و حزب طراز نوین طبقه کارگر بک نوع دسپلین و بک قانون برای همه اعضای خود صرف نظر از سابقه خدمت و موقف حزبی شان داشته و همه اعضای حزب مکلف اند که دستاورد و تضامین حزب را یکسان



باره می‌نویسد که: «بدون در نظر داشت خواسته های اکثریت اعضای حزب نمیتواند سخن از عضویت حزب و یا فعالیت منسجم سیاسی در میان باشد». این ابراز عقیده لیتن ارتباط دیالکتیکی دموکراسی و دسپلین حزبی را بصورت واضح آشکار نموده، نشان میدهد که دموکراسی حزبی و دسپلین حزبی به هیچ وجه همدیگر را منتفی ننموده بلکه یکی متمم و مکمل دیگری میباشد.

حزب دموکراسی را توسعه میدهد تا سطح آگاهی و هشیاری انقلابی اعضای حزب بالا برود و این باعث تحکیم دسپلین حزبی شده و قدمه های رهبری کننده حزب را قادر میسازد تا بشکل منسجم و بهتر وظایف محوله را انجام دهند.

در بعضی اوقات در حزب مسایلی مطرح میگردد که برای حل آن طرق مختلفی از طرف اعضای حزب ارائه میشود؛ در چنین احوالی بر همه اعضای حزب است تا به فیصله اکثریت اعضای حزب بصورت آگاهانه و بدون کدام قید و شرط احترام گذاشته و به خاطر تحقق آن بی امان مبارزه نمایند.

یکی از پر نسب های اساسی حزب طرز از نوین طبقه کارگر این است که هر عضو حزب میتواند راجع به یک مسئله که تصمیم نهائی در باره آن گرفته نشد، با آزادی کامل نظریات و اعتراضات خود را و همچنان موافقه و یا عدم موافقه خود را ابراز نماید. مگر زمانیکه فیصله نهایی با اکثریت آراء در زمینه اتخاذ گردد، هر عضو ولو اگر با فیصله اکثریت اعضای حزب در جریان رای گیری موافق نبود، مکلف است که فیصله اکثریت را بعد از رأی گیری نهایی با تمام معنی قبول نموده و در تطبیق آن مجدداً بکوشد. این جاست که دموکراسی حزبی و دسپلین حزبی بیا هم یکجا عمل میکنند. با حرکت جامعه به پیش، دسپلین حزبی نیز تحکیم بیشتر میابد. چه در جامعه نوین تشکیلات حزبی با مسؤولیت زیادتر در امور جاریه حزب بر خورد می نماید که این طبعاً باعث تقویه بیشتر تحکیم دسپلین حزبی شده و اعضای حزب در فعالیت و مبارزات روزانه خود با یک پیمانه وسیعتر و درک آگاهانه تر سیاست و تصمیم حزب را رهنمای خویش قرار میدهند.

البته هر حزب طرز از نوین از خود اماستامه و مقرراتی دارد که در آن بطور مشخص حقوق و وظایف اعضای حزب درج گردیده است ولی این کاملاً آشکار است که بهترین نورم ها و مقررات هم به تنها بی نمیتواند ضامن وجود دسپلین عالی حزبی باشد، بلکه مساعی خستگی ناپذیر قدمه های رهبری حزب برای یک تردید کمتر و مل محکم از تطبیق

آگاهانه انضباط حزبی در تمام قدمه ها و صفوف حزب نهایت ضروری میباشد.

لیتن در مورد اینکه چگونه میتوان یک دسپلین محکم را در حزب تأمین نمود مینویسد: «شرط اول، رشد آگاهی طبقاتی اعضای حزب، آمادگی آنها برای فداکاری، قربانی و قهرمانی بخاطر انقلاب بوده و شرط دوم در قابلیت اعضای حزب، درزنده نگه داشتن ارتباطات و سیع و همه جانبه با تنوده های زحمتکش کشور نهفته است شرط سوم اجراء و تطبیق درست ستراتیژی و تاکتیک حزب از جانب رهبری سیاسی حزب مطابق خواست توده ها و در ارتباط نزدیک با توده ها میباشد. بدون در نظر داشت شرایط فوق دسپلین در یک حزب انقلابی که وظیفه بزرگ و سترگ رهبری و تغییر جامعه را بیک جامعه تکامل یافته تر بدوش دارد غیر محتمل میباشد. بدون شرایط فوق تمام تلاش ها بخاطر ایجاد یک دسپلین آگاهانه و محکم در حزب بی اثر میباشد».

دسپلین حزبی از دسپلین دولتی و دسپلین نظامی در شرایط حاکمیت حزب انقلابی در کشور جدا ناپذیر میباشد. کار جهت تحکیم دسپلین حزبی در قوای مسلح توسط ارگانهای حزبی در قوای مسلح از طریق فعالیت های سازمانی واید یا لوتژیکی صورت میگیرد و برای رسیدن به یک دسپلین محکم حزبی در صفوف قوای مسلح باید در تعلیم و تربیه سر بازان، خورد رضا بطان و افسران حزبی، مطابق نورم های تثبیت شده زندگی حزبی توجه زیاد مبذول شده و تمام مقررات و همچنان دستاویز اوامر، فیصله ها و قطعنامه های حزب بطور مداوم به تمام قدمه های حزبی در قوای مسلح رسانده شده و در تطبیق درست آنها سعی زیاد بخرج داده شود و هم کوشش شود که همه اعضای حزب در قوای مسلح بکارهای فعال سیاسی حزبی کشانیده شوند.

جهت تقویه دسپلین حزبی از شیوه کنترول خودی (سلف کنترول) اعضای حزب از کار و فعالیت های خود شان نیز باید استفاده شود، اما این شیوه وقتی نتیجه بهتر به بار میآورد که همه رفقا آنرا با لای خود تطبیق نموده و هم در رفع اشتباهات رفقای دیگر که مرتکب نقض دسپلین حزبی میشوند بصورت دستجمعی کوشش نمایند.

یکی از طرق این نوع کنترول ترتیب را پور از طرف اعضای حزب در باره وظایف انجام شده شان مطابق مقررات حزب میباشد. تشکیلات حزبی باید این را پور ها را بدقت در یک فضای اصولی و رقیقانه ارزیابی نموده، نکات مثبت و منفی که در راه پور موجود است بیرون نویسن کرده همراه با هدایت جدیدیکه در اصلاح نواقص، رفیق را کمک نموده و بتواند به رفیق بسپارد. در جلسات حزبی نیز

و در اصلاح نواقص رفیق کمک نماید.

احزاب طراز نو بن طبقه کارگر حتی در بن دشمنان خود نیز به داشتن دسپلین آهنین و محکم خویش شهرت دارند. فعالیت عالی اعضای حزب نتیجه وحدت ایدئولوژیکی و سازمانی آنها بود. و این وحدت ایدئولوژیکی و سازمانی آنها را قدر میسازد تا از یک دسپلین آهنین آگاهانه تا بهیت نموده و تمام اعمال و فعالیت های خویش را مطابق به رهنمود ها و دستاویز حزب انجام داده و تا وظایف خود را مکلف به اجرای خواسته های اکثریت اعضای حزب بدانند.

با بد تقاضای رفا در اجرای وظایفشان انتقاد اصولی شده و راه های اصلاح بر رفع نواقص جستجو شود.

ارگانهای حزبی با رفقانی که دسپلین حزبی را نقض میکنند، باید محاسبه نموده و برای این منظور از شیوه های تنبیهی، از امتداد رفقانه گرفته الی اخراج رقیب از حزب مطابق اساسنامه حزب استفاده نمایند.

زمانیکه مسئله جز او تنبیه یک رقیب متهم مورد غور و بررسی قرار میگیرد، شعبه مربوطه حزبی باید تمام فعالیت های رقیب را همه جانبه تحلیل نموده و جزا طوری به رقیب متهم توصیه شود که برایش شکل آموزشی را داشته



13

اجرای وظایف مجرله مطابق با قومانده و دسپلین، موفقیت باری آورد.

# دبی سوادى پر ضد مبارزه

## د انقلاب او انقلابیونو

### ستره وظیفه ده

لیکونکی:

تورن ثناء الله

واکدارى په موده کې زمونږ د اولسونو په ژوندانه باندې د استبداد، استعمار او استعمار ناولی سیوره اچولې وه له خپلو ډیرو انساني حقوقو څخه محروم شوی وو. او دغه محرومیتونه یې په کلتوري ساحه کې هم په پراخه پیمانه گاللي دي. د دغه محرومیتونو او ولسي ضد چال چلند په نتیجه کې سوږ اوس وینو چې له بده سرغه دهیواد د سپیڅلو خلکو په تیره بیا د وطن زیار ایستونکي په سلوکي پنځه نوی د سواد له نعمت څخه یې برخې پاتې شوی دی. دا حقیقت به څرگنده شي چې تیرو اشرافي واکدارانو او سردارانو به څو سره ظالمانه تر څه زمونږ د ولس او ژوندانه باندې لویې کړې دي د ژور انقلاب او دغه پشپړتیا یې پر او دغه تیاره دوره پای ته ورسوله او په هیواد کې یې زیار ایستونکو پر گټو په گټه د ټولنيزې ترقی سو کالی او آزادي ډیوه بله کړه چې دغه په رڼا کې به د هیواد دوگړو د سیاسي، اقتصادي، ټولنيز او کلتوري ژوندانه په ټول او برخو کې انقلابي بدلون او دیوان جوړوونکي او بیتون منځ ته راشي د اولسونو انقلابي دولت اوس د افغانستان د پراخو پر گټو او وگړو په خدمت کې دی او هر څه چې کوي پراخي او پراخي دولتونو د سو کالی او نیک مرغي لپاره یې کوي.

د ملی دموکراتیک انقلاب د لورو اهدافو تر سره کول دا غواړي چې د افغانستان ټول اولسونه د افغانستان دخلکو دموکراتیک گډ نه تر لار ښوونې لاندې په عیوان پاله راجیه دیوالی او اتحاد تر انقلابي سره بیرغ لاندې سره یو موټی متحد او راغونډ شي خو په لومړني پړاو کې دموکراتیکه ټولنه او ورپسې د هوسا بنی او نیکمرغي څخه

دویار او خوشحالی لځای دی چې د ژور ملی او دموکراتیک انقلاب په تیره بیا د هغه د نوی پشپړتیا یې ژغورنده پړاو د ارزښتونو په رڼا کې د گران هیواد افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د ټولو اولسونو او پراخو پر گټو د سو کالی په لیاړ کې په هر اړخیزه توگه نه سترې کیدونکي هلی لځای دی او روانی به وی. د ژور ملی او دموکراتیک انقلاب د افغانستان د زیار ایستونکو پر گټو لپاره د پرمختگ او سو کالی هغه پیغامونه له لځمانه سره لری کوم چې د افغانستان دخلکو دموکراتیک گوند په لارښوونو نه قدم په قدم زمونږ وگړو او اولسونو د ژوندانه په بیلا بیلو اړخونو کې سرته رسېږي.

دا چې اوس په هیواد کې دبی سوادی پر ضد لځني ضروري شرطونه برابر شوي دي نو د مرکزي کمیټې د عمومي منشي د انقلابي شورا د رئیس او صدر انظم مالکري بېرک (کارمل) دا خبره خوراسمه او پر لځای ده چې وانی «ای سوادان دی یې زده کړي او با سوادان دی یې ورا زده کړي».

د همدې پر نسیب له مخې سوږ وینو چې له ای سوادی سراد په ټول هیواد کې مبارزه پیل شوی ده او دا هغه مبارزه ده چې په هغی کې قول او عمل سره یو دی او د ټولو مستبدو فیوډالی حکومتونو د وعدو په غیر تشریفاتې او غولوونکي بڼه لری.

باید څرگنده کړو چې د افغانستان نجیب اولس د هغی تیاری دوری په مظالمو کې چې تقریباً نیمه پېړی د بیروکرانو او ویني غښتونکو فیوډالانو د ظالمانه

چکه ټولنه چې دهر ډول ملي او اجتماعي ظلم له قیده آزاده، خلاصه او خوندي ټولنه مینځ ته راشي. ددی پاکو آرمانونو په لپاره کی صادقانه هلی ځلی او د اولسونو د دښمنانو په مقابل کی د ملی دموکراتیک انقلاب ساتنه او خوندي کول دهر وطن پال افغان مهمه وظیفه گڼل کیږی. دا دډیری ویاړنی ځای دی چې د افغانستان وسله وال پوځ له یوی خوا د وطن دغلیمانو او دغغو د پلویانو، مرتجعینو او ولس ضد توطئه گرانو په مقابل کی خپله وسله اوږی ته اچولی او دپراخو په گټه یی ځان مبارزی ته چمتو ساتلی دی او له بل پلوه یی د انقلاب د ارزښتونو او پرنسیپو په اساس د سواد دزده کړی او دهغی دپراخولو له ایاری دپوهی او کلتوری پرمختگ مشعل بل کړی دی خو په دی توگه دتوری او قلم په مرسته د انقلاب لوړ آرمانونه ترسره کړی او د اولسونو او وطن ددښمنانو پرضد یی امانه مبارزه وکړی او خپل انقلاب په دی توگه د یربالیټوبونو لوړو پراوونو ته ورسری.

### ډیر و خوږ و لوستو نکو!

د سواد دزده کړی اهمیت د ډیرو بنانه او څرگند دی، سواد نه یواځی د مفاهمی په لپاره کسی سترول لوبوی بلکه په ځان وخت کی کلتوری پرمختگ دسیاسی شعور لوړتیا او د تولیدی قدرت پراختیا تأمینوی نوځکه

د سواد زده کړه د افغانستان د زیایستو نکو او خواریکښو پراخو لپاره د انقلابی آرمانونو او اهدافو د ترسره کولو لپاره ستر اهمیت لری.

او به دی لپاره کی پراخه مبارزه زموږ په هیواد کی ځکه ډیره مهمه ده چې زموږ دکارگرانو، بزگرانو او نورو زیارایستونکو ډیره زیاته برخه د سواد له نعمت څخه محرومه شوی ده اود ای اوس زموږ انقلابی دولت د افغانستان د اولسونو په گټه په دی لپاره کی ستره مبارزه پیل کړیده.

دهمدی ستړی انقلابی وجیبی پرنسپ په دی تاریخی مرحله کی د افغانستان وسله وال پوځ د سواد دزده کړی د پروگرامونو په لړ کی د افغانستان د دفاع وزارت دلیک اولوست یعنی د سواد زده کړی لومړنی کورسونه پراختیا شوی چې په زرگونو تنه ځوان سر بازان د خپلو ځوانو او انقلابی افسرانو تر لارښوونی لاندی پکی سواد یعنی لیک او لوست زده کوی.

هیله کیږی چې دلیک اولوست یعنی د بیسوادی سره د مبارزی کورسونه او ددی په څیر راتلونکی کورسونه وکړای شی له بی سوادی سره د مبارزی په ډگر کی مهم یربالیټوبونه ترلاسه کړی او د سواد دزده کړی په لپاره کی بارزښته و نهه واخلی (پای)

واسطه مدرن راکت انداز خفیف.



# وحدت حزب

و



مردم

از منابع خارجی

ترجمه : تورن کیوان

حزب کمونیست اتحاد شوروی ، حزب طراز نوین است . این حزب توسط و . ای . لینن به مثابه پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگرا ایجاد گردید . حزب درین نقش ، طبقه کارگر چندین ملیتی روسیه را بصورت یک مجموعه واحد و بهم فشرده سازمان داده از نگاه آیدیا لوژی و سیاسی آبدیده ساخت و به آن کمک کرد تا وظیفه عملی خویش را به حیث «گورکن» بورژوازی و آفریننده زندگی نوین ، خوب تر ، تشخیص دهد . حزب ، فقیرترین روستاییان را به دور طبقه کارگر متحد ساخت و طبقه کارگر را در اکتبر (۱۹۱۷) به انجام انقلاب سوسیالیستی ، در جریان جنگ داخلی (۲۰ - ۱۹۱۸) به دفاع از میهن و بسوب ساختمان سیستم نوین سوسیالیستی و اقتصاد و فرهنگ این سیستم به قیام و داشت .

حزب دستور و . ای . لینن «آموزگار ، رهبر و رهبر کارگران و توده های استثمارشونده باشید» را باوفاداری انجام میدهد . حزب کمونیست اتحاد شوروی ، از همان اولین روزهای فعالیت خویش با پیروی از شعار پروگرامی «همه چیز برای انسان ، به سود انسان» صداقت مندانه در خدمت مردم است . تمام پیروزی های مردم اتحاد شوروی ، چه در عرصه کار و چه در میدان جنگ ، از فعالیت حزب جدایی ناپذیر است . زیرا عالی ترین هدف حزب خدمت به مردم می باشد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی ، در تمام مراحل تاریخی مبارزه و ساختمان ، به توده های کارگر اتکاد داشته و سرچشمه قدرت و پیروزی خویش را در میان آنها می بیند . وحدت حزب و مردم ، رابطه حزب با توده ها ریشه های عمیق و همه جانبه دارد .

نخست وحدت بر اساسات مستحکم جهان بینی علمی استوار است و این جهان بینی از سه بخش متشکل می باشد فلسفه ماتریالیسم دیاکتیک ، تیوری اقتصادی مارکسیسم آموزش علمی درباره سوسیالیسم و جامعه بری از استثمار . حزب کمونیست اتحاد شوروی ، با آگاهی از قوانین عینی تکامل اجتماعی رهبری میشود . جهان بینی علمی ، از جهت بندی های معاصر و قوانین گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و جامعه ی بری از استثمار ، تحلیل عینی و راستین بدست میدهد و حزب را باشیوه های علمی بررسی و تغییر حقایق اجتماعی آشنا می سازد . حزب کمونیست اتحاد شوروی تیوری انقلابی را با عمل انقلابی توأم ساخته و تمام فعالیت های خویش را مطابق با مفکوره های عالی کمونیسم ، موافق با منافع توده های کارگر ، از نگاه تیوری ، در مارکسیسم - لنینیسم تفسیر و تثبیت کرده است . پراتیک خوب ترین محک هر تیوری است . صحت و حقیقت تیوری مارکسیسم - لنینیسم در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، موفقیت سوسیالیسم در اتحاد شوروی ، رشد همکاری بین کشورهای سوسیالیستی ، سقوط سیستم استعماری امپریالیسم ، رشد جنبش های آزادی بخش ملی و تغییر تعادل قوا در جهان به نفع صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم ، به طور انکار ناپذیری به ثبوت رسید .

پراتیک اجتماعی و تحلیل انتقادی از فعالیت حزب با استفاده از رویدادهای نو ، سرچشمه بی پایان غنای تیوری یک حزب می باشد . تکامل تیوری مارکسیسم - لنینیسم و کار برد آن در حل معضلات ساختمان کمونیسم معاصر و روابط بین المللی ، شرط جدایی ناپذیر طرح یک پالیسی ریالیستیک و دارای اساسات علمی می باشد .

در پر تو فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی - سوسیالیسم از یک پیش بینی علمی به یک حقیقت عینی مبدل شد . آموزش مارکسیستی - لنینیستی در بازهٔ ساختمان سوسیالیسم که توسط تجربه در بسیاری از کشورهای جهان به ثبوت رسیده رهنمای عمل کمونیست‌ها و توده‌های کارگر قرار گرفته است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی به همکاری سایر احزاب برادر مفهوم جامعه پیشرفته سوسیالیستی را وسعت داد . این مسایل که در جریان ایجاد سوسیالیسم پیشرفته ، حزب طبقه کارگر در عین حال پیشاهنگ و حزب و همه‌ی مردم میشود و دولت دیکتاتوری پرولناریا به دولت عمه مردم رشد می‌یابد و جامعه شوروی به جامعه‌ی نوین ، از نگاه تاریخ ، تکامل می‌کند دارای اهمیت بزرگ تیوریک و پراتیک می‌باشد .

در شرایط سوسیالیسم پیشرفته احکام دانش مارکسیسم - لنینیسم (محتوای پالیسی حزب کمونیست اتحاد شوروی) در اختیار توده‌ها بوده و رهنمای عمل قرار می‌گیرد . کارل مارکس نوشته بود «تیوری آنگاه به نیروی مادی مبدل میشود که مغز توده‌ها را تسخیر کند» عمل خلاق که از میان توده‌های کارگر بر می‌خیزد ، ابتکار و علاقه مندی به کار ، به انکشاف جامعه شوروی قدرت تعجیل نیرومندی می‌بخشد .

مردم اتحاد شوروی در عمل در یافته است که پالیسی اقتصادی و اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی متوجه رشد و امدار سطح زندگی ، رشد سوزون ، همه جانبه و آزادانه‌ی هر توده اتحاد شوروی می‌باشد . مردم اتحاد شوروی ، تحت رهبری حزب ، در یک مدت بسیار کوتاه ، توانست نیروی مولده قدرت مندی را ایجاد کند که اتحاد شوروی را در قطار پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان قرار داد . در نتیجه ، سهم اتحاد شوروی در عواید صنعتی جهان از یک فیصد در سال ( ۱۹۲۲ ) به تقریباً به ( ۲۰ ) فیصد در حال حاضر افزایش یافت .

امروز اقتصاد اتحاد شوروی توان آنرا دارد که هرگونه وظیفه علمی و تخنیک ، اقتصادی را با موفقیت انجام دهد ، ساختمان کشتی‌های فضای کشتی‌های اتمی کارخانه بزرگ نفت و گاز تیمان که شهرت جهانی دارد و اتوماش *Atomash* \* ساختمان راه آهن ، با یکال ، آمور ، بهره برداری از منابع طبیعی سایبریا ، شرق دور و شمال ، گواه این مطلب است . هر سال در اتحاد شوروی اضافه از ( ۲۰۰ ) تصدی صنعتی به کار گماشته میشود و اضافه از دو میلیون منزل جدید اعمار می‌گردد . در عرصه های فرهنگ ، دو سازی و آموزش و پرورش پیروزی‌های

\* دستگاه ماشین سازی اتمی ولگدانسک .

بزرگی حاصل می‌گردد و از هر هزار نفری که در سال ( ۱۹۷۹ ) در اقتصاد ملی اشتغال داشت ، اضافه از ( ۸۰۰ ) نفر دارای تعلیمات عالی و ثانوی است .

در یک دولتی که متعلق به همه مردم باشد ، انسان بلندترین ارزش را دارا است و عالی‌ترین خواست او هم تولید اجتماعی ، سنگ تهاد پالیسی دولت ، می‌باشد . در نتیجه موفقیت‌های که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آمده است ، اتباع آن کشور از حق تضمین ، حفظ صحت و داشتن خانه ، حق استفاده از دست آوردهای فرهنگی ، حق سهم‌گیری در تنظیم و اداره دولت و امور اجتماعی و سایر حقوق و امتیازات ، برخوردارند .

سازمان‌های اجتماعی و دولتی کا نا لهای قابل اعتماد ، تقویه پیوند حزب با مردم می‌باشند . حزب ، به مثابه هسته بی سیستم سیاسی جامعه شوروی ، مشی سیاسی خویش را توسط کمونست‌های که درین سازمان‌ها کار می‌کنند عملی می‌سازد . نزدیک به یک میلیون کمونست‌ها نمایندگان شوراها انتخاب شده‌اند و در میان فعالین منتخب اتحادیه‌ها ( تر دیونیون‌ها ) تقریباً چهار میلیون کمونست‌ها اند .

حزب کمونیست اتحاد شوروی ، به رشد فهم سیاسی نمایندگان شوراهای مردم ، که نقش ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی مطابق به قانون اساسی جدید به اندازه قابل ملاحظه بی افزایش یافته است همیشه توجه زیادی مبذول میدارد .

شخصیت‌های کمونستی منفرد و اشخاص غیر حزبی که حزب کمونیست اتحاد شوروی در انتخابات با آن‌ها مقابل میشود . علاوه از اینکه بهترین نمایندگان مردم به شوراها و فعالیت‌های عالی و سیاسی توده‌های کارگر می‌باشند ، وحدت فشرده‌ی حزب و مردم را نیز تامین می‌کنند . نتایج انتخابات شوراهای عالی جمهوری‌های اتحادی و خود مختار و نمایندگان شوراهای محلی مردم در فبروری سال ( ۱۹۸۰ ) ، مطلب متذکره را به ثبوت می‌رساند . تقریباً تمام نفوس ( از سن ۱۸ به بالا ) درین انتخابات سهم گرفتند و اکثریت انتخاب کنندگان به شخصیت‌های کمونیستی و اشخاص غیر حزبی رای دادند . ترکیب نمایندگان شوراها محلی قرار زیر بود : کارگران و ده‌قین ( ۶۸ ، ۶ ) فیصد ، تقریباً نیمی از کل نمایندگان زنان بودند ، اشخاص جوان پایین تر از سن سی ( ۳۳ ) فیصد را تشکیل میدادند ، در نتیجه ( ۴۳ ، ۲ ) فیصد را اعضا کاندیدهای عضویت حزب کمونیست و ( ۵۸ ، ۸ ) فیصد را اشخاص غیر حزبی در بر میگرفت .

این داده‌ها ، نمایانگر قدرت حقیقی مردم در اتحاد



افسر کار آزموده از تجارب  
خویش به سرایان ارتش  
سرخ سخن میگوید.



نیک و تأمین امنیت بین خلقها توجیه گردیده است .  
اما نیروهای ارتجاع و امپریالیسم ، بالاترازمه  
حلقه های ارتجاعی ایالات متحده به کمک  
رهبران پیکنگ ، به بهانه یی از ریشه یی اساس  
و غیر قابل باور «تهدید نظامی شوروی» دیوانه وار  
مسابقه تسلیحاتی را شدت میدهند و هیجان جنگ را بر  
می انگیزند .

مردم اتحاد شوروی یقین دارند که حزب آنها  
مسیر سیاست خارجی لنینی را تعقیب میکنند . این مسیر به  
گفته ل. ای. بریژنف عبارت از عشق به صلح و جلوگیری  
از جنگ است . پراتیک دهه های گذشته صحت این  
سیاست را به ثبوت رسانیده و در آینده نیز تعقیب خواهد شد .  
در اثنای سال های مشقت بار جنگ با نازی ها ، حزب با

مردم و در پیشا پیش مردم قرارداد داشت . در جریان جنگ کبیر  
میهنی (۴۵ - ۱۹۴۱) ، ۱ / ۶۴۰۰۰۰ تن کمونیست ها در  
نیروی دریایی و ارتش تجهیز شدند که این تعداد  
معادل به نصف اعضای حزب در تابستان سال (۱۹۴۱)  
بود . حوزه های حزب طوردوامدار ، توسط بهترین سر-  
بازان و قوماندانان تقویه میشد . تا پایان جنگ از  
هر چهار نفر رزمنده یک تن عضو یا کاندید عضویت حزب  
بود که در میان ایشان از بسیاری فعالین حزب میتوان  
یاد آوری کرد به شمول لیونید ، ایلچ بریژنف ، فعال  
دیبر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی .  
وی به پیروی از وجدان خویش در همان اولین روزهای  
جنگ کمر به قصد جبهه بست و تا روز پیروزی با دشمنان  
جنگید . ل. ای. بریژنف در کتاب خویش بنام «زمین

جماهیر شوروی ، موفقیت دموکراسی شوروی و وحدت  
فشرده یی حزب و مردم می باشد .

تعمیق دموکراتیزه ساختن حیات کشور و تقویه  
موقف فرد در جامعه شرط ضروری پیوند استوار حزب با  
توده های می باشد این جریان در اتحاد شوروی بدون  
گسست ادامه دارد قانون اساسی جدید دولت شوروی  
نه تنها از حقوق و وظایف اساسی اتباع شوروی  
پشتیبانی کرده بلکه آنرا از نگاه مادی و حقوقی تضمین  
نیز کرده است . این مثال تثبیت می کند که مفکوره های  
مانند آزادی ، حقوق بشر ، دموکراسی و عدالت اجتماعی  
صرف در شرایط سوسیالیسم ، معنی همه جا نده دارد .

سیاست خارجی صلح آمیز لنینی دولت شوروی که

اساسات آنرا کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی  
معین می کند و قانون اساسی اتحاد شوروی از آن حمایت  
کرده است ، از کمک مداوم و پایداری تمام مردم شوروی  
برخوردار است . این قانون متکی به اصول انترناسیو-  
نالیسم پرولتری و همزیستی صلح آمیز دول دارای  
سیستم های اجتماعی مختلف می باشد . این پالیسی  
دموکراتیک و بشر دوستانه است . حزب کمونیست  
اتحاد شوروی از سیاست استحکام و وحدت برادرانه  
کشور های سوسیالیستی ، کمک از مبارزه برحق ملل  
برای آزادی و استقلال شان ، مبارزه برای جلوگیری از  
مسابقه تسلیحاتی ، مبارزه برای دینان و همکاری  
متقابل در عرصه های اقتصادی ، علمی و فرهنگی طور  
پیوسته و پایداری دنبال می کند . تمام فعالیت علمی حزب  
کمونیست و دولت شوروی برای حصول این اهداف

کوچک» مینویسد: «اندیشه های دفاع از میهن بر من چیره شد تا وجب به وجب با دشمن بجنگم، جنگ را تا پایان ادامه دهم، تا پیروزی - این یگانه راه بازگشت صالح به روی زمین بود.»

کمونیست ها همیشه در خط اول جبهه جرأت و شهامت از خود نشان میدادند. این مساله نقش مهم و استثنایی در افزایش ثروت ها، بلند بردن دسپلین و مورال آنها و تصمیم شان برای پیروزی بازی کرده است. سه ملیون تن کمونیست در میدان نبرد قهرمانانه جان خویش را باختند و در همان زمان منیون ها میهن پرست صفوف حزب را تقویه کردند.

مشکل است بتوان نمونه های بالاتر از این برای وحدت حزب و مردم پیدا کرد.

حزب وحدت نزدیک خویش را با مردم در نتیجه فشرده ساختن صفوف خویش تقویه کرد. راه دشواری

راه از شیوه های بدوی کار گرفته تا تشکیلات متحد و یک سان تمام اشخاصیکه دارای عین نظر و وحدت عمل بودند، پیمود. حزب با پیروی از دستاورد لنین، از انواع گوناگون فرکسیون بازی ها، خود را نجات داده، بر ضد آنانیکه «در لفظ انقلابی بودند» و توسط اعمال خویش وحدت صفوف حزب را برهم میزدند و پیوند حزب را با توده ها تضعیف میکردند قاطعانه مبارزه کرد.

در اوضاع بغرنج و متغیر آمادگی برای انقلاب کبیر اکتوبر و در جنگ بعدی با ضد انقلابیون داخلی و خارجی (۲۰ - ۱۹۱۸). حزب پیوند نزدیک خویش را با اقشار مختلف اهالی حفظ کرد، اشکال سازمانی و شیوه های فعالیت خویش را پیوسته تکامل داد. حزب کمونیست اتحاد شوروی بعد از آنکه قدرت را بدست آورد، جریان دموکراسی داخلی حزبی را همیشه دنبال کرد و تکامل بخشید.

شاخص کثیرالماتی کشور تاثیر قاطعی بر ساختمان تشکیلاتی حزب داشته است. فیصله بی که در کنگره هشتم حزب به عمل آمد، یگانه شکل تشکیلاتی حزب را بنظر اعلان نمود: «حزب واحد متمرکز کمونیستی دارای کمیته مرکزی واحد» بدین ترتیب تشکیلات و عمل کرد، یک حزب به قدرت رسیده، فشرده و یک پارچه شکل گرفت که توانست تمام کمونیست ها را صرف نظر از اینکه به کدام ملیت تعلق دارند متحد سازد و تشکیلات حزبی جمهوریته ها را به مثابه جز متشکله جدایی ناپذیر خود در بر گیرد.

وحدت شکست ناپذیر و پیوند رو به افزایش حزب کمونیست اتحاد شوروی را با توده ها، ترکیب اجتماعی حزب و بهتر سازی اشکال تشکیلاتی و شیوه های رهبری

آن، تضمین کرده است. حزب کمونیست اتحاد شوروی که حزب طبقه کارگر است، در جریان ساختمان سو-سیالیسم پیشرفته، حزب همه ی مردم اتحاد شوروی میشود و در اثر پیوستن نمایندگان طبقات و اقشار گوناگون به صفوف حزب، حوزه های آن همه روزه گسترش میابد. در (۱۹۲۲) هنگامیکه حزب به تغییرات سوسیالیستی اقدام کرد، تعداد دقیق اعضای حزب کمی اضافه تر از (۵۲۸۰۰۰) نفر بود، اکنون این تعداد اضافه از (۱۷) ملیون نفر میباشد. این بدان معنی است که از هر (۹) تن تبعه کارگر اتحاد شوروی یک نفر آن عضو حزب است بدین حساب، (۴۳) فیصد اعضای حزب کارگران و سیزده فیصد آن دهاقین کولکتیف میباشند.

کمونیست ها همیشه در میان توده ها هستند، آنها را مخصوصاً در بخش های ساختمان کمونیسم، بیشتر از همه به کار مصروف هستند. تقریباً از هر چار نفر کمونیست سه تن آن در حوزه تولید مادی کار میکنند (در عرصه صنعت و ساختمان ۳۹،۱ فیصد، در زراعت ۲۰،۲ فیصد و در ترانسپورت و مخابرات ۸،۲ فیصد). در ساحه های سیاست، امور طبی و فرهنگ (۱۶،۲) فیصد و شخصیت های اداری (۸،۶) فیصد کمونیست ها را در بر میگیرد. داده های احصایوی زیرین تحرك «تکامل و تنویر روابط حزب کمونیست اتحاد شوروی با مردم و افزایش اعتبار آن در میان توده ها را بروشنی گواهی میدهد. در اتحاد شوروی، در آغاز سال (۱۹۸۰)، ۴۰۰۰/۱۰۰۰ سازمان اولیه حزبی، اضافه از ۴۰۰۰/۱۰۰۰ سازمان های شعبات و دوایر و تقریباً (۵۳۰۰۰۰) دسته حزبی وجود داشت. در روابط با ایجاد شبکه وسیع دستگاه های بزرگ و کارخانه مختلط صنعتی - زراعتی، سازمان های حزبی و کمیته های حزبی مربوط هم سازمان داده شد.

عامل بسیار مهمی در تقویه وحدت حزب و مردم

رشد مداوم سویه تعلیم و تربیت عمومی و شایستگی و

آبدیده گی آیدیا لویژیک کدر های حزبی میباشد.

در اوایل (۱۹۸۰)، ۹۹/۵ فیصد منشی های کمیته های مرکزی جمهوریت های اتحادی، کمیته های احزاب کمونیستی مناطق و سرزمین های خود مختار، تحصیلات عالی داشتند؛ اضافه از (۷۱) فیصد آنها متخصص صنعتی یا زراعتی بودند.

منشی های کمیته های شهری و ناحیوی نیز دارای همان سویه بودند.

بمنظور پرورش کدر های رهبری دارای کیفیت عالی علمی، اکادمی علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب



کمونیزست اتحاد شوروی سازمان داده شد. فعلاً این اکادمی، پرورشگاه مرکزی، علمی و میتودولوژی علمی، تمام سیستم پرورش کدرهای حزبی، حکومتی و کارآید-یا لوژیک میباشد.

علاقه و مشخصاتی مانند افزایش حجم فعالیت حزب در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، زندگی معنوی و فرهنگ اصلاح ساخت تشکیلاتی حزب، بهتر سازی شیوه های رهبری حزب بر فعالیت دولت و سازمان های اجتماعی طبقه کارگر تأثیر رو به تزاید نقش حزب کمونیزست را در میان توده ها نشان میدهد.

حزب، در میان کارکنان دولتی و سازمان های اجتماعی، سبک لینی کار را راسخ میدهد؛ یعنی پیوند همیشگی با توده ها، آگاهی طبقاتی، کار به مثابه مصروفیت، بررسی و واریسی اجراآت، آشتی ناپذیری با تصمیمات ارزیابی نقادانهی نتایج حاصله، فرهنگ عالی در کار، دقت، سلامت، مؤثریت، لیاقت و هنر مندی در انجام کاری که آغاز شده است.

وحدت حزب لینی و همه ی مردم شوروی از جنب و جوش میهن پرستانه یی که به استقبال از بیست و ششمین کنگره حزب کمونیزست اتحاد شوروی به نحو شایسته یی مراسم کشور را فرا گرفته بود به روشنی هویدا است. مردم شوروی هر کنگره را مانند یک جشن بزرگ استقبال میکنند. درین روزها هر تبعه اتحاد شوروی - عضو حزب باشد یا نباشد - دقیق و دقیقتر متوجه میشود که او (زن باشد یا مرد) در سر نوشت کشور سهم است. اینها همه لیاقت و وحدت فشرده و پیوسته مردم شوروی است. دلچسپی و علاقمندی به کار و خوش بینی اجتماعی در همه جا بچشم میخورد هر کس؛ فعالیت روزمره، پرورزی فعلی و موفقیت آینده و آینده روشن خود را با حزب پیشوای بزرگ طبقه کارگر پیوند میدهد.

حزب و مردم یکی است. لیونید ایلیچ بریژنف بحق میگوید: «کوشش برای در مقابل هم قرار دادن حزب و مردم با یادآوری از دیکتاتوری حزب، در حکم تلاش برای جدا ساختن قلب از بدن است.»



پارتیزان های یوگوسلاوی همراه با قطعات ارتش سرخ اتحاد شوروی به بگرامراد اخل میشوند

مردم،

انقلاب،



## وجبهه‌ی وسیع ملی پدر و وطن

استفاده میکرده‌اند و بدست آویزها و وسیله‌ها گوناگون متوسل می‌شده‌اند نمابندگان و دست نشاندگان خود را در لباس‌ها و نقاب‌ها و پوشش‌های گوناگون بجان مردم ماسی انداختند و به این وسیله میخواستند باروند تاریخ در جهت اوج‌گیری اندیشه‌های مترقی و پیشرو به ستیزه‌بر خیزند که این از اوج جنون زدگی است چرخ‌های تاریخ به پیش می‌رود زمان توقف نمی‌کند و موج آتشفشانی تاریخ از حسن و خاشاک میگذرد سرانجام حقیقت بر باطل و روشنائی بر تاریکی چیرگی می‌یابد. اکنون در سراسر جهان آسیا آفریقا، آمریکای لاتین جنبش‌های ملی و آزادی بخش در تکاپوست ملت‌ها یکی‌یکی به آزادی می‌رسند و سر نوشت خود را خود بدست می‌گیرند نه تسلط اغریه‌ی امپریالیسم و استعمار خانمه و پایان میدهند.

انقلاب شکوهمند و ظمیر آفرین ثور ده به حکومت بهداند گران در سرزمین قهرمان ما پایان داد خشم حلقه‌های امپریالیستی و محافل ارتجاعی را بر انگیزخت چون پای پیروزی انقلاب منافع شان در خطر افتاد امپریالیسم جهانی و در رأس امریکا غارت پیشه به تبلیغ و تخریب و کارشکشی پرداخت و علیه انقلاب افغانستان یکجمله فعالیت‌های ارتجاعی آغاز یافت به یاری امپریالیسم امریکا حفیظ الله امین در حربه و کور انبیک خلق افغانستان توانست رخنه و نفوذ یابد، امین و یانده تباهاکار و از ان جایی که وظیفه داشتند به بدنام کردن اندیشه‌های مترقی پرداختند میهن ما را به زندان بزرگ تبدیل کردند بسیار از وطنپرستان و انقلابی‌های راستین را سر به نیست کردند

میهن افتخار آفرین ما تاریخ شکوهمند دارد. کارنامه‌های نیاکان ما، ما را به پیکار و کار بیشتری وامی‌دارد روان‌گذشتگان ما را به مبارزه می‌طلبند بر ضد تیر و های ارتجاعی و خود فروخته و صادر شده از خارج. گذشتگان ما مبارزه کرده‌اند و با قطره قطره خون خود از ذره ذره خاک غرور آفرین و آزاده‌ی خویش دفاع کرده‌اند. بزرگترین قدرت امپریالیستی وقت بدست نیاکان ما شکست خورده است انگلیسها، که خورشید بر قاعده‌های شان غروب نمی‌کرد با صراحت اعتراف کرده‌اند در سرزمین آریایی‌ها تاب مقاومت نیاوردند و به شکست‌های خویش طیسه جنگ رهایی بخش اقرار کرده‌اند. باری گذشتگان ما سنتی مقدس را بنیاد نهاده‌اند ما که فرزندان آن مردان دلاور هستیم و ادامه دهنده‌ی راه افتخار آفرین آنان. همچنان درین مقطع تاریخ که امپریالیسم فعالیت‌ها و دخالت‌های خویش را در باره خاک آزادگان، کشور عقابان و سرزمین شیر مردان افزودی بخشیده‌است بر همه‌ی مردم افغانستان که به منافع توده‌ها، استقلال ملی و حاکمیت ملی و نمایندگی ارضی افغانستان می‌اندیشند در سنگر دفاع از دست آورده‌ها و ارسمان‌های انقلاب ثور و مرحله‌ی نوین تکامل ملی آن ایستاده‌شوند از اسرار انقلاب که به سر نوشت و زندگی ما رابطه و پیوند دارد دفاع نمایند امپریالیسم و استعمار را از دیر باز به این سو چشم آزمندی و طمع در خاک افغانستان آزاد و مستقل دوخته میخواستند از سر زمین ما مستعمره‌ای بسازند و همه‌ی آزادی‌های اجتماعی، اقتصادی سیاسی ما را سد و سلب نمایند و درین راه از هر شیوه‌ای

فضایی از وحشت و اختناق را پدید آوردند. آمیختگی ها وظیفه داشتند که انقلاب افغانستان را به انحراف و بی راهه بکشانند افغانستان را پارچه پارچه نمایند و با این ارتباط بود که ساطور امین بسیاری از جوانان های زندگی مردم ما را از ریشه قطع کرد. اما روحیه رزمندگی در مردم ما از میان نرفت قیام پیروز مندر شش جدی آخرین حلقه ای لعنت امیر یا لیسم را در هم شکست و مردم ما به آزادی توانستند نفس بکشند. پس از مرحله ی نوین تکامل انقلاب ثور در همه ی زمینه های زندگی مردم ما دیگر گونی های شگرفی پدید آمد برای آنکه سیما بی از امیر یا لیسم و نماینده ی سرسپرده ی او به دست داده با شمیم نگاهی هر چند فشرده و گذرا به دوره ی سیاه آمینی ها و رزمندگی انقلابی های راستین و مرحله ی نوین تکاملی انقلاب ثور می اندازیم و همچنان گام های بی که پر جهت سعادت توده ها پس از مرحله ی نوین تکاملی انقلاب ثور بر داشته شده است و اعلام جبهه ی وسیع ملی پدر وطن که ضامن سعادت مردم است یگانگی و اتحاد شان هم بستگی شان که یک بار دیگر لرزه در کباخ نمایندگان ارتجاع می افکنیم در دوره ی استبداد سلطنتی که اهل دربار با هر اندیشه ای که با منافع شان در تضاد بود و تخت و تاج را تائید نمی کرد بدشمنی و ستیزه برمی خاستند به انقلابی ها و وطن پرستان اجازه فعالیت سیاسی داده نمی شد در همان شرایط اختناق و بیداد، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بفعالیت های خویش در شرایط دشوار ادامه می داد. بزرگ ترین میتینگ ها و تظاهرات خیابانی بوسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان به راه انداخته می شد که در ذهنیت عام تاثیر فراوانی داشت دستگاه سلطنتی که در اثر جبر تاریخ و عکس العمل مردم مجبور شده بود قانون اساسی نیم بندی را تدوین کند که در آن به تظاهرات مسالمت آمیز اجازه داده بود به این پیمان خود هم وفادار نمی ماند. ماده صریح قانون را که خود وضع کرده بود نقض میکرد حوادث خونین پوهنتون و عقرب و کشتار بسیاری از انقلابی ها نشانه ی درنده خوئی دستگاه سلطنتی اند طبقات حاکم افغانستان از یکسو آزادی هایی می دادند و آن را با بی شرمی به رخ مردم می کشیدند و از سوی دیگر همه ی آزادی ها را از مردم باز می ستانند مجال نفس کشیدن بکس نمی دادند. اما همه ی وحشی گری ها و درنده خوئی های سلطنتی نمیتوانست در ایمان و عقیده ی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان خدشه ای وارد آورد در همان روز های شکنجه و تاریکی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر علاوه کار در میان توده وار دودها نان و کارگران، روشنفکران و محصلان و سازمان دادن نیروهای وطنپرست و بسیج زنان مبارزه در یک سنگرو واحد و انتشار رساله ها و اعلامیه ها و شب نامه ها پرداخت.

باری انسان ها اجتماعی آفریده شده اند. از نخستین روزان پیدایی به گونه ی گروهی و دسته جمعی زیسته اند کار کرده اند و تولید نموده اند و آن حاصل کار و تولید را به گونه ی دسته جمعی در میان خود تقسیم کرده اند. انسان نمی تواند در دوری از جامعه و مردم به زندگی ادامه دهد. کارنامه و افتخار بیافریند. انسان در خلوت و تنهایی مانند مردابی از حرکت باز می ماند. می پوسد. از جوهر تهی میشود. انسان در رابطه با جمع است که زنده است می تواند کاری انجام دهد و دنیا را به سود خویش تغییر بدهد. آن گونه که نویسنده بزرگ کتاب «مادر» و نویسنده بسیاری از کتاب های ارزشمند دیگر ما کسیم گورکی به آن باور است « فرد در طول تاریخ نتوانسته است چیزی بیافریند ». این نیروی همه است که می تواند آفریننده ی شاهکارها و شگفتی های بزرگ باشد. از همان روزان نخستین که انسان گام بر کره زمین گذاشت اتحاد، یگانگی، تشکل و همبستگی او ضامن سعادت ها و پیروزی های او بوده است انسان اگر در پی شکار و طعمه ای به گونه ی تنها به جنگل می رفت مورد حمله جانوران وحشی قرار میگرفت به زندگی او خاتمه داده میشد. انسان تنها از همان اول زبون بود. بیچاره و ناتوان بود برای اوعای دیگر وجود نداشت مگر آنکه با جمع بیوندند. با دیگران یگانه وهم بسته شود سرود اتحاد و یکدلی بخواند انسان های نخستین به ضرورت و تجربه دریافته اند که به تنهایی نمی توان کاری شایسته و سزاوار انجام داد تمدن ها و فرهنگ های شکوهمند را بی ریخت، باری تاریخ میهن آزاده ی ما با آنکه تاریخ مقاومت، مبارزه و ستیزه است. سوگمندان تاریخ همبستگی و اتحاد نموده ها نیست. پس از آنکه زندگی به گونه ی کمون در اثر افزون طلبی گروهی برهم خورد، دیگر جاه طلبان به توده ها مجال آن را ندادند که یگانه شوند یک مشت پولادین و یک صدای برطنین. ستم کاران و بیدادگران همیشه از جدا جدا بودن توده ها، دوری ها و افتراق های شان به سود خویش استفاده کرده اند. چون این را دریافته اند که هرگاه توده ها به بیداری و آگاهی برسند قدرت رزمندگی و پیکار میبایند بردار فرسوده ی بیداد پرورش می آورند و سرمایه ی سیاه کاران را بر باد می دهند. با دریافت این نکته است که بیدادگران از حربه ی جدانگاه داشتن دل ها و دست های مردم استفاده کرده اند تا نتوانسته اند تفرقه کاشته اند و پراگندگی پدید آورده اند. فضا را تاریک و آلوده نگاه داشته اند مردم را با بی خبری و نادانی سعادت داده اند تا بیشتر بتوانند تاراج نمایند و غارت کنند. باری

کشور آزاده و خاک افتخار آفرین با آنکه تاریخی درخشان دارد و توده های ما همیشه مبارزه کرده اند اما این مبارزات و پرخاش ها بیکارها و ضدیت ها با دستگاه های دولتی به گونه ای فردی، وپراکنده بوده است. توده های ما همیشه از حق و عدالت و آزادی پاسداری کرده اند اما آن گسونه کسه اشاره شه بسه گسونه ی پراگسنده ، انسفرادی و جسدا جدا باری حفیظ الله امین و باند تباها کار او از طرف امپریالیسم امریکا وظیفه داشتند که با اندیشه های رهایی بخش زمان مادرین گوشه از جهان که از نظر موقعیت جغرافیایی و استراتژی یک اهمیت ویژه دارد ، به مبارزه و ستیزه برخیزند و نگذارند که ارمان مقدس حزب دموکراتیک خلق افغانستان زمینه تحقق بیادامینی های غارت پیشه تا توانستند به حزب ، مردم و مقوله های علمی زمان ما خیانت روا داشتند و قتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنیاد نهاده شد گویی ناقوس سرگد نیای سرمایه و انحصارات به صدا درآمد توطئه چینی و دسیسه سازی علیه حزب آغاز نهاده شد دشمن از دو جانب به فعالیت های خصمانه ی، خویش آغاز نهاد گروهی از زمین داران و آنها بی را که همیشه از خون دهقانان لعل ناب ساخته اند و بدون آنکه مستحق باشند همه ی امتیازات و امکانات زندگی را فراچنگ آورده اند برانگیخت که حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جهت ضد منافع آنان حرکت می کند و هدف های انقلابی دارد این تبلیغات تا جایی کارگر افتاد و ارتجاع داخلی که همیشه از اوضاع و احوال اجتماعی به سود خویش استفاده کرده است در پی بهانه جوئی برآمد ، از سادگی و خوش باوری توده ها استفاده کرده و با عنوان کردن این تزه های میان خالی و پوچ که در افغانستان دین در خطر افتاده است چنان شده و چنین شده است گروهی از خوش باوران را تحریک کرد و همچنان گروهی از رهنان ، قطاع الطریقان که همیشه مفت خورده اند ، کار نکردند و به گونه طفیلی بسر برده اند .

امپریالیسم و استعمار با اندیشه های مترقی و رهایی بخش کینه دیرینه دارد و قتی دید که در افغانستان انقلاب مردمی پیروز گردید یگانه نماینده وفادار خویش حفیظ الله امین را که قبلاً تربیت داده بود موظف ساخت که در حزب نفوذ بیشتری نماید و مقامات دولتی را هم غضب کند و مسیر انقلاب و حزب را به انحراف بکشانند حفیظ الله امین جنایت گرو باند تباها کار او از سرو وظیفه ای که داشتند دست به تخریب حزب و دست آوردها و ارمان های انقلاب ثور زدند . آنهم در لباس از انقلابی گری مسخ کردن اندیشه های مترقی حفیظ الله امین و باند

سیاهکار او که همه دست نشاندگان و مزدوران خوان امپریالیسم و استعمار بودند تا جایی توانستند با حته بازی و نیرنگ ، فریب و ترفند به آمال شوم خویش برسند و سرام سیاه دستگاه جاسوسی امریکا را به تحقیق برسانند امینی ها بسیار از کدرهای برجسته حزب را بایی رحمانه ترین و غیر انسانی ترین صورت آن روانه ی سلول های زندان ها و کشتار گاه ها کردند در کشور ما فضایی از وحشت و اختناق پدید آوردند از آن جای که وظیفه ی نامقدس شان ایجاب میکرد در راه بد نام کردن جهان یعنی علمی طبقه ی کارگر گامهای فراخی برداشتند امینی ها در نظر داشتند که افغانستان متحد و متشکل ، مستقل و آزاد را پارچه پارچه کنند کلیه ی وطن پرستان فرزندان صدیق اردوی این آب و خاکی را نابود نمایند و این خواست امپریالیسم بود که آنها اجرا می کردند هر تصمیمی که در کاخ سفید گرفته می شد اینان ما موران اجرای آن بودند بدون آنکه از خود اراده و تصمیمی داشته باشند لنگ های بی اراده و غروسک های کولک شده بودند نمی خواستند که افغانستان به آزادی و سر بلندی و ترقی برسد تا توانستند در کشور ما بیداد و اداشتند انشی مردان مبارابی رحمانه از دم تیغ کشیدند و بسیاری از شخصیت های فرهنگی و نظامی را در زندان انداختند و مجال تفکر و اندیشه را از آنان گرفتند در ظاهر دم از مقولات و انگاره های مترقی و انقلابی می زدند اما در باطن دشمنان سرسخت اندیشه های پیشرو و رهایی بخش بودند بد انقلابی گری نظاهر می کردند اما در ماهیت امر با اندیشه های رهایی بخش و انقلابی دشمنی می ورزیدند امینی ها خیانت های صریحی را مرتکب شدند که تاریخ هرگز آن همه بیداد گری و خیانت را نمی بخشد آرامش از کشور ساخت بر بست نفس ها در سینه ها زندانی گردید فضایی از وحشت و ترور و اختناق به وجود آمد هیچکس احساس امنیت نمی کرد پیره ، جوان ، زن ، مرد ، کودک ، از سایه خود می ترسید امینی ها در هر خانه و کارخانه و موسسات جاسوسی و خبر کشی گماشته بودند جاسوسان امینی ها برای آن که مقرری دریافت می کردند بایی شرمی هر چه تمام تر گزارش های دروغ و با از سر خصوصت و عناد شخصی به دستگاه های لعنتی شکیبجه تحویل می دادند سرنوشت یک انسان سرگ به زندگی او به دست یک خبر کش بود ما موران سرگ امینی ها به دنبال آنکه دلیلی در دست داشته باشند نمی گشتند آنها انگشت تر کرده بودند و وطن پرست می چستند آنکه سودایی این درس داشت و به منفع مردم و زحمت کسان س از انجیب جایش زندان ها و شکنجه گاه ها و پولیگون بود امینی ها بیداد را به جای رسانده بودند که اندک ترین احساسات مسوولیت نمی کردند اسناد مدارک و شواهدی که از

دوره امینی‌ها در دست است گواه صادقی است بر اعمال  
بیداد گرانه آنها اما از آن جایی که عمر تنها کاران  
و دروغ‌گویان کوتاه است و با نیرنگ نمی‌توان مردم  
را فریب داد. قیام پیروزمند شش‌جدا به حکومت  
بیداد و خیانت، استبداد و شکنجه پایان داده شش‌جدا  
مرحله‌ی نوین تکاملی انقلاب ثور مردم، حزب، انقلاب  
و وطن را از شر گماشتگان امپریالیسم رهایی بخشید  
مردم آزادی خود را باز یافتند دوران طاغوتی پایان  
یافت و روزهای گرم و یاقوتی آغاز شد.

امادر سرانجامه‌ی درخشان حزب دموکراتیک خلق  
افغانستان با وجود همه‌ی توطئه‌ها و نقشه‌های که علیه  
آن چیده می‌شد اندک‌ترین خدشه و تردیدی به وجود  
نیامد با گذشت روزگار اعتماد توده‌ها به حزب افزونی  
یافت، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان در  
میان مردم می‌رفتند و اندیشه‌های علمی را به دهقانان  
و کارگران بازگویی کردند و بدینسان اندیشه به نیروی  
مادی مبدل می‌گردید به‌حر به تبدیل می‌شد که دیگر  
پاسداران دنیای بیداد و تاریکی را با آن تاب مقابله  
و ایستادگی نبود گرچه امپریالیسم جهان‌نخوار و بیداد  
گر برای یک لحظه هم از توطئه‌چینی و دسیسه‌سازی بر علیه  
حزب باز نمی‌ماند اما دیگر حزب به آبدیگی رسیده و -  
همچنان راه خود ادامه می‌داد پس از مرحله نوین تکامل  
انقلاب ثور حزب و دولت در پی آن برآمدند که زخم‌های  
مردم را درمان نمایند زخم‌هایی را که امینی‌های خاین  
به وجود آورده بودند همه مردم از در ماتم و سوگواری  
و اندوه - شانه‌بند بودند اکنون - بیشتر از یکسال  
از مرحله نوین تکامل - انقلاب ثور -

می‌گذرد ما می‌نگریم که در وطن ما شوروی و تسکائی برای  
ساختن یک افغانستان آباد و سربلند و شگوفان به وجود  
آمده است. با آنکه اجیران، اشرار و مزدوران ارتجاع  
جهانی امپریالیسم بین‌المللی هنوز به تبلیغ تخریب و  
مداخله در امور افغانستان ادامه می‌دهند و اکنون  
انقلاب از خود با قاطعیت دفاع کرده درین مدت اندک  
در کشور ما جوانه‌هایی از یک زندگانی  
شگوفان و نوین آینه‌پدید آمده است جبهه وسیع پدر وطن  
که از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلام  
شده است در میان همه‌ی اقشار جامعه‌ی طنین گسترده  
یافته است اکنون همه نیروهای ملی و وطن پرست که  
می‌خواهند افغانستان به سوی تکامل، پیشرفت و شگوفایی  
گام بردارد به دعوت حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
پاسخ صمیمانه می‌دهند.

مردم اکنون دریافته‌اند که اصول اساسی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان ضامن سعادت و زندگی  
آنهاست از حقوق آنها که در سراسر تاریخ از طرف  
بیدادگران پامال شده است با قاطعیت تمام دفاع میکنند  
باری مردم پی برده‌اند که همه‌ی تبلیغات و کار شکنی‌های  
محافل ارتجاعی غرب بی‌بنیاد و غرض‌آلوده بوده است  
و بجای نمی‌رسد انقلاب شکوهمند ثور و مرحله‌ی نوین تکاملی  
آن برگشت‌ناپذیر است، همچنان به پیش می‌تازد این  
کاروان به راه پیمایی ادامه می‌دهد به شهر آفتاب به  
شهر روشنائی به دیار حقیقت و آزادی می‌رسد همه‌ی  
تلاش‌ها کوشش‌ها و تقلاهای دشمنان بی‌حاصل است.

قوامی مسلح و خاندان در جمهور دموکراتیک افغانستان از دست آورد ما را از انقلاب ثور، استقلال ملل، وحدت  
و تمامیت ارضی و حاکمیت ملل کشور دفاع میکنند. «ماده هشتم اصول و سیرج ۱۰۰»

# اشغال نقط مرتفع و حاکم

نوشته: جکپن باسین

مثلاً، خندقهای ارتباطی ساخته بوده و شب را در آنجا سپری مینمودند، خوبتر احساس مینمودند.

ولسوالی بریکوت بازاری هم داشت که بعضاً سر بازان برای خرید اشیای مورد ضرورت بدانجا میرفتند.

سر بازانیکه به بازار میرفتند، میدیدند که اطفال خورد با معصومیت زیاد در حالیکه بعضی از ایشان حتی پیراهن و تنبان هم نداشتند، مشغول بازی هستند. و وقتی اگر موتر، تانک و یا طیاره بی رامشاهده میکردند با خوشحالی زیاد هلهله برپا نموده و از هر طرف به سوی میدان نشست طیاره هجوم میبردند و به اسرع وقت اطراف میدان از اطفال و بعضاً کلان سالان پر میکردید ...

شب این ناحیه آنقدر تاریک بود که انسان بمشکل میتوانست پیش رویش را ببیند. حتی در شبهای مهتابی هم، نسبت کوهستانی بودن این منطقه نور مهتاب اطراف را روشن نموده نمیتوانست، فقط ستاره ها در آسمان معلوم میشدند و بس. و این نکته برای ما و سر بازانیکه حافظ امنیت این منطقه بودیم، مشکلات زیادی را به بار آورده بود.

ما برای اینکه این محله را از حملات ناگهانی دشمن نجات داده باشیم، امنیت منطقه را به صورت حلقوی گرفته بودیم. خصوصاً در شبهای که بموتاز دشمن زیاد میشد و آن بموتازها اکثر توسط اطفال محله پخش میکردید، برای من که قوماندهان تولی بودم این وضع خیلی ها مشکل بود تا ذهیت سر بازان را روشن و آنم را ازین تشویش برهانم. تشویشی که خواب و ابراهشان تلخ ساخته بود و تا صبح ایشان را مشوش و بیدار نگه میداشت ... من هر ساعت خود را مجبور میدانستم تا به موضع هر یک ازین سر بازان بروم و از نزدیک با آن ها به گفت و شنود بپردازم. آنها مرا مانند رفیق صمیمی خود مینداشتند و حتی رازهای خانوادگی خود را با من در میان میگذاشتند و از من مشورت میخواستند من نیز مانند فیلسوفی که به همه علوم وارد باشد به نصیحت و دادن مشوره ها میپرداختم ...

حال در اینجا اجازه میخواهم به تشریح یکی از شبهای برخاطره زندگیم در آن ناحیه، بپردازم:

شب بود، سر بازان همه نیم خفته بودند، سکوت بر همه

بریکوت ولسوالی دور افتاده بی در ولایت کنرهاست، این ولسوالی از سه طرف با کوههای سر به فلک کشیده احاطه شده و به طرف شمال آن دریای سیلابی وسیعی در جریان است. ولسوالی بریکوت توسط یک جاده عمومی که اکثر جاهای آن توسط خمپاره های طیاره و یا ذریعه عناصر ضد انقلاب تخریب گردیده بود، به ولایت ننگرهار وصل میگردد. اکمالات درین منطقه بنا بر دلیل فوق ذریعه طیاره صورت میگرفت. در قسمت وسطی این ولسوالی میدان وسیعی که توسط سر بازان برای فرود آمدن طیاره عیار گردیده بود، وجود داشت همچنان درین ناحیه عمارت رنگ رو رفته قدیمی که دارای اتاقهای زیاد بوده و اصلاً برای رهایش ولسوال و اجرای امور رسمی وی ساخته شده بود، موجود بود که در آن زمان از آن منجیث محل قومانده و غیره امور نظامی کار گرفته میشد. دورتر ازین محل در دامنه کوه منازل مسکونی که به طرز خاص اهالی نورستان با سلیقه مخصوص تزیین یافته بود، دیده میشد. دریای خروشان و عظیم کنرها که درین دره در جریان بود، با آنکه آب گل آلود داشت اما کاملاً قابل نوشیدن بود. روی ساحل طرف مقابل این دریا قریه بی موبوط و در پهلوئی آن تانسه بسایر قهه های رنگ و رو رفته آن نمایان بود. از جاده که به این تانسه منتهی میگشت، همیشه گرد و خاک بلند بود و این موضوع را روشن میساخت که درین منطقه اکمالات نظامی صورت میگردد. حتی بعضی اوقات صدای تانکها نیز به گوش میرسید که به این تانسه نزدیک میشد. همچنان پلی بالای این دریا به طول تقریبی دو صد متر وجود داشت که ولسوالی بریکوت را با یک قریه ارتباط میداد. در پهلوئی میدان نشست طیاره قبرستانی که جدیداً اعمار گردیده بود دیده میشد که قبرهای آن با پارچه های سرخ رنگ تزیین یافته بود و آرامگاه شهدای راه آزادی، سر بازان غیور و وطنپرستان اصیل را تشکیل میداد، به منطقه شکوه خاصی میبخشید ...

هوای منطقه خیلی گوارا بود، فقط صبحگاهان کمی سردی احساس میشد. بخصوص این سرما را سر بازانیکه درستگرا بی که خودشان آنرا به اشکال مختلف چار ضلعی

چاپیره گشته بود. فقط صدای «خبردار» «خبردار» بهره داران ازدور و نزدیک به گوش میرسید. هوا کم کم رو به سردی گذاشته بود. عقربه ساعت ۴:۵۵، شب را نشان میداد را دست دستگاه (نفرمخا برة طامت بلند) به طرف دستگاه مربوطه روان شد. وی میخواست تا ارتباط ما را با قدمه ما فوق تأمین نماید. جنراتور دستگاه با صدای بلند به فعالیت آغاز نمود. رادست دروازه را بست و گوشی های مکرر فون را به گوش خود گذاشت و بعد از آنکه دستگاه را به صورت دقیق عیار نمود، اولین سنگل مورد نظر را به طرف مقابل ارسال داشت. بالاخره ساعت (۲) شب ارتباط برقرار گردید.

من بر علاوه قدمانندانی تولى مسؤول ارتباط مخابره ما- دون و ما فوق نیز بودم و مسؤولیت احساس می نمودم تا در هر ارتباط با ما فوق اشتراك نمائیم. راپور را گرفتیم، کتابچه جدول مکالمه را باز نموده و شروع به خواندن کردیم در آن چنین خواندم: «تام ساعت ۴ صبح به استقامت دو آب حرکت و بعد از ۲۴ ساعت، قطعه قلمه کوه دو آب را اشغال نماید. ق ق...» ۹۹

راپور را به قوماندان قطعه بردم او فوراً دست بکار شد و توسط بی سیم بدیگر قوماندانان تولى امر احضارات داد. در یک چشم بهم زدن همه بی سیم ها را بردیم و همه سر بازان به بستن تجهیزات و جمع نمودن وسایل مربوطه شان شروع نمودند. همه سر بازان تماماً استحقاق سه روزه نان و گوشت خویش را اخذ نمود و ساعت سه و نیم شب بروی چاده عمومی بشکل صف قطارها ایستاده بودند. لحظه پس معاون سیاسی فرقه پیشروی قطار ظاهر گردیده و درین لحظات کوتاه گفت و شنود کوتاهی با سر بازان جهت بلند بردن مورال ایشان و متوجه ساختن آنان به مسؤولیت های خطیرشان، انجام داده و سپس با آنان خدا حافظی و روبوسی نمود.

قوماندان قطعه به تولى اول که من در رأس آن قرار داشتم و تولى حما به که یکتا تون قوماندان آن بود وظیفه داد تا در حصه «باغچه» از پل ریسمانی که توسط وطنپرستان ساخته شده و بالای دریاچه که از استقامت کامدیش به دریای کتر می ریزد، واقع است، گذشته و جناح راست قطعه را مستور نمائیم. من هفت تن از سر بازان را که نسبت بدیگران وضعیت، جاربوی خود را تحلیل نموده میتوانستند با یک تن ضابط بحیث پیشدار، فراخو اندم. آنها نشان زن های ورزیده و سر بازان شجاعی بودند. امر مارش داده شد. پیشدار بمسافت بکصد متر در پیشروی ما به رفتار آغاز نمود. من ارتباط خود را با پیشدار توسط بی سیم «طامت پست» عیار نمودم و به حرکت آغاز نمودیم همه خموشانه در حرکت بودند. بعد از طی مسافت تقریبی

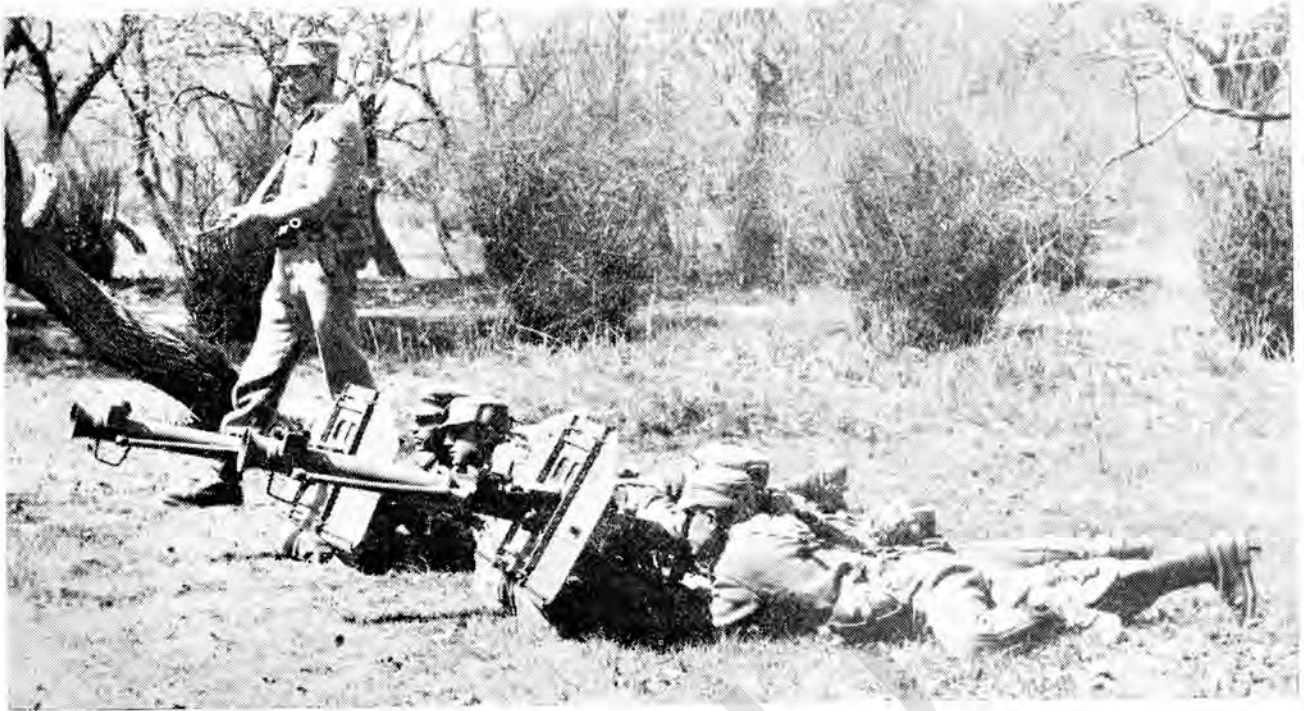
پنجصد متر از کنار پل ارتباطی آن طرف دریای عظیم و خروشان کتر گذشتیم. بالای پل یکتا سر بازان قوای امنیتی قرار داشت. بعد از شناخت و تعارف مخصوص با ما اجازه داد تا از کنار وی بگذریم. بعد از گذشتن از پل باز هم به رفتار ادامه دادیم. بعد از طی تقریباً یک کیلو متر به گولایی چاده رسیدیم. هوا آهسته آهسته روشن میشد. درین حال متوجه شدم که به منطقه «باغچه» رسیده ایم. درین منطقه فقط دو یاسه عدد درخت چنار قرار داشت و از «باغچه» اثری نبود. فکر کردم شاید هم به همین دلیل این منطقه را «باغچه» مینامیدند.

در «باغچه» اثری از پل ریسمانی وجود نداشت و همچنان آن وطنپرستان توظیف شده نیز موجود نبودند. من ذریعه بی سیم با قوماندان قطعه تماس گرفته گفتم که پل ساخته نشده و ما نمیدانیم چه باید بکنیم؟ وی هدایت داد که با است به استقامت خویش دوام بدهیم. من نیز به پیشدار امر نمودم تا به سمت مقابل حرکت نماید.

حرکت دو باره شروع شد. اکنون دیگر هوا بکلی روشن گردیده بود. همه جا دیده میشد و ما نیز از همه جا دیده میشدیم در دره بجز از صدای دریا چیزی شنیده نمیشد، و ما نندازیکه در بین چهار دیواری خیلی ها بلند قرار داشته باشیم با کوه های بلند، احاطه شده بودیم. هنوز یک کیلو متر راه طی نشده بود که ناگهان صدای ماشیندار ثقیل دشمن شنیده شده باشنیدن این صدامه نظر به امر من خود را عقب سنگها پنهان ساختند. من عقب سنگی جا بجا شدم که سر بازان مؤظف بی سیم هم همانجا سنگر گرفته بود. بعد از فیر اولی، صدای فیر انواع ماشیندار که از هر طرف شنیده میشد، شروع گردید هیچ نمیدانستیم مرمی ها از کدام سمت فیر میگردد. مرمی ها مانند باران در اطراف ما اصابت نموده و ساحه را برای بعضی از سر بازان تنگتر می ساخت. و یا هم به سنگی خورده و صفیر زنان از پهلوئی گوش مان می گذشت. درین موقع یکی از سر بازان پیشقراول را دیدم که در روی چاده قرار گرفته و آهسته آهسته به طرف عقب جبهه در حرکت است. عقب نشینی سر بازان را خشمگین ساخته، بالا پیش فریاد کشیدم:

- اهای بی غیرت، چرامی گریزی؟ برو نزد رفقاییت!

سر بازان ما مبرده به طرفم نگرست و دست راست خود را با اشاره بمن نشان داد فهمیدم که دست وی مرمی خورده و سخت مجروح گشته است. طوریکه دستش از حصه میج دست کاملاً جدا شده و صرف توسط یک رشته بار یک گوشت به صاعدش آویزان مانده بود، و از آن خون می چکید. بوی اشاره کردم عقب برو. و در دل از گفته خودم خجالت کشیدم. سپس خود را به سرعت با تر بله به نزد پیشقراولان رسانیدم. یکتا آنها شهید و دو تن دیگر زخمی شده بودند



سربازان قوای مسلح ج . د . ا برای دفاع از انقلاب و میهن تمرین می کنند.

در اینجا خود را ناگزیر به تحسین روحیه عالی سربازان تولی اول می بینم چه اصلاح زندگی برایشان به مقابله اهداف عالی انقلابی شان اهمیت نداشت با آنکه چندین تن زخمی و کشته داده بودند، با آنهم به پیش می رفتند، بعضاً می خندیدند و یا با صدای بلند برای فروخته شدگان اسپر یا لیزم بین المللی اخطار میدادند ....

هنوز مادام که به کوه صعود نکرده بودیم که دقیقاً موضع کنده شده بی نظرم را جلب کرد. موضع مذکور که در دل کوه کنده شده بود و از فاصله اندکی دور، اصلاحاً قابل رویت نبود یک سرباز را وظیفه دادم تا داخل این موضع را کنترل نماید. سرباز با تریپله خود را به آنجا رسانید. لحظاتی داخل موضع را بادقت بررسی کرد و سپس مرا با اشاره دست فراخواند. نزدش رفتم با خوشحالی برایم گفت :

- رفیق قوماندها، ببینید اینجا، نان، سرغهای پخته شده، یک بوجی چارمغز، توت و انواع مختلف میوه جات یک تخمه گلیم، مرمی های مختلف النوع، یک عدد بخاری آتشی که هنوز هم دود از آن متصاعد میگردد، موجود است !

از وضعیت دانستم که در این مغاره در حدود پانزده نفر می زیسته اند. از فداکاری و شهامت سربازان خود

چهارتن متباقی باضا بط مؤظف که سنگر گرفته بودند بادیدن من جویای امر تازه شدند. من توسط بی سیم با قوماندها قطع ارتباط گرفته و وضعیت را بوی تشریح نمودم. موصوف امر نمود که با یست تولی خود را به قلعه کوه طرف چپ سوق بدهم. این امر را به عجله توسط سربازان تکثیر نموده و به سرعت به طرف قلعه کوه رهسپار گردیدیم.

آتش دشمن به حد اعظمی خود رسیده بود اما با آنهم حتی یک سرباز دیگرما زخمی نگردد، چه اکنون همه از حمله دشمن و گشایش آتش آن اطلاع حاصل نموده و ما هرانه به پیشروی ادامه میدادند. ما به دو آب رسیده بودیم. با هر قدمی که به پیش می خزدیم ارتفاع کوه زیاد تر و جنگل انبوه تر شده میرفت. بلاخره بجایی رسیدیم که از کثرت درختان نمیتوانستیم حتی ده قدمی خویش را ببینیم. اصلاً مشکلات ما از همین جا آغاز گردید. مرمی ها از هر طرف فیر می گردید، استقامت و موقعیت سلاح تشخیص شده نمیتوانست و از همه سهمتر درین حالت سوق و اداره خیلیها مشکل شده بود. من قوماندها را بلوک رانزد خود خواستم و مسوولیت و استقامت هر کدام و نقطه اخیر وظیفه فعلی را تعیین نمودم. همچنان برایشان گوشزد نمودم که تنها در صورت تصادف با دشمن ذریعه فشنگ سرخ مراد جریان بگزارند، تا در آن صورت کمکی بآن ها بنمایم.



سخت بوجد آمده بودم چه آنها بدون هراس موضع دشمن را بدست آورده و خود ایشان را به عقب نشینی مجبور نموده بودند... به همین ترتیب در هر قلعه کوه موضع‌هایی به ساختمان فوق‌الذکر، موجود بود. تا این قسمت کوه یک‌تن دیگر از سربازان شجاع ما نیز زخمی شده بود به این ترتیب ما سه تن از سربازان زخمی را نیز با خود داشتیم که آنان را سربازان غیور ما به نوبت با خود حمل می‌نمودند. اینکه مادر نزدیکی قسمت، اخیر وظیفه داده شده رسیده بودیم هر سرباز وظیفه خود را می‌دانست. درختان انبوه ترشده میرفت و در بعضی از قسمت‌های کوه لکه‌های خون و جای کشیده شدن لاشه به روی زمین دیده میشد.

بلاخره مادر قسمتی رسیدیم که سطح تقریباً هموار و بک میدانی به مساحت یک کیلو متر، عاری از درخت بود. این میدانی بدون درخت که با سنگ‌های عظیم پوشیده شده بود؛ آخرین قلعه کوه بود. موقعیت مذکور را مساعد دانسته برای استراحت انتخاب نمودم... زمان به سرعت گذشته بود. روز آخرین نفس‌های خود را می‌کشیدم و آفتاب چشمک زنان در حال غروب بود. چندگروپ سرباز را به چهار جهت جهت برای تأمین امنیت فرستادم. دیگر از فیر خبری نبود. هیچ صدای مرمی شنیده نمیشد. صرف صدای یگان کبک و یا دیگر

سرخان جنگلی به گوش می‌رسید. گویی در همه جا صلح تأمین شده بود در همین اثنا اولین دسته مترصدین تولی دوم که قوماندان قطعه نیز با آنها همراه بود، رسیدند خوشحالی بیسابقه بی‌در و وجود احساس کردم. من و قوماندان با هم احوال بررسی نمودیم صمیمانه دست همدیگر را فشردیم. ما بلااراده آنقدر صمیمیت با هم نشان دادیم که اگر شخصی از خارج قطعه ما را در آن حال می‌دید، به این فکر می‌افتاد که شاید این دو با هم اقلان از یک سال به این طرف ندیده اند... با دیگر سربازان نیز مراسم احوال بررسی اجرا گردید و سربازان تولی ما با ادای کلمه «خوش آمدید» از قوماندان قطعه خود استقبال نمودند. آنها این کلمه را چنان با صداقت اداء مینمودند که گویی دوست عزیز خود را در فامیل خویش پذیرایی مینمایند... بعد از مراسم احوال بررسی و تعارفات معموله فوراً استقامت امنیت هر تولی تعیین گردیده و به ساختن موضع شروع نمودند. موضع طوری ترتیب گردید که: تولی اول در قسمت بالایی که مملو از درختان بلوط بود، تولی دوم بطرف جنوب، تولی حمایه که مجهز باها و آنها بودند در عقب، و تولی زره‌دار که اصلاً از وسایط آن خبری نبود و در آن حال منجیت تولی پیاده اجرای وظیفه مینمود، در قسمت پایین



پیروزی و موفقیت در اجرای وظایف اقتضای وسر بلندی بار می‌آورد.

را برای قربانی در راه وطن مکلف میدانیم» ، و یا :  
« وطن بالای ماحق دارد و برای آزادی آن می جنگیم»  
جوابم را میدادند ....

ساعت یک شب پهپره دار برایم خبر داد که وضع  
یکی از مریضان خوب نیست خود را به موضع آنها  
رسانیدم دیدم سربازی که گردنش مجروح شده بود  
نفس کشیده نمیتواند. سردی هوا بالایش تاثیر نموده  
و عضلات گردنش را منقبض نموده بود. سرباز مجروح  
با چشم ، همراه من مکالمه مینمود. از چهره اش خشم و نفرت  
می بارید ، خشم و نفرتیکه از کینه اش به مقابل عناصر  
ضدانقلاب ، ریشه می گرفت. برایش گفتم :

— دوستم متاثر مباش ، انتقام ترا می گیریم ..

هنوز سختم به آخر نرسیده بود که دیدم سرش به  
یکطرف خم شد و از حرکت باز ماند... در همان شب به چند تن  
سرباز وظیفه دادم قبری درست کنند زیرا فردا با طلوع  
آفتاب نمیتوانستیم این کار را بکنیم قبر درست شد  
ما با اعزاز و احترام مخصوص میدان محاربه وی را  
دفن نمودیم . به ساعت نگرستم ساعت صبح را اعلان  
می نمود خواستم اندکی بخوابم ، ضمناً متیاقی رفقا را  
نیز گفتم تا بدون پهپره داران همه بخوابند .

صبح باشعاع آفتاب بیدار شدم از محاربه خبری نبود  
هوای صاف ، صدای بلبلان و گنجشک های کوهی فضای

این سطح قرار گرفتند. پهپره داران نیز توظیف گردیدند  
متیاقی به تهیه نمودن چای ، صرف طعام مشغول شدند .  
حالا هوا دیگر کاملاً تاریک شده بود . موجودیت ورود  
تولی های فوق الذکر روح تازه بی در کالبد سربازان  
ما پدید آورده بود. همه با اطعینان ، آزادانه به هر سمت  
مشغول گردش بودند و از احوال همدیگر جو یا می گشتند .  
من به احوال پرس و جوی ها رفتم. حال دو تن ایشان بهتر  
بود ، صرف یکی از سربازان وضع وخیمی داشت . زیرا  
سرسی از قسمت چپ گردن ( بین حنجره و مهره گردن ) وی  
داخل و از سمت راست آن خارج گردیده بود . سرسی  
مذکور حنجره سرباز ساخت مجروح نموده بود .

خونریزی نداشت اما به مشکل تنفس مینمود که از  
این ناحیه سخت دچار تکلیف بود . روی هم رفته  
وضع وی بسیار وخیم نبود سربازان زخمی دیگر  
وضعیت بهتری داشتند یکی به بازوی چپ و دیگری  
در شانه خویش زخم برداشته بود. که زخمهای آنان  
توسط دکتور قطعه پانسمان شده بود. از هیچ زخمی صدایی  
بلند نمیشد ، حتی از همان سرباز مجروحیکه سرسی گردنش  
را شکافته بود. من در دل از شهامت و جرأت ایشان بخود  
می بالیدم و تحسین شان می کردم من جملات نوید بخش  
تسلیمی آمیزی که میدانستیم برایشان گفتم که آنها با  
گفتن جملات : «گوسفند نر برای قربانی است ، مانیز خود



سربازان قوای مسلح ج. د. ا. ، با علاقه مندی بی پایانی «حقیقت انقلاب ثور» را مطالعه میکنند .

دلپذیری به آن منطقه بخشیده بود. آهسته آهسته هوا گرم میشد. با گرم شدن هوا، همه احساس تشنگی میکردیم از هرتولی یکدلیگی را وظیفه دادیم تا جهت آوردن آب به دریایی که در پهلوی جاده قرار داشت بروند. جای آب گیر، در منزل تاثیر سلاح ما قرار داشت و با دوربین به صورت واضح سنگ سنگ آن به مشاهده می رسید. هر دلیگی بیست عدد پتک اخذ نموده و رهسپار دریا گردیدند و بعد از سپری شدن تقریباً سه ساعت واپس همه سالم برگشتند.

آنروز تا عصر بدون کدام حادثه سپری گشت عصر همانروز من، قوماندان تولی حمایه و ضابط تولی قدم زنان به طرف دره سرا زیر گشتیم و در محلی که درختان خیلی غلو بود، نشسته و شروع به صحبت نمودیم...

ما می انگاشتیم در محلی که ما قرار داریم دشمن نمیتواند ما را ببیند. در گرما گرم صحبت بودیم که ناگهان صدای فیری شنیده شد و متعاقب آن صدای «آخ» دوست پهلویم را شنیدیم. روی خود را دور داده دیدم قوماندان تولی حمایه به پشت افتاده است پرسیدم «چه شده است؟» گفت: «مرا با مر می زده اند.» ضابط تولی فوراً قوماندان مجروح را به پشت گرفته و یکجا به محل اقامتی که مخصوص مریضان ساخته شده بود، مراجعت نمودیم. مر می از سمت چپ پیکرش داخل و از جانب راست آن خارج شده بود...

آهسته آهسته شب تاریک فرا رسید. باد هم شروع به وزیدن کرد و صدای شرشر دریا با صدای درختان یکجا شده همراه با آواز حیوانات وحشی، آهنگ هولناکی را بوجود آورده بود که گوش را می آزرده. ساعت ۲ شب صدای فیر مر می را شنیدیم. مراسم از جا پریدم متعاقباً صدای فیر زیاد تر گشته در یک چشم بهم زدن کسوه به یک کوره آتش مبدل گردید. مر می های رسام از جانب ما به هر طرف خطوط سرخ رنگی را در فضا ترسیم می نمود. بی بردم این حالت در اثر یک اشتباه بوجود آمده است. زیرا از طرف مقابل هیچ نشانه فیر بچشم نمی خورد. مجبور شدم به هر موضع به صورت علیحده بروم و امر اوربند بدهم. بعد از آتش بس و تحقیق مختصر معلوم شد که فقط دو بدن یک حیوان وحشی از مقابل یکی از بهره داران باعث بروز این صحنه شده بود. لازم به تذکر است که این آتشباری برای ما دو فایده و یک نقص در برداشت.

نخست اینکه بعداً در هیچ فعالیت محاروبوی «مخصوصاً در شب» مثل این صحنه و این چنین اشتباه تکرار نگردد و این درسی خوبی برای تمام سربازان ما بود. و فایده دوم اینکه: موضع های دشمن برای ما افشاء گردید

که بعداً آنرا از بین بردیم. و اما ضروری که از این حادثه متوجه ما گردید اتمام نیم برج جبهه خانه ما بود. بهر حال آن شب گذشت. فردای آنشب خسته و کوفته از خواب برخاستم و منتظر ماندم در انتظار ورود قطار... تا اینکه بالاخره ساعت ۱۱ قبل از ظهر یکی از بهره داران ما برای من احوال آورد که در قسمت اخیر جاده گرد و خاک معلوم میشود. دوربین را گرفتیم و در آن گرد و غبار قطار و وسایط خودمان را تشخیص دادیم. این قطار شامل زره پوش ها، موتر خرچ، وسایط مخابره و غیره وسایل مورد ضرورت بود. به همه مژده دادیم. هر چند روحیه سربازان ما عالی بود اما با آن هم همه خورسند گردیدند و به خوردن بقایای آخرین گوشت های کانسرو شده و دود کردن سگرت های احتیاطی خود پرداختند. و فوراً در گوشه و کنار این منطقه که از نگاه ستروا خفا خوب بود، به جنب و جوش افتادند و روح تازه بی در وجود سربازان خسته و بی خواب ما دمید. هر تولی دو دلیگی خود را وظیفه دادند تا اعاشه، آب، مهمات را بیاورند. همچنان سربازان وظیفه گرفتند تا زخمی ها را به قطار موترها برسانند. مهمات و غذای کافی در اختیار ما قرار گرفت و با مورال عالی، انرژی تجدید شده و احساس و روحیه وطن پرستی همه سربازان ما انتظار وظیفه جدید را می کشیدند.

ما اکنون نقطه مرتفع مورد ضرورت و حاکم را اشغال نموده بودیم و میتوانستیم ازین قله به هر استقامت وظیفه دلخواه خویش را اجرا بداریم....



تا نکه ها در حال رفتار.

# آنها هرگز نمرده

صبح فردا، پسرم باز بخواند بسرود  
که به هشیاری حزب پدرم باد درود

در تاریخ ملل هست، روزهای که فراموش  
ناشدنی اند؛ و این روزها بخاطر آن ارزشمند هستند  
که چهره زمان خود را تغییر داده و به ارزشمندی  
انسان صحنه گذاشته اند؛ ارزشمندند بخاطر یک  
مناسبات رو بزوال راشکسته و اهریمن را بساط چیده اند،  
و بالاخره گرامی اند، چونکه خواست زمان و انسان زمان  
بوده اند و . . .

در تاریخ دیرینه سرزمین ما نیز ازین روزهای  
تاریخی کم نیست. اگر از یاد آوری روزهای تاریخی  
گذشته های دور کشور خود ناگفته بگذریم، درصحنات  
اخیر تاریخ کشور ما، روز استقلال و روز آغاز انقلاب  
ملی و دموکراتیک ما، با وضاحت در تمام در نظر  
تجلی می کنند. زیرا همانگونه که مردم ما با قاطعیت  
و مردانگی تمام استعمار کهنه کار بریتانوی را که  
«آفتاب در سرزمینش غروب نمی کرد» بزانو در آوردند؛  
با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور نیز برای همیشه  
برسلطه سیاسی - اقتصادی؛ فئودالیزم، استعمار و  
امپریالیزم در سرزمین آزاده خود پایان بخشیدند؛ که  
در همه این تغییرات بزرگ و پیروزی های سترگ نقش  
انسان برانزده و تعیین کننده بوده است.

همگام با لحظاتی که پیروزی های بزرگ مردم خود  
را بخاطر می آوریم، چهره های تابناک، بزرگ مردان  
راه آزادی، در مقابل چشمان ما نیز قد برسی افرازد.  
آن مردانی که با سر سپردگی کامل و ایمان راسخ  
تا آخرین دقایق حیات در راه حق و عدالت، در راه  
مبارزه با عقب ماندگی ها و سیاهی ها استوارانه گام  
برداشتند و هرگز اجازه ندادند که تاریکی بروشنایی  
اهریمن بر اهور امزدا چیره گردد . . .

این بار نیز که ما بر مرثیه این شهدای راه وطن  
نشسته ایم؛ سوانح یک تن از سرسپردگان راه انقلاب را  
با افسردگی از فراق همه شان ورق میزنیم:

عبدالکریم ولد محمد نبی به سال (۱۳۱۹) در یک  
فامیل زحمت کش در ولسوالی سرخ رود ولایت ننگرهار،



جگرن عبدالکریم

به جهان دیده کشور. او که به مسلک عسکری عشق  
آتشین داشت، بعد از ختم دوره ابتدائی و تحصیلات دوره  
ثانوی در حربی خونخوی، از طریق پوهنخی هوایی شامل  
مسلک مقدس عسکری گردید. عبدالکریم با علاقه مندی  
تمام و استعداد سرشاری که داشت توانست دوره  
معینه ای تحصیلی نظامی خود را پیروزمندانه سپری کند  
و بعداً به تاریخ ۱۳۳۹/۹/۱۹ بحیث دریم بریدمن در مسلک  
برق هوایی تثبیت رتبه شده و در بست قوای هوایی بحیث  
افسر به وظیفه محوله اش توظیف گردید.

بریدمن عبدالکریم نظر به ذکاوت، لیاقت، اخلاق  
نیکو و وظیفه شناسی به تاریخ (۱۳۴۱/۶/۱) برتبه دوهم  
بریدمنی و بعداً به تاریخ (۱۳۴۵/۶/۱) به رتبه لعمری بریدمنی  
ترقیع نمود. هم چنان موصوف توانست به تاریخ اول  
سنبله سال (۱۳۴۸) برتبه تورتی و به تاریخ اول سنبله  
سال (۱۳۵۲) باحفظ یک سال قدم برتبه چکتورنی ترقیع  
نماید؛ سپس عبدالکریم به تاریخ (۱۳۵۵/۴/۲۶) برتبه  
جگرنی رسید.

جگرن عبدالکریم نظر به وظیفه شناسی، لیاقت و  
کاردانی ایکه در خود داشت، و با در نظر داشت پشتکاری  
که به وظایف محوله از خود نشان میداد، به اساس  
امر مقامات ذیصلاح در سال (۱۳۵۶) به حیث آمر قسم  
سوم تخنیکی میدان هوایی بگرام به وظیفه گماشته شده



پدگروال عزیزالله

این مرد با اراده و پرکار عزیزالله نام داشت، پدر او الحاج عبدالله جان نامیده میشود. عزیزالله در سال (۱۳۰۸ ه. ش) در قریه قلعه سرادبیگ در یک فامیل دهقان کار پای به جهان گذاشت. تحصیلات ابتدایی او در مکتب ابتدائیه قلعه سرادبیگ سپری شد. او نظر به عشق و علاقه ای سرشاری که به مسلک مقدس عسکری داشت شامل مکتب حربی گردیده و بعداً شامل حربی پوهنتون و از آنجا پیروزمندانه موفق به اخذ دپلوم مسلک نظامی خویش شد.

عزیزالله بعد از سپری نمودن دوره پوهنتون قرار کارت نمبر (۱۰۵۴) مورخ (۱/۶/۱۳۳۰) برتبه دریم بریدمنی تثبیت رتبه شد. هم چنان بریدمن موصوف قرار کارت نمبر (۱۶۴۸) مورخ (۱/۶/۱۳۳۳) برتبه دوهم بریدمنی و بعداً به تاریخ (۱/۶/۱۳۳۶) قرار کارت نمبر (۲۱۴۸) برتبه لمپی بریدمنی ترفیع نمود. هکذا بریدمن عزیزالله به تاریخ (۱/۶/۱۳۳۹) برتبه تورنی ترفیع نموده و به تاریخ (۱/۶/۱۳۴۳) به رتبه جگورنی نایل شد. عزیزالله خان نظر به لیاقت و کاردانی ای که داشت و وظایف خود را با کمال حسن نیت انجام میداد به تاریخ (۱/۶/۱۳۴۶) به رتبه جگورنی مفتخر گردید. جگورن عزیزالله نظر به علاقه سرشارش به وظیفه و تلاش های پیگیرش در امور محوله خود توانست به تاریخ ۱۳۵۲/۶/۱۱ برتبه پدگورنی ترفیع نماید.

پدگورن عزیزالله بالاخره بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور افتخار رتبه پدگروالی را کمایی کرد.

و تا آخر با وجدان پاک و روان انقلابی و وظیفه محوله خود را موافقانه بسر رسانید. همچنان لازم به تذکر است که عبدالکریم این فرزند صدیق وطن در سال (۱۳۵۲) افتخار عضویت ح، د، خ، ا را حاصل نمود.

پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور هم چنانکه برای همه وطن پرستان طلیعه درخشانی بود و در زندگی همه مردم ماتناثیر بسزای خود را گذاشت، درب های تازه بی را نیز بخاطر ترقی و تعالی جامعه ما و سهمگیری فرزندان راستین مردم زحمت کش افغانستان در اعمار جامعه نوین کشود. در چنین فرصتی جگورن عبدالکریم نیز چون همیشه به مثابه یک انسان زحمت کش مسیر کوشندگی خود را دنبال نموده و تمام نیروی خود را در راه خدمت مردم و وطن قرار داده بود. ولی دیری نگذشت که خفاش سیاه بال های پرمصیبت خود را برون تاز از بند رسته بی ما گسترده ساخت و جامعه ما را به تیره گی گرفت. دشمن در وجود باند آدمخوار امین از کشته، پشه ساخت و از خون پاک وطن پرستان جو بیار خونین، هزاران قلبی را که بخاطر اعتلای وطن می تپید به خاک و خون کشیده و ملتی را در عزای فرزندان خود نشانده. در همین گیر و دار بود که جگورن عبدالکریم که مثل میلیون ها انسان دیسگر قلبش بخاطر سر زمینش می تپید، همانند هزاران انسان انقلابی و میهن دوست و دیسگر سر نوشتش زنجیر و زندان شد. او را فقط به همین جرم که نمیتوانست جنایات ایشان را ببیند و مسکوت بنشیند، یعنی به جرم عشق به انسان و وطنش به تاریخ بیستم ماه حوت سال (۱۳۵۷) زندانی نموده و به شهادتش رسانیدند.

« انالله وانا الیه راجعون »

وزارت دفاع ملی و قوای هوایی جمهوری دموکراتیک افغانستان شهادت این افسر جوان و انقلابی خود را یک ضایعه جبران ناپذیر دانسته به روان پاک او درود فرستاده و از بارگاه خداوند متعال (ج) به بازماندگان نش صیر جمیل می طلبد.

ما یاد او و همه شهدای راه انقلاب و وطن را گرامی داشته و مصمم هستیم راهی را که ایشان با خون خود رنگین کرده اند تا به آخر بیجا بیم.

یاد همه شهدای راه انقلاب و وطن گرامی و خاطره تا بنگ شان جاویدانه باد!

**باز هم به یاد یک شهید قهرمان**

... و این بار هم بیاد همه شهدای راه انقلاب و بخاطر بزرگداشت از خون پاک ایشان زندگی نامه ی یکی دیگر از هزارشان را صفحه می گشایم:

آن ساخت که این مرد وطن دوست را از میان بردارد . دشمنان کوشش زیاد بخرج دادند . تا او را در خانه اش در قلعه مراد بیگ به شهادت برسانند ، ولی از آنجا نیکه او در منطقه خود از احترام مردم برخوردار بود و محبوبیت خاص خود را داشت ، دشمن به این مرام شوم خود قادر نشد ولی حالا با تأسف اطلاع گرفته ایم که دگروال عزیزالله مدیر عمومی سفربری وزارت دفاع ملی به تاریخ (۲۵) سنبله سال (۱۳۵۹) در حین اجرای وظیفه رسمی ملبس بالباس افسری و رسمی اش در طول راه از طرف عناصر ضد انقلاب و خائن بوطن به شهادت رسید .

« انالله و انا الیه راجعون »

وزارت دفاع ملی ج . د . ا . شهادت این افسر دلیر با تجربه خود را یک ضایعه بزرگ پنداشته ، به روح مرحومی نثار دعا کرده و به بازماندگانش طول عمر و صبر جمیل می طلبد .

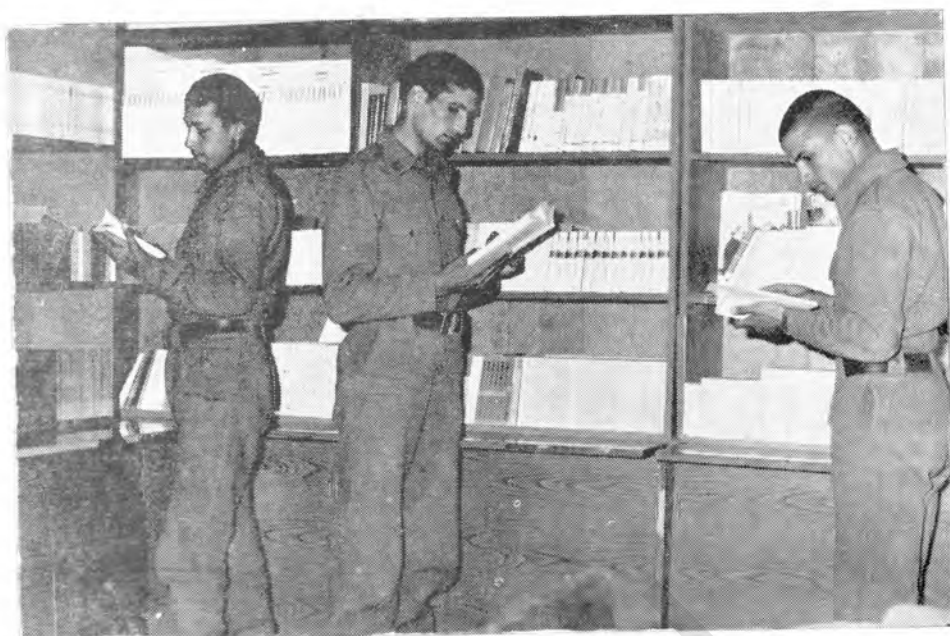
و ما یاد او را چون همه شهدای دیگر گرامی خواهیم داشت . . .

دگروال عزیزالله در طول حیات خویش مصدر خدمات شایسته بی به وطن و مردم خود شده که همه قابل قدر دانی است . ولی از بزرگترین افتخارات وی یکی هم تربیه سالم نوجوانان و بالخصوص اعضای قاملی اش بود که توانست اولادهای شریف و وطن پرست به جامعه تقدیم کند . دگروال موصوف بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بالاخص بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب تلاش های پیگیری در راه استحکام پایه های انقلاب در بین مردم بخرج داد . او علاوه بر پیش برد وظایف پرستوولیت رسمی خود در ایجادگروپ های داوطلب دفاع از انقلاب و تشکیل جرگه های قومی بخاطر مبارزه با ضد انقلاب و خنثی ساختن تبلیغات خصمانه دشمن در ولسوالی شکرده و بالخصوص در قریه قلعه مراد بیگ تلاش های فراوانی بخرج داد و در کارش هم موفق بود .

همه این تلاش ها و فعالیت های پیگیر ، انقلابی و وطن پرستانه او بر جان دشمن آتش زد و دشمن را بر



صورت استفاده از ماسکه گاز و بالان تحفظی در منطقه مسموم شده وهمچنان تعیین اندازه مواد مسموم کننده از طرف سر بازان موظف .



کتابخانه‌ها همه جا در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد، در اینجا چند تن سر باز  
حین انتخاب کتاب دیده می‌شوند.

د امتیاز خوانند: دملی دفاع وزارت  
د خپرو نو ریاست

مسئول مدیر: دگرمن عبدالغیاث بیدار  
د تیلغون نمبر: ۴۴۴۰۸

سال تاسیس: ۲۱ جول ۱۲۹۹

نمره مسلسل ۷۰۹



راکت ها در ستیشن آماده پرتاب بوده و سر باز دلیر با جدیدیت، ازان ها سواظت می کند .

## AFGHAN MILITARY REVIEW

Monthly Magazine

Address: Urdoo Mojalla, Military Press, Kabul

Democratic Republic of Afghanistan

Tel: 23208 - 24574

Subscription rate for foreigners & abroad

15 US Dollars.

Volume 62, Serial No: 709

March — April — 1981

دملی دفاع مطبوعه

داردو مجله

شیرمانه

قیمت اشتراک سالانه : ۱۵۰ افغانی

نرخه بخرافغانستان بانک : ۶۰۰۱

آدرس : داردو مجله - دفاع مطبوعه کابل - افغانستان

۲۳۲۰۸

تلفون میرمجله :